ما لكم لا ترجون لله وقارا

بسم الله الرحمن الرحيم اللهم

میسر نخواهد اگر دعا بر کاغذ یا بر پوست آهو بنو
سد و بر بازوی چپ باد ببندد و اگر خواهد که ازما
نو نماید بر کاغذ بنویسد و در رخت خشک ببندد هر که

اصل لا ابراهیم صو بو آمنا بالنعمت
قوس قدوس

لم لم لم لم لم لم . لم لم لم لم لم لم لم لم

ا ا ه ا ه ا ه ا ه ا ه صحصملا هیم
لا واد رزق وآله لم صاحب ا

الله علی ما بسل و ن جهت دفع
دعا با خود دارد بسم الله الرحمن الرحیم
نعطیناک فبصرک الیوم
من القرآن ما هو
و ید الله

بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلک باسمک یا
یا رحیم یا مطعم یا معطی یا مغنی یا منجی یا
یا محیی یا منجی جهت هر بیمار بنویسد و بر کردن
دعا درد گوش فلشفعا عنک
۹۹۹۹ الیوم الحدید بصرک یا
عنک فبصرک الیوم الحدید بصرک
الرحمن الرحیم نعلت سیبویه لولو
ازسیب انگور تا شفا یا بیون
ج ج ج ج ج ج ج ج بصرک یا
از جهت حل بستن مولود و مادر رستن
ختنه بار یکبار این دعا
و بر روی ماه را بر زد اللهم
و بلاء و نعل صلاة و تملا
من الجن و الانس و الشیطان
دعا بر دو دعا
و آله الاحمر

... که اخته شود و لیقی صولیقی حولیقی خالیقی

... بجهت حامله شدن زن عقیمه با خود نوشته

... بجوزد مجرب است

صو صو صو صو صو صو صو صو صو صو صو صو

الله الله الله الله الله الله الله الله الله الله

[illegible]

[illegible]

دفع باد ها جمیع اینست روایتست که هر که این

... که باد سرخ و باد سیاه و باد کبود و باد زرد

و قولنج و باد لقوه و برای باد حام و باد ها جمیع

... ان نمی باشند و از برای باد گرم و باد سرد

... که داشته باشد و هر که هر علتی

وامراضی ذکو نفس و ضب که داشته باشد بیند عاجز و ب

بخواند و بدمد سه بار البته آن علت بر طرف میشود

بقدرت کامله حق سبحانه تعالی و از برکت اینها

مجرب است و از مسوده است در شرح بسیار وارد است

مختصر کردیم که خوانند و نویسنده و شنونده ملال نباشند

والله اعلم بالصواب بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الشافی بسم الله الکافی

بسم الله المعافی بسم الله المتعالی

بسم الله الذی لا یضر مع اسمه

شيءٌ في الأرض ولا في السماء
وهو السميع العليم بسم الله ذي
الجلال والإكرام بحق يا داود يا
قهار بحق سليمان بن داود يا وهاب
بحق يوسف يا صديق بحق ايوب
يا صابر بحق زكريا يا ستار بحق
يحيى يا عليم بحق ابراهيم يا كريم

بحق

بحق اسمعيل يا مغيث بحق يا موسى
يا كليم بحق عيسى يا غني بحق محمد
المصطفى يا احد بحق علي المرتضى
يا مجيب بحق اولاد و آباد
محمد يا حليم اللهم انت الها واحدا
احدا صمدا فردا وترا حيا قيوما
دائما ابدا لم تتخذ صاحبة و

والآل وبحق محمد و آل محمد صلى الله عليه وآله
وسلم بستم بستم بستم باد سرخ و باد کبود و باد خمود
و باد خام و باد شقاق بستم بستم بستم باد لقوه
و باد فالج و باد رعشه و باد بلید و باد کبود و باد رید
بستم بستم باد طحال و باد اصفاد باد کتف و باد
کاشی و باد سفید و باد سیاه و باد جرب و باد آبله
و باد گرم و باد سرد
باد سموم بستم بستم باد خنق و باد رقف و باد
و باد ضیلوش و باد کوبه بود و سنجی که عظیم بود
بر سر و روی و چشم و گوش و کمر و ران و دست و پا
و پشت و پی و پوست و استخوان و گوشت

و شحم این مریض و حامل این هیکل فلان
بن فلان بحق توریة موسی و انجیل
عیسی و زبور داود و فرقان محمد المصطفی
صلی الله علیه و آله و سلم الهونی اهونی
بهر سر کوه دماوند روای باد های رنج اگر
مطیعی و اگر حرمان برده ای عزوجل الهو
الهونی وجعلنا من بین ایدیهم سدا
ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا

يشعرون وننزل من القرآن ما هو شفاء
ورحمة للمؤمنين ولا يزيد الظا
لمين الا خسارا اللهم يا اسمع السا
معين ويا انصر الناصرين ويا ابصر الناظر
ين ويا احسن الخالقين ويا رازق المخلوقين
ويا راحم المساكين ويا ولي المؤمنين
ويا امان الخائفين ويا خير الوارثين
ويا من سلمه ويا من فرج فرجه
ويا من

ويا من سهل سهله بفضلك ورحمتك
ويا ارحم الراحمين الله حاضري الله
ناظري الله حافظي اسكن بعزة الله
عزت اسكن بقدرة الله اسكن
بالله الذي له ما في السموات والارض
وهو العزيز الحكيم صلى الله على خير
خلقه محمد واله اجمعين

حضرت نبی فرموده هر که این دعا بخواند از حیوان
بیابانی نترسد ترسی و داشته باشد

بازهر هر مار از سر تا پا بیرون شود

و [illegible] بنویسند این دعا الله عصمت مرد [illegible] به حکم خدای

عز و جل زبان مار بسته گردد حضرت فرموده که اگر

خواهی که این حکم کنند [illegible] مخور اول مغز کله

گوشت زیر ناخن گوسفند مخور الا هر که خورده باشد

بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible] باره کشته [illegible] [illegible] توس [illegible]

[illegible] تو [illegible] [illegible] کیفی [illegible]

[illegible] الکر الم [illegible]

[illegible] کبیر دم از دم فرمان از خدا شفا شود

از گفته محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم

کشته هو کرده هو فلک کره هو ربانی جبانی [illegible]

[illegible] بسی سال بعمر [illegible] الهار کنند [illegible]

[illegible] غران غران مار [illegible] مار [illegible]

مار [illegible] تیره مار [illegible] مار [illegible] مار [illegible] مار

لوح مار آتش مار [illegible] لوح مار لورسی مار

سیاه مار زرد مار [illegible] مار خاک بر سر مار [illegible] مار

باد مار [illegible] مار لاقر مار [illegible] مار [illegible] مار

هفتاد گونه مار دم از دم فرمان از خدا [illegible]

نشود از گفته محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم

بر کردانیدم زهر تیر از گوشت و از پوست و از

نقش نقش رکش جهل چار پاره استخوان بر کر
وانیدم زهر ترا از سر تا پایم بحکم سلیمان پیغمبر
بهم داود پیغمبر کف بند کو مم

[illegible]

[illegible]

اگر کسی را عقرب بزند ... باشد [illegible]
نوشته بپیچاند بیکن العقرب ... لا تقول
التشهد ... لا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم [illegible]

[illegible]

تیکلیک
علم مبارک ان و شوهر بنویسه هر روز و روز [illegible] بولور
[illegible] مجرب است شب اول ١٢١٣١٢١٢١١١٩
٩٩ قربان — شب دوم
شب سیوم [illegible] علا و یو
جهت فرزند
[illegible] نوشته کمبرد [illegible] لا قر باشد این دعا نوشته بر بازوی او بندد
[illegible] صوصو صوصو نحی نحی نحو عن صوصو
صو صو الصول الله ال لا
٣٢١٣٤ صوع ١٩ لا ٣ ١٢
[illegible] نوشته بر کمر دن بندد [illegible] در آب انداز دنا
[illegible] بخورد شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم عقعق
[illegible] عفر و س عفر و س صه صه صه صه
[illegible] لا [illegible] لا [illegible] و صو
[illegible] نکو شود و این دعا نوشته به شویه بخورد
[illegible] شود النبوة محمد علی [illegible] صحیح

[illegible] تا ایل [illegible] و تشهل [illegible] کانو [illegible]
بر [illegible] جهت [illegible]
نوشته در میان [illegible] هفت دانه جو بگذارد و در [illegible] آب
[illegible] نماید که آن جو سبده شود [illegible]

١٢	١	٤
٣	٥	٤
٤	١	٢

[illegible] رسیده باشد و [illegible]
[illegible] کنند و یا [illegible] او [illegible]
[illegible] خود این جبار شکل [illegible] در [illegible] او و [illegible]
[illegible] او دود کنند و شکل [illegible] و زیر [illegible] او دود کنند
در آب انداز د بخور ند و شکل [illegible] در [illegible]
[illegible]
[illegible] لا ١٥ [illegible]
[illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم
[illegible]

تعلیم

قل ... سبیلکم ... و اتخذوا من دون الله آلهة لعلهم

ینصرون ... بحق ... فلان ابن فلان ... تورات

موسی و انجیل عیسی و زبور داود و صحف فرقان محمد مصطفی

صلی الله علیه و آله و سلم و جعلنا من بین ایدیهم

سدا و من خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون ... یا صالح

... دفع قبض شمس آدم یا حیوان نوشته

و	و	و	و	و	و	ع	و
		م	و	و	ع	و	ع

بخورد ... مجرب است

... بنویسد ...

... الله اکبر ... نوشته بکمر ... بندد

بسم الله ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ... شفا

اگر زن ... زاییدن ... کرد اذا السماء انشقت

و اذنت لربها و حقت و اذا الارض مدت

و القت ما فیها و تخلت ما فیها ...

سلیمان ان اخرج یا ... الولد باذن الله تعالی

و ... [illegible] ... دعا ... کرده ...

... کرده ... جبار ... [illegible]

محمد ... علی ... [illegible]

اگر ... [illegible] ... دعا

... [illegible]

... [illegible] ...

العجل العجل العجل بسم الله یا ...

... یا ارحم الراحمین ...

سورة اخلاص ... [illegible]

... الناس ... [illegible]

عقد الغم

جهت دفع جن و شیاطین با خود دارد محفوظ شود بسم

الله الرحمن الرحیم یا انسا تلوث یا مستطیع یا زرارا

ل یا الرقم الراحمین یا الرم الاکرم [illegible]

حفظه من جمیع البلاء بحق محمد و آله [illegible]

[illegible] به اجعلنی من حفظک یا ارحم الراحمین

[illegible] که هر که [illegible] بخواند مجلس او [illegible]

[illegible] بخواند [illegible] مجلس او [illegible]

[illegible] کاف کاف کاف [illegible] کفکفا کفلو [illegible]

[illegible] کفا [illegible] کفا [illegible] کن انما

امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون

[illegible] بر چوب [illegible]

[illegible] قال النبی صلی [illegible]

[illegible]

[illegible] بنویسد [illegible] بسر [illegible] دفع [illegible]

[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم [illegible] لترکبن طبقا

عن طبق فما لهم لا یؤمنون و اذا قرئ علیهم

القرآن لا یسجدون [illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۱۱ [illegible]

[illegible] بدست [illegible]

[illegible] بنویسد در موم [illegible]

[illegible] نام مادر او و نام [illegible]

[illegible] ۱۱۱۵ [illegible]

[illegible] بنویسد بر آب [illegible] شفا یابد

[illegible]

[illegible] بنویسد [illegible]

[illegible]

اگر کسی عنبر کم کرده باشد و نداند که برده اشغم ابن السیم

بنویسد و در زیر سر گذارد و ان شخص را در خواب بیند ما البنو

سی البنوسی دعای باد کی ننه ن کو شفلان

وبنسن لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه

ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رءوف رحیم ابن طلسم

بر آن السب که ان شن بنده بنو و ابن طلسم در زمین باشد

است بر کمر او بکمرد انه و دفع شود

۱۱۱۴	[illegible]	[illegible]
۱۴۳	[illegible]	[illegible]

دعای سرمای لفصلان الکم

اللهم تزوج سبع جالک داب لا اب ان کان

لکنا المعجز ذلک اد حکولک اجوا مکو کک لولک بر

قطمیر لو و بو لک یا معوق کون دعای کبر اگر کو د

کسر کفند و خوانیش نیابد بنو سعد بر کمه پور د بند د

[illegible] دعای کبر

[illegible] الفقت

[illegible] بنعمت بجا بشنم دیدن درویشی بجا ۱۱

دیدن [illegible] مادر بزرگ بیند از دو شمنی فرزند

[illegible] سعادت کاو غم اندوه ما ماز شکم بیرون مرزد باشد

[illegible] مرغان دیدن [illegible] خرگوش

[illegible] بجا بکار کردن دولت بجا عنکبود

[illegible] پلنگ کشتن و ر دو شمنی ظفر یابد شیر

[illegible] دیدن بزرگی بجا گرگ نعمت بجا [illegible]

[illegible] عالم کشتن دو خنز [illegible] کفت کو سفند بجا

[illegible] نعمت جا بجا گوشت کاو خوردن بموجب [illegible]

[illegible] خوب نعمت که نشنل [illegible] اگر در خواب بیند

[illegible] بیکار باشد او بو خند اشتغال روز [illegible]

[illegible] در دامن او آتش افتاده ناگاه [illegible] اگر

[illegible] انگور سبز بیند خوش حال شود و اگر بیند که انگور

[illegible] زرد از درخت رحل اگر بیند که انگور [illegible]

و اگر بیند که حلوا بخورد عاشق [illegible]

ازحضرت پیغمبر [illegible]

[illegible]

ط	ا	٤
بح	ے	ا
و	ے	ب
	بح	ج

حروف ابینه [illegible]

ح	ج	د
ج	ا	د
ح	ب	٤
	٥	

[illegible] ان الله لا یخلف المیعاد [illegible]

[illegible] انواع [illegible]

[illegible]

به در گوش چپ آویزد و اگر در دست راست چپ باشد
[illegible] چپ باشد از گوش راست آویزد و آن رحمها [illegible]
[illegible] دعا در بار حمل [illegible] الله [illegible] را از گوش اسب
بندند و اگر سر از چهار در دست باشد [illegible]
[illegible] اسب آویزد بسم الله الرحمن الرحیم و لو ان قرآنا
سیرت به الجبال او قطعت به الارض او
کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا اسب اسب
یا اسب یا اسب یا اسب یا اسب
[illegible] یا اسب یا اسب یا اسب یا [illegible]
[illegible] آبر خشک یا ارحم الراحمین اگر زنی
[illegible] رفته باشد این عزیمت بنویسد
[illegible] بر زند و [illegible] ماند [illegible]
نفس لما علیها حافظ فلینظر الانسان
مم خلق خلق من ماء دافق [illegible]

اگر زنی را آل فرو گرفته باشد این آیه بر سه رقعه بنویسند
یکی به پیش بستر او و یکی زیر بستر او بندند و دیگر
همچنین که در زیر ناف باشد چون باشد و ما محمد الا رسول
قد خلت من قبله الرسل افان مات
او قتل انقلبتم علی اعقابکم و من ینقلب
علی عقبیه فلن یضر الله شیئا و سیجزی الله
الشاکرین و چهار طرف این آیه اسم چهار فر
شته نویسد بحرمت جبرئیل اسرافیل و جبر
ئیل و میکائیل و عزرائیل دعای تیر یا سنگ
گوش نوشته از هر طرف بیاویزد و بر طرف نو و بعد
بسم الله سبحان من فی السموات عمله سبحان
من فی الظلمة الرحمة سبحان من [illegible] بادی

سر نبگے شود یا خبر مبتلا شود تا درس ما بحق ما نبگ شود

اگر کسی مجنون اگر خفقه باشد یا بیهوشی دست داده باشد

این اسم ها را نوشته خلیقه سازد و در زیر دماغ دود

کند بهوش آید آیه ابلیس هامان فرعون نمرود

شداد دفع درد شکم در روایت منقول است

که شخصی بخدمت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آمد شکا

یت کرد از درد شکم فرمودند که آب گرم بخورد این دعا

بخواند یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحمن

یا رحیم یا رحیم یا رب الارباب یا اله

الآلهة یا مالک الملوک یا سید السادات

اشفنی بشفائک من کل داء وسقم

فانی عبدک وابن عبدک المتقلب

[illegible] در رحم [illegible]

دیگر وارد شده که شخصی شکایت کرد بحضرت امام

موسی علیه السلام از بحس شکم فرمودند که اینچنین بگیرد این دعا

را با آب باران بخوان سه مرتبه بگوید اولم یر الذ

ین کفروا ان السموات والارض کا

نتا رتقا ففتقنا هما وجعلنا من الماء

کل شیء حی افلا یؤمنون پس آن آب بخورد

دست بر شکم بمالد دفع خاک خوردن اگر

طفل خاک بخورد این را بنویسد و بر [illegible] ببندد بر

طرف شود بعون الله تعالی و اگر طفل کلان [illegible]

برزبان بگوید بخورد طفل دیگر خاک نخورد و [illegible] بر

طرف کنند [illegible] الذی اکل التراب والا

من [illegible] لسر [illegible] القرعة [illegible]

گنج نامه

بعد الله مسعود روایت میکند از حضرت رسول صلی الله علیه
که شنیدم که این دعا بحضرت امیر المؤمنین علی ابن
ابی طالب علیه السلام آموخت تا هر که این دعا بخواند بجمیع
مرادات او برآورده گردد اگر نتواند خواند با خود دارد
و این دعا خاصیت بسیار است و از جمله نوزده خاصیت
مخصوص این دعا است اول آنکه هر که بنویسد
در موم گیرد و در آب اندازد و آن آب بروی خود
بشوید در نظر خلایق شیرین نماید دوم آنکه زبان
خلایق بر او بسته گردد سیم آنکه جادو بر وی کار نکند
چهارم آنکه از آفات و بلیات دنیا و آخرت در امان
باشد پنجم آنکه به تهمت گرفتار نشود ششم آنکه از
مرگ مفاجات در امان باشد هفتم آنکه محتاج بخلق
نگردد هشتم آنکه از علتها و رنجها ایمن باشد
نهم آنکه از [illegible] زخم کژدم و مار [illegible] نیابد دهم
آنکه

آنکه اگر زن را دشوار زاید این دعا در سر او بندد بآسانی
نجات یابد یازدهم آنکه اگر کسی را خون دماغ شود این
دعا در بینی او بخیسانند خون باز ایستد دوازدهم
آنکه اگر کسی را بنده گریخته باشد این دعا در میان مصحف
نهند و بگوید خدایا بنده گریخته ما بحق این برسان آنکه
گریخته باز آید سیزدهم آنکه اگر کسی بداند که در دل
شخصی چیست در وقت خواب این دعا در زیر سینه او
نهند آنچه در دل داشته باشد بگوید چهاردهم آنکه
اگر کسی در سفر با خود دارد از جمله خطرها ایمن باشد
پانزدهم آنکه اگر همراه میت در قبر نهند جواب سؤال منکر
و نکیر بر او آسان گردد شانزدهم آنکه از ضرر جمیع
گزنده و درنده در حفظ امان خدای تعالی باشد
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم افتح ابوا
ب الرحمة والدولة والسعادة
[illegible]

مِنْ كُلِّ عَاهَةٍ وَآفَةٍ وَشِدَّةٍ وَمَرَضٍ

وَبَلَاءٍ وَوَبَاءٍ وَزَلْزَلَةٍ وَكُلِّ مِحْنَةٍ

يَا مَفْتُوحُ يَا قُدُّوسُ يَا رَبَّ الْمَلَائِكَةِ

وَالرُّوحِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

دعای دلیل حضرت امیر المؤمنین نوشته در گردن

اسب ببندد از جمیع بلاها ایمن باشد در امان خدا

تعالی بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله

الکبیر رب الملائکة والروح ورب العرش

العرش العظیم رب الانبیاء والمرسلین

سبحان اللهم احفظ من شر البلاء

الراکب والمرکوب انک للحافظ و

الذی خلقت والجمیع البطن والجمیع الا

مصاحبین الجنة والجحیم والمتقیم و[illegible]

والعرش والحصب والعظام بحق محمد و آله

اجمعین دعای تب ربع از برای تب ربع منقول است

که این اسم بنویسد و بر دست بندد تا ناخوش [illegible]

و سلام علی ابن اخیم دعای تب برزه

چوب ببند بنویسد و هر روز [illegible] اول

طیفوش دوم صیغوش سیم کیفوش دعای

تب برزه بر سه پاره چوب بید با زعفران بنویسد و هر سه

کند و [illegible] اول | ١٢١٢١ ٤٣ | دوم

| ٧٤٣ | سیم | ١٤٥٧ ٥١٤ | [illegible]

در [illegible] [illegible] ٩٩ [illegible]

[illegible]

و دفع [illegible] دعای [illegible]

[illegible] باشد تا [illegible] یا مستطیع

یا [illegible] یا [illegible] یا الکریم [illegible]

و حفظ من جمیع البلاء بحق محمد و آله

و اصحابه اجمعین بر ختمک یا ارحم الراحمین

[illegible] ۱۱۱۱ احفظها الله تعالی باسم

فلان بن فلان اگر در میان گوسفند لنگی ظاهر شود

یا برزه شود [illegible] یا سینه اش درد کند یا مرگ واقع

شود یا ناتوان شود این دعا بنویسد و در میان آب اندازد

[illegible] و در بالای گوسفندان پاشند و هم در گردن گوسفند

ببندد شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم افغیر

دین الله یبغون وله اسلم من فی السموات

و من فی الارض طوعا و کرها و الیه یرجعون

بر ختمک یا ارحم الراحمین روایت کرده اند از رسول

صلی الله علیه و آله و سلم که هر که بخواند این ختم

نفع بسیار دارد و خدای تعالی او را از مهلکه نگاه دارد

[illegible] و از آتش سوزان و از تیغ بران و از شر دیوان

[illegible] و از مار و کژدم و از آفت جمله جانوران درنده

[illegible] و از [illegible] و بیماریها نگاه دارد

[illegible] بار [illegible] بر شیرینی بخواند

و در آب اندازد و [illegible] فرزند [illegible] بخورد خدای

تعالی او را فرزند صالح کرامت کند و اگر در زادن [illegible] باید

که این دعا بر شیرینی بخواند باد و بدهد تا بخورد در حال خلاص شود

و اگر [illegible] باشد این دعا [illegible] بار بر [illegible]

بخواند و در آتش اندازد و بعد از سه روز [illegible] آید

و اگر کسی را مار یا کژدم گزیده باشد در گوش او سه بار این ختم

[illegible] بخواند [illegible] و هر که این دعا با خود دارد

خدای تعالی او را از همه بلاها نگاه دارد [illegible]

شود و در [illegible] شود [illegible]

[illegible] این دعا [illegible]

[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله السمیع البصیر الذی لیس کمثله

شیء و هو بکل شیء علیم بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الخالق العلیم الذی لیس کمثله شیء

[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم

~~بسم الله الرحمن الرحیم السمیع العلیم الذی لیس کمثله~~

السمیع العلیم الذی لیس کمثله

شیء وهو السمیع العلیم بسم الله العالم الرحمن الرحیم

بسم الله البصیر الذی لیس کمثله شیء وهو ا

لعلیم الخبیر ~~بسم الله الرحمن الرحیم~~ بسم الله

الرحمن الرحیم بسم الله السمیع الکبیر الذی

لیس کمثله شیء وهو العزیز الرحیم بسم الله

الرحمن الرحیم بسم الله الرحیم الخبیر الذی لیس

کمثله شیء وهو علی کل شیء قدیر فالله خیر حافظا

وهو ارحم الراحمین [illegible] اگر زبان گرفته باشد بنویسد و در

آب بکشد بخورد [١١٢٠٧١١ [illegible]] اگر طفلی [illegible]

[illegible] باشد بنویسد و ببرد [illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	ع	٩	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	٥
[illegible]	٩	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	٩
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

و ما [illegible] آن بنویسد بر [illegible] و [illegible]

و اگر [illegible] بنویسد [illegible] بر [illegible]

[illegible]

[illegible] الیناد صادرا [illegible]

[illegible] بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]

تعالی خلق عظیم [illegible] بأیکم المفتون [illegible]

من الله [illegible] ولو کنت فظا غلیظ [illegible]

[illegible] یا ارحم الراحمین [illegible]

الرحمن الرحیم ولیس [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] لنا [illegible] ما [illegible]

[illegible]

شرکس نند بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ برب الصبح

من کل عقرب و قنفذ و بیش و حیة صعق و هر که این

دعا همراه با بندد دو مانده نشود یا کبیکج یا کبیکج یا کبیکج

هر که این کلمه بر هر جا کاغذ یا دستار نهد از بلا همه بسته شود

و همه کس مطیع شود [illegible] دعا که تر کلم

بنویسد و از سر بیاویزد از برای درد سر هم مجرب است بسم الله الرحمن

الرحیم قل قل قل قل بحق این چهار قل هو بحق قل هو

الله احد و بحق قل اعوذ برب الناس و بحق قل اعوذ

برب الفلق و بحق قل اوحی الی انه استمع نفر

من الجن بسم [illegible] فلان از بنده فلان بحق این چهار

که نوشته‌ام و بحق کلمه لا اله الا الله محمد رسول

الله و بحق علی ولی الله بسم [illegible] بحق حرمت لا اله

الا الله بحق رسول الله و علی ولی الله [illegible]

[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ب	ح	خ	ع
ق	ع	ح	ط
[illegible]	۱	ه	۱۱

دعای [illegible]

که این [illegible] باد [illegible]

و دیگر [illegible] بنوشته بجهت [illegible] دعا نوشته با خود دارد [illegible]

[illegible] صوصو الواصلال شیدی اصباو

الکامیا اکلش صوصو [illegible] جمعو سبیل بر سفر

[illegible] معلوس صوصو مخطوبه صوباقی دعای بجهت

درد سر [illegible] خود دردی هر که [illegible] بنویسد با خود دارد و یک را

بنویسد در آب اندازد بخورد [illegible] اسکن [illegible] للیل [illegible]

[illegible] و هو السمیع العلیم و لا حول و لا قوة الا بالله

العلی العظیم دعای [illegible] بنویسد [illegible]

[illegible] انت تعلم ما فی قلوبهم [illegible]

[illegible]

[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله [illegible] بسم الله

[illegible] بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء

[illegible]

[illegible] حب بگیرد هو الفتاح العلیم [illegible] و اگر یکی [illegible]

[illegible] قبضه بگیرد و بشمارد اگر دو [illegible]

بدان العزیز اگر خواهی که طالع شخص بگیری نام او

و مادر او بحساب ابجد بگیرد و جمع از ده دوازده طرح کنند

اگر یکی ماند حمل باشد اگر [illegible] ماند ثور باشد و اگر سه ماند

جوزا باشد و اگر چهار ماند سرطان باشد و اگر پنج ماند

اسد باشد و اگر شش ماند سنبله باشد و اگر هفت ماند

میزان باشد و اگر هشت ماند عقرب باشد و اگر نه ماند

قوس باشد و اگر ده ماند جدی باشد و اگر یازده ماند

دلو باشد و اگر دوازده باشد حوت باشد والله اعلم بالصواب

ص

بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible]

ی	ط	ح	ز	و	ه	د	ج	ب	ا
١٠	٩	٨	٧	٦	٥	٤	٣	٢	١

ص	ف	ع	س	ن	م	ل	ک
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	٤	[illegible]	[illegible]

غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت	ش	ر	ق
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	٤	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible] القدیر

[illegible] مریض باید بست تا که بیرون نیاید [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible] عظیم

بمریض [illegible] شفا یابد

[illegible] الله امیر امیر

بادس [illegible]

ف ٤	١٥١	٠٣	٣٠١
دعو	هی	ی	لالا
٠٢	ات	١١	دع
	٥٥	١١	٢

اگر [illegible]

[illegible] آب بر سر [illegible]

[illegible] برگردن ببندد

[illegible] له له له له [illegible]

[illegible] قدوس قدوس قدوس [illegible]

قدوس قدوس [illegible] ٩٩٩٩٩٩٩٩

٩٩٩٩٩٩٩٩٩

اگر [illegible] بنویسد برگردن ببندد

[illegible]

هو هو هو لا اله الا [illegible]

[illegible] بنویسد [illegible]

[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]

[illegible]

[illegible] ١١١ [illegible]

[illegible] برگردن ببندد

[illegible]

آلتغني حل

طالع حمل باشد دلیل کند انکه روز شنبه بیمار شده
یا در جای نشسته و بر پای رنج باد رسانیده اند و از درد
شکم نالد باید که ده روز پرهیز کند از ترشی یا پانزده
روز زحمت دارد اما عاقبت خیر باشد و چاره او
زنجبیل و فلفل دراز یا نه شربت کند و بخورد و اسفند
سیاه در زیر دامان خود دود کند شفا یابد صاحب این
طالع مرکشی در روز پنجشنبه دعا مقیم ما بلا و در سالگی
و پنجاه سالگی برسد و این تعویذ را با خود دارد شفا یابد
و فرزند در [illegible]
بسم الله الرحمن الرحیم و ان یکاد الذین
کفروا لیزلقونک بابصارهم لما
سمعوا الذکر و یقولون انه لمجنون
وما هو الا ذکر للعالمین طالع ثور
[illegible] دلیل کند که روز یکشنبه در جای ناشسته خفته
[illegible] شده اند [illegible]

مسلمانی اگر مسلمان بنمود یک کافر او را هلاک کرد [illegible]
کردن او درد میکند و همه اندام او درد کند که خوش و کاه
تا خفتش و پنج روز راست بیقرار است و زحمت او ده روز
باشد و درمیان [illegible] او طباشیر و گل سرخ و کشنیز و در شیر
نبی کند بخورد و فرزند در طالع او بنماید و صاحب
این طالع از درد گردن و درد شکم و درد کتف بمیرد
و مرکش [illegible] در میان ما بلا و این تعویذ را
با خود دارد شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم و
حبا با [illegible] و بحق نوح [illegible] و بحق توریة
و انجیل و زبور و صحف و فرقان حضرت
محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم [illegible]
[illegible] سالگی و پنجاه سالگی [illegible]
[illegible] باب طالع جوزا [illegible]
که بطالع جوزا باشد دلیل کند که روز شنبه

زحمت تشنج از جنی بر وی جادو کرده است یا نشره

روز زحمت دارد و دارو بدو زنجفیل و دال چینی و جوز

بجوشانند بخورد و صاحب این طالع علامت بلغم بهم

رسد شنبه یا نشنود هم ماه قیران دارد و یازده فرزند

در طالع او مینماید خطر عمر او در هفت سال یکی و پنجم

سال یکی چون از ینها بگذرد به هفتاد برسد و این تعویذ

با خود دارد شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم قل

هو الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم

یکن له کفوا احد اما کسی که بطالع سرطان باشد

[illegible] دلیل کند که روز شنبه بیمار شده جمیع اعضاب در

[illegible] او [illegible] بر [illegible] و بیمار [illegible] او در زحمت

روز زحمت هفت روز باشد یا هفت روز چون از ینها

بگذرد شفا یابد [illegible] پرهیز کنند صاحب

این طالع مرگ کسی در روز شنبه بیمار دو درهم مه

چهار [illegible]

و چهار ده فرزند در طالع او مینماید در چهل [illegible] یکی

و چهار ده سال یکی و پنجاه سال یکی و چون از ینها بگذرد به هفتاد

برسد و این تعویذ با خود دارد شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم

یا نور السموات و الارض یا عفو یا ودود یا حنان

یا منان یا دیان یا برهان یا سلطان یا غیاث یا

دایم یا غنی یا ذو الجلال و الاکرام باب طالع اما

کسی طالع او [illegible] باشد دلیل کند که روز شنبه و روز [illegible] جمعه

مانند ابر [illegible] او [illegible] رسیده درد او [illegible]

[illegible] تا [illegible] باشد و [illegible] او [illegible] ده روز باشد [illegible]

او در و [illegible] با انار شربت معجون کنند بخورد

نیک شود و هشت فرزند در طالع او مینماید و [illegible]

[illegible] او در [illegible] یکی [illegible]

از ینها بگذرد عمرش [illegible] سال برسد و این تعویذ

با خود دارد شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم الحنان

المنان [illegible] السموات و الارض یا ذو الجلال

والاکرام وبعزت الله بحق جلاله الحنان [illegible]
القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین
الا خسارا [illegible] هر آنکس که بطالع
سنبله باشد [illegible] زحمت او ده روز باشد و
از چشم زخم [illegible] خاک چهار راه در آب
ریزد و این تعویذ [illegible] در آب انداز و هفت مرتبه از آن
آب بخورد شفا یابد [illegible] صاحب اثر چشم
[illegible] هر روز صبح بخورد و از [illegible] آب
باید که زحمت [illegible] در طالع او
بود در پنجاه سالگی و نوزده سالگی و چهل سالگی [illegible]
[illegible] صاحب طالع [illegible]
در [illegible] روز [illegible] تعویذ [illegible] دارد [illegible]
بسم الله الرحمن الرحیم یا حنان یا منان یا دیان
یا سبحان یا سلطان یا ذو الجلال والا
کرام یا حی یا قیوم یا حکیم بکل شیء یا علیم

یا سبوح یا [illegible] هر آنکس که بطالع میزان [illegible]
کند [illegible] در روز [illegible] در آب [illegible]
[illegible] هفت اندام [illegible] زحمت
او ده روز باشد از خاک چهار راه [illegible] در
[illegible] انداز [illegible]
[illegible] بخورد [illegible] در طالع او [illegible]
و صاحب این طالع [illegible]
[illegible] روز سه شنبه باشد [illegible] سالگی
[illegible] سالگی [illegible]
[illegible] دعا [illegible] دارد [illegible]
بسم الله الرحمن الرحیم یا ذو السلطان العظیم
یا ذو المن القدیم یا ذو الجلال والاکرام یا [illegible]
یا علی یا عظیم هر آنکس که بطالع عقرب زاید [illegible]
[illegible] روز شنبه [illegible]
[illegible]

یا هشتم روز یا نهم روز باشد و از خواب بر خیزد
و دهنش تلخ مزه بود و خواب ببیند و بیدار شود فراموش کند
و بیماری او بیشتر از خون باشد حجامت کند درست باشد
و دارو ... [illegible] و کافور [illegible] و زنجبیل با هم معجون
کند بخورد شفا یابد و در [illegible] الف [illegible] دود
کند و هر فرزند در طالع او باشد [illegible] صاحب طالع
مرگش در روز سه شنبه در پنجم ماه باشد خبر از عمر او
در [illegible] سالگی و [illegible] سالگی و [illegible] سالگی [illegible]
[illegible] بگذرد عمر او [illegible] برسد [illegible]
تعویذ [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله الشافی بسم الله الکافی بسم الله المعافی
بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض
وهو السمیع العلیم [illegible] که در طالع [illegible]
باشد [illegible] کند در [illegible]
[illegible] باشد [illegible]

دوال حیم

دوال حیم در عسل معجون کند بخورد شفا یابد و از [illegible]
[illegible] باید که [illegible] کند و [illegible]
[illegible] دارد تا از [illegible] ایمن گردد
از [illegible] و [illegible]
دود کند از برای چشم زخم [illegible] و باشد
فرزند در طالع او [illegible] او و در [illegible]
[illegible] سالگی [illegible] از [illegible] بگذرد عمر [illegible]
و تعویذ [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم الله لا اله
الا هو الحی القیوم [illegible]
[illegible] القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین
ولا یزید الظالمین الا خسارا [illegible] العلی [illegible]
کل شیء یا حی یا قیوم یا بدیع السموات
والارض یا ذو الجلال والاکرام باب
طالع جدی [illegible] طالع او جدی باشد
[illegible] کند که [illegible]

علت معده دارد جا بجا تا سه شنبه آبی خورده

دل و دل شستن میشود بیماری او از گرمی و صفرا بود علاج

انجام دهد یا علاج [illegible] کنند بخور شفا یابد خانه

هر کس در روز سه شنبه بود اندر درد دل و درد شکم

با غذای تعویذ او با خود دارد شفا یابد بسم الله الر

حمن الرحیم بسم الله الشافی بسم الله الکافی

بسم الله المعافی بسم الله الذی لا یضر مع ا

سمه شیء فی الارض ولا فی السماء ۲۱۵۶۱۵۱۲

باب طالع هر آنکس طالع او دلو باشد دلیل کند

بر حمل و بیماری رسیده و وقت رحمت باب

ند اختم تا سیزده روز رحمت دارد دارویی و [illegible]

[illegible] دارچینی و [illegible] مانند [illegible]

و از گوشت پرهیز کند و صاحب این طالع خوف

هر کسی در روز سه شنبه [illegible] اندام [illegible]

[illegible] او در یک [illegible] و سیزده سالگی

[illegible]

[illegible] یکی و [illegible] تا [illegible]

و این تعویذ با خود دارد بسم الله الرحمن الرحیم

وننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین

ولا یزید الظالمین الا خسارا [illegible] العیان یا الله

لا اله الا الله انت وحدک لا شریک

له نشهد محمد عبده و رسوله [illegible] الله احد الله الصمد

لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد لا

حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم [illegible]

[illegible] باب طالع حوت هر آنکس که طالع

حوت باشد دلیل [illegible] علت [illegible]

درد سر دارد و از [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم

تخرجني من الغلبة الكواكب الذي على الفا معه

لا شهد الله رسول لميرد دعی له من عقوبة لا

واح بدعا اعجوا ... اعا امير المؤمنين ٢

عليه ... [illegible] ... والله اعلم بالصواب

تمام شد الدعا جهت جمله زنان اگر جمله مرده می باشد

از هفت قبر خاک بر کیرد بر هر خاک قبر یکبار این دعا

ببو بخواند بدمد و در میان کاسه آب اندازد

و بر سر خمار بزد و با قبر دیگر بعد سه روز بما شنبه بخورد

و اگر جمله زنان باشد بر هفت رنگ ابریشم بر

هر رنگی یکبار بخواند و بدمد گره روز چهارشنبه

بکره ... تا چهارشنبه دیگر ... که

... و بر ... پاره پاره کند و

در میان آب اندازد و بر سر خمار بزد ... از

سه روز ... بخورد و اگر جمله ... باشد

هفت ... ماده ... کند ...

بر هر سوی

بر هر سوی یکبار بخواند و بدمد و در میان آب اندا

خته در روز چهارشنبه بر سر خمار بزد بسم الله الر

حمن الرحيم من حل اخذه وعاصه من غمر يا

فرعله وقبشر بسم الله الشافي ان الشا

في غير الله واعوذ بعزة الله فكل ... من

احتبل ... يا غياث المستغيثين ا

غثني يا ودود يا ذو العرش المجيد

احفظني من كل بلاء و بليه يا ارحم الرا

دم جمله فلان ابن فلان و بحق مهر سليمان

ابن داود عليه السلام ~~...~~ اگر جمله ... باشد

این دعا ... بر هفت رنگ ابریشم یا پنج چهل بار بخواند و چهل

گره بندد و بر سر خمار بندد تا چهل روز بعد از آن بگذ

آب بیاورد و ... با ... پاره پاره ...

اندازد و ... و غسل کند تمام شد

شود این آیه را در زیر زبان گرفته با هرکس سخن گوید راست

و سحر کرده وَتَأْکُلُونَ التُّرَاثَ أَکْلًا لَمًّا وَتُحِبُّونَ

الْمَالَ حُبًّا جَمًّا از برای محبت نوشته با خود دارد

اگر کسی خواهد که شب خواب زود ببیند

۱۵	۲	۱۳
۱۴	۱۶	۱۶
۱۹	۱۲	۱۵

حروف را نوشته با خود دارد ک طاغ

له قوه هج اگر خواهد که زبان خصم بسته

شود این اسم را در زیر زبان گیرد با خصم گوید یا شکهلینا یا

نوعی دیگر هر که این دعا را در

سلیقاه ۱۱۱ م // ۱۱۱۱ هوق

سرمه بخواند و در چشم کشد هر که او را ببیند مطیع او گردد و

عزیز باشد بسم الله الرحمن الرحیم لَقَدْ جَاءَکُمْ رَ

سُولٌ مِنْ أَنْفُسِکُمْ عَزِیزٌ عَلَیْهِ یا رب العرش

العظیم اهیا شراهیا یا ذو الجلال والا

کرام اگر خواهی از کسی چیزی طلب کنی و او مضا

یقه کند این دعا نوشته در موم گیرد و در زبان نهد

و هر چه از او طلب کند مضایقه نکند و هو هذا

[illegible] لا [illegible] في دمي [illegible]

ملکه

ملکه و بغایة فلان بن فلان هر که خواهد که دختر برا

درم او را درو بدر او در غضب نشود باید این کلمات را بنویسد

و با خود دارد تا راضی شود بسم الله الرحمن الرحیم

ع ۹۹۲ ط ۹ ۱۱۱۱ ح عـ ۱۹۱۲۱۱ ۸ ۸ ۸ بسمع اسمع

اگر خواهی غضب

مهج مج مسمح ع طـع ۱۱

کسی که به بندیه با یفث خاک پا زیر پای انکس بر دارد

و این سوره را هفت بار برو بخواند و در آن خاک بر بارد نصب

و بسته شود در درد [illegible] مجربست وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَیْمَا

نَ وَأَلْقَیْنَا عَلَى کُرْسِیِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ

سبحانک یا لا اله الا انت یا رب کل شیء و وارثه

یا الله یا الله یا الله یا محمود کل فاعل یا رازع [illegible]

من کل آفة یا قدوس یا کریم فلا یا [illegible] کل شیء

فی الارض ولا فی السماء وهو السمیع العلیم یا احنا

انت الذی وسعت کل شیء وعلما یا [illegible]

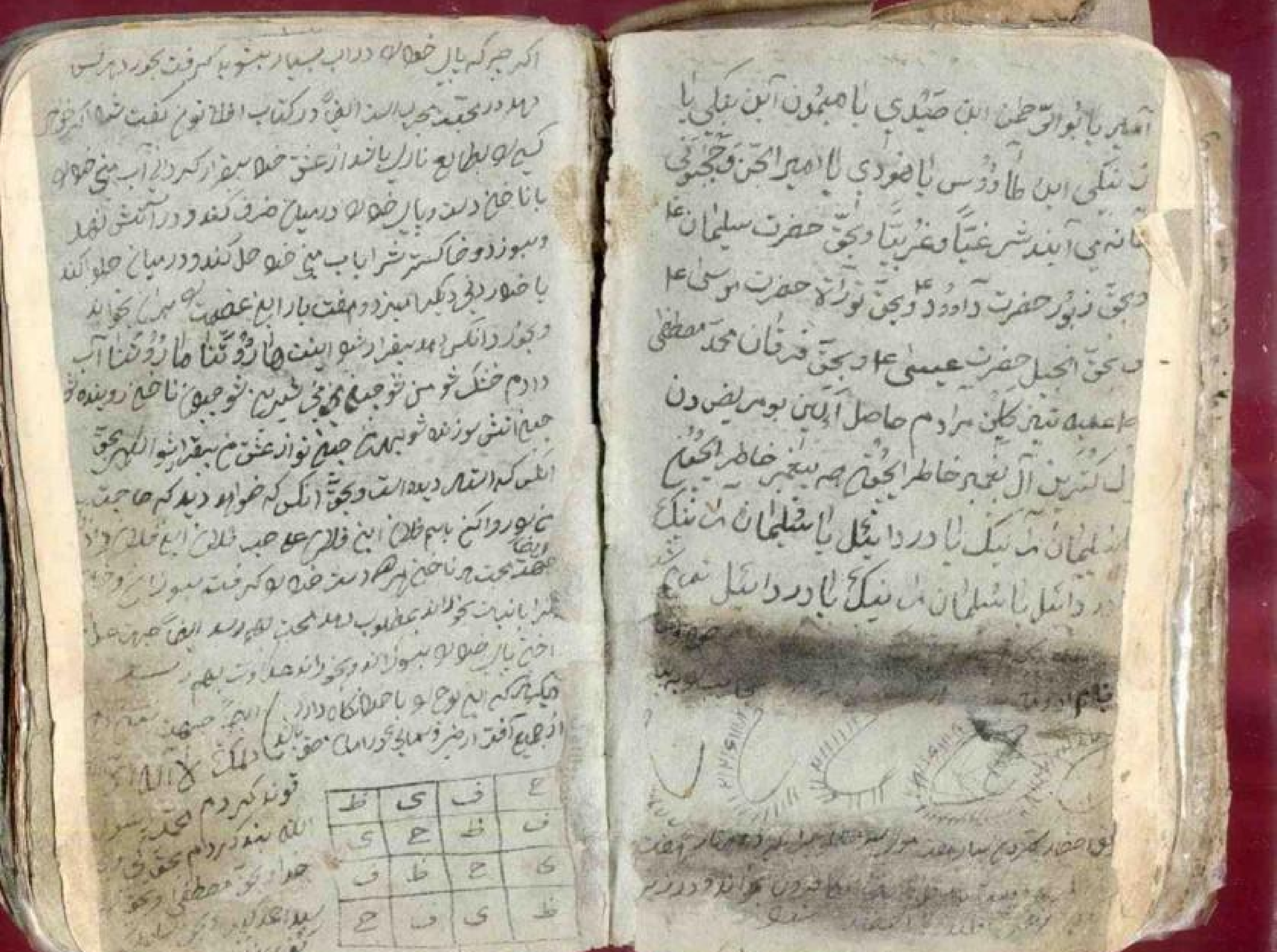
اجیبوا داعی الله عزائم فلان [illegible] علیکم

یا معشر الجن بارواح شیاطین وبحق شیعتی

نقد عمر تو راه ندارد

و بحق طه طسن حم و بحق طسم و بحق یس و بحق
ق و القرآن المجید یا قومنا اجیبوا داعی الله اجابت
کنی و مسخر شوند و مطیع گردانند و کار ما و مراد ما بر آورند خبرنا
خبیر [illegible] خدای عز و جل شجع شجع یا حی یا حی شراهیا
شراهیا منزل و نزع الباطل [illegible] قل اوحی الی انه استمع
نفر من الجن فقالوا انا سمعنا قرآنا عجبا یهدی الی الرشد فآمنا
به و لن نشرک بربنا احدا و انه تعالی جد ربنا
ما اتخذ صاحبة و لا ولدا السلام علیکم یا ملک الروح
[illegible] نزد شما خوش آمدید و صفا آوردید و شما جن
[illegible] بر آدم بر فلان ابن فلان [illegible] در بند است [illegible]
[illegible] او در [illegible] بسبب [illegible]
که حضرت سلیمان در [illegible] فلان [illegible] کرده است و ما [illegible]
[illegible] دارم بسم الله جلیل [illegible] ملک [illegible]
که شما یا [illegible] شما را [illegible]
[illegible] بحق [illegible] خصمان فلان [illegible] از یک دوده
که از لشکر

از لشکر [illegible] حاضر شوند و غایب اند حاضر شوند و [illegible] کنند که
[illegible] و بحق [illegible] که آدم خواند صفی الله [illegible] و نوح خواند
نجی الله گفت و موسی خواند کلیم الله گفت و عیسی خواند روح الله گفت
و ابراهیم خواند خلیل الله گفت و حضرت سلیمان خواند خلیفه [illegible]
گفت خبیر یا خبیر [illegible] خدای عز و جل یا معشر الجن و الانس
ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات والارض
فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان اخرج بعزة الله اخرج
بعزة الله اخرج بعزة الله اخرج و بحق جان بن جان و بحق
دیو و پریان و بحق توریة موسی و انجیل عیسی و زبور داود
و فرقان محمد المصطفی صلی الله علیه و آله اجمعین برحمتک
یا ارحم [illegible] عزایم [illegible]
[illegible] الرحیم یا [illegible] العظیم [illegible]
[illegible]
[illegible] قادر [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] مروان یا [illegible]
[illegible]



امیر یا ابو الحسن ابن صیدی یا میمون ابن نیلی یا
نیلی ابن طاودس یا صودی یا امیر الجن و جنونی
انه می آیند شرعنا و غربنا و بحق حضرت سلیمان ع
و بحق زبور حضرت داود ع و بحق توراة حضرت موسی ع
و بحق انجیل حضرت عیسی ع و بحق فرقان محمد مصطفی
ع عقبه [illegible] مردم حاصل [illegible] بو مریض دن
ل [illegible] خاطر الجن [illegible] خاطر الجن
سلیمان [illegible] یا دردائیل یا سلیمان [illegible]
دائیل یا سلیمان [illegible] یا دردائیل

حساب ابجد [illegible] | ا ب ج د ه و ز ح ط ی

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰

ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت ث

۲۰ ۳۰ ۴۰ ۵۰ ۶۰ ۷۰ ۸۰ ۹۰ ۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰ ۵۰۰

خ ذ ض ظ غ

۶۰۰ ۷۰۰ ۸۰۰ ۹۰۰ ۱۰۰۰

چون خواهی که طالع کسی را بیرون آری باید که بحساب [illegible] کرده دوازده طرح کنی

اگر یکی ماند حمل باشد — در برج آتشی
اگر دو ماند ثور باشد — در برج خاکی
اگر سه ماند جوزا باشد — در برج بادی
اگر چهار ماند سرطان — در برج آبی

اگر پنج ماند اسد باشد — در برج آتشی
اگر شش ماند سنبله باشد — در برج خاکی
اگر هفت ماند میزان باشد — در برج بادی
اگر هشت ماند عقرب — در برج آبی

اگر نه ماند قوس — در برج آتشی
اگر ده ماند جدی باشد — در برج خاکی
اگر یازده ماند دلو — در برج بادی
اگر دوازده ماند حوت — در برج آبی

[illegible]

معده و درد پشت و درد زانو باشد سنبله چشم بر [illegible] افتاده در شکم و درد زانو باشد میزان در [illegible] رود خود [illegible] شعله آب [illegible]

درد و [illegible] بول کرده و درد [illegible] شده درد کمر و ساق [illegible] باشد

عقرب آخون کرده اند [illegible] بیفتد اند درد [illegible] و ناف [illegible] باشد

قوس آب [illegible] مانده [illegible] کرده [illegible] درد پیشانی و درد دل باشد جدی درد سینه و درد شکم باشد دلو [illegible]

چهار [illegible] بول کرده و آب [illegible] درد پشت و درد [illegible]

حوت [illegible] ترسیده [illegible] شده درد [illegible] و درد شکم و [illegible] باشد

حمل بدانکه هر مردی که طالع حمل [illegible]

در برج آتشی [illegible] ستاره [illegible] طبع او گرم [illegible] است [illegible]

خشک [illegible] و صاحب طالع مرد [illegible]

[illegible]

[illegible]

بايد كه صبح با دام برسر بماند و از سود اكثر فايده بسيار ببيند قوس خانهٔ
سفر بود دليل كنند كه در سفرهاى مشرق نيك بود و در پيش بزرگان و سلطان
با حرمت باشد و هر چيز طلب كند بيابد بايد كه همچنين طومار و تعويذ با خود
نگه دارد تا كار او نيكو شود جدى خانهٔ دشمنان بود دليل كنند كه دشمنان
او بسيار باشد اما بر او دست نيابند و از چهار پايان سود بسيار بيند و از [illegible]
روز شنبه نيك شمرد كار بود هر كار كه اراده كنند به اتمام برسد و قيران
عمر وى بيك سالگى و شش سالگى و بيست و پنج سالگى و چهل سالگى
بود جمله از اين قيرانات كه بگذرد به هشتاد و نه سال برسد و جمله [illegible] كنند
بايد هر روز [illegible] كنند تا انجم برود مبارك [illegible] انشاء الله تعالى [illegible]
هر مرد كه طالع ثور باشد در برج خاكى و در ستارهٔ زهره باشد دليل كنند
كه [illegible] باشد شخص باشد سرخ روى و نيكو صورت و فراخ روى [illegible]
[illegible] در كه [illegible] دارد [illegible] دولت باشد و مرد دانا و اهل
باشند و [illegible] خيانت [illegible] اگر يكى پول از مال مردم خيانت كنند
[illegible] صاحب اين طالع باغ و بوستان نيكو بود
[illegible] دولت دارد [illegible] نيت بخير بود [illegible] كس خير او برسد و از
[illegible] نيك بود هر كار كه اراده كنند به اتمام برسد [illegible] نكنند
[illegible] از [illegible] در خواب ببيند و بايد كه با كس ظلم نكنند
[illegible] طالع بود دليل كنند كه [illegible] درازى بود و مرد [illegible]
[illegible] طالع [illegible] كه

حلقان

كه از حلقان عنين [illegible] اگر صاحب اين طالع زن اول [illegible]
دليل كنند كه [illegible] زن [illegible] و در [illegible] زن [illegible] برسد و در عمر [illegible]
[illegible] صاحب اين طالع [illegible] و صاحب اين طالع اگر [illegible]
عزت فرزند [illegible] بسيار كنند [illegible] سلطان [illegible] پيش بزرگان [illegible]
[illegible] باشد و در آخر عمر مال بسيار بدست آرد و بايد از [illegible] ازرق پرهيز
كنند و همنشين [illegible] تا فرزند در طالع [illegible] باشد [illegible]
باشد و قيران عمر وى [illegible] سالگى و [illegible] سالگى [illegible]
دعا و طومار با خود [illegible]

طالع جوزا

هر مرد كه طالع جوزا باشد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] ماه نو [illegible] باید که [illegible] مبارک [illegible]
[illegible] زبان [illegible] نباید بود [illegible]

سرطان هر مردی که طالع سرطان باشد و در برج [illegible] او نشسته باشد [illegible]
[illegible] مرد [illegible] نشسته [illegible]
[illegible] زنده
[illegible] بود و [illegible] دلیل کند که [illegible]
[illegible] دلیل باشد و از فرزند [illegible] خانه [illegible]
دلیل کند که [illegible] باشد و [illegible] باشد [illegible] خانه
[illegible] بود دلیل کند که از [illegible] دشمنان بود دلیل کند
که [illegible] قران [illegible]
[illegible] عمر [illegible] سال [illegible] باید [illegible]
[illegible] والله اعلم

اسد هر مردی که طالع اسد باشد و در برج [illegible] مرد [illegible]
[illegible] دلیل کند که [illegible]
[illegible] دلیل کند که [illegible]
[illegible] باشد
[illegible] بود [illegible] فرزندان [illegible]

دلیل کند که فرزندان او بیشتر [illegible] بود [illegible]
و از سعد [illegible] خانه طالع او دلیل کند که [illegible]
و [illegible] از جانب [illegible] بکند سرطان خانه دشمنان [illegible] دلیل
کند که دشمنان او بسیار باشند و [illegible] ظفر یابند [illegible]
جنگ [illegible] دارد تا از شر دشمنان [illegible]
[illegible] اقدس [illegible] باشند و [illegible] عمر او [illegible] ساله
[illegible] باشد [illegible] عمرش [illegible] ساله [illegible]

[illegible] الله تعالی سنبله هر مردی که طالع سنبله باشد و دلیل کند که [illegible]
[illegible] عطارد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] باشد [illegible]
[illegible]
[illegible] دلیل [illegible]
[illegible]
[illegible]

کنند و عمر [illegible] سال [illegible] و از جهار پایان روزی مند باشند و جسم [illegible]

و از [illegible] بخورد [illegible] ان شاء الله تعالی میزان

هر مردی که طالع میزان باشد در برج بادی نیست و در ستاره زهره در طالع محمد مصطفی

علیه السلام [illegible] روز [illegible] بود هر کاری که اراده کند تمام [illegible]

و صاحب این طالع [illegible] روزی مند باشد [illegible] مستغفر [illegible]

دلیل کند که [illegible] از زیارت کند [illegible] عمر دراز

باشد و در چشم مردم عزیز باشد [illegible] زندگانی کند عقرب

خانه مال باشد دلیل کند که مال [illegible] جمع کند [illegible]

هر [illegible] و صاحب این طالع دلیل کند که [illegible] باشد

و [illegible] باشد [illegible] باشد [illegible]

دلیل [illegible]

[illegible] دلیل کند [illegible]

[illegible] فرزند [illegible]

[illegible] باشد [illegible]

[illegible] باشد [illegible]

[illegible] ان شاء الله تعالی عقرب هر مردی که طالع عقرب

باشد طالع [illegible] باشد در برج بادی [illegible]

[illegible] طالع [illegible]

[illegible]

[illegible] روز [illegible] رجب [illegible]

کند [illegible] طالع [illegible] باشد [illegible]

[illegible] و صاحب این طالع [illegible] باشد [illegible]

دراز باشد و مال بسیار جمع کند و روزی [illegible] باشد [illegible] خانه

[illegible] دلیل کند که [illegible]

[illegible] دلیل کند که [illegible]

[illegible] باشند [illegible]

[illegible] باشد [illegible] دلیل کند

[illegible] عزیز و محترم باشد [illegible] خانه [illegible] دلیل کند

که هر چیزی که [illegible] خانه دشمنان

باشد دلیل کند که [illegible] باشد [illegible]

[illegible] روزی مند باشد [illegible]

[illegible]

[illegible] باشد

[illegible] خیرات [illegible] ان شاء الله تعالی

طالع قوس هر مردی که طالع قوس باشد [illegible]

است در برج [illegible] مشتری [illegible]

[illegible] باشد [illegible]

باشد [illegible] رجب [illegible] روز چهارشنبه و پنجشنبه [illegible]

باشد [illegible] باشد [illegible]

نه سال بسیار رنج کنند دلیل کند با و حرام خوردن نسب زد اگر یکی
ول جنایت کنند صد بول باو ضرر برسد و از مادر و پدر بگمر روزی
باشند و سه یاسین بنکاح آورد و فرزندان وی بسیار باشند دلیل
کنند که بیشتر زبلند باشد و در نعمت با نعمت باشند و از سفر روزی
مند باشند و از آب باید حذر کنند که قربان دل در آب باشد و قربان
عمر وی بود اسم کبیر و بیت الله کبیر باشد جمیع از این قربان
بکند بعمر شصت سال برسد انشاء الله تعالی جدی هر مردی
یعقوب [illegible]
که طالع جدی باشد مرد ربع دار بالا و گشاده پیشانی و طبع وی سرد و تر
باشد و صاحب این طالع مرد فراخ دست و صاحب خیر باشد و از معصیت
و در عفت بر وی نیکو باشد و شفقت بسیار بود و با مردم خوش خلق
باشد دلیل کند که مال بسیار بدست آورد اندست و بر دو حمل خانه [illegible]
[illegible] باشد دلیل کند که از این فایده نه بیند سرطان خانه زن بعد دلیل
کند که سه زن به نکاح آورد و از زنان روزی مند باشد و فرزندان او بسیار
[illegible] باشد جدی که بفرزندان [illegible] باشد باید از جهت فرزند دعا اسم الاعظم
[illegible] دارد تا از شر چشمان در امان باشد سفر کردن وی نیک بود و صاحب
دولت [illegible] و دوستان وی بسیار باشد باید که از چهارپایان حذر کند
[illegible] برسد جمیع [illegible] کند باید [illegible] نگاه کنند تا [illegible] صبر و صبا
[illegible] جمیع کارها که در پیش گیرد و در روز جمعه باید گیرد که مبارک است
[illegible] عمر وی بدوازده [illegible] تکبیر و [illegible] به کبیر
باشد

[illegible]
باشند جمیع از این قربانات بکند و در عمر شش نود برسد بگوید انشاء الله تعالی
دلو هر مردی که طالع دلو باشد طالع جناب امام حسین علی در برج
باد بیست خانه طبع وی گرم و تر است و شخص بعلاوه دراز بالا و باریک اندام
و سفید پوست و بر ساق پا یا بر دست نشان دارد و او نشسته نیک بخیر
باشد و مردی ریزه و شوریده گردد را باشد و بر سر وی جراحت رسیده و یا برسد
باید که یار آشنا بکند و مال بسیار بدست آورد و با خلقان بخوش [illegible] و سفر
کردن وی نیک بعد در سوی مشرق و روز [illegible] روز چهارشنبه و جمعه [illegible]
مبارک است بعد هر کار که اراده کند بتمام برسد و صاحب این طالع [illegible]
تجارت نیکو بعد [illegible] بسیار باشد و دلیل کند که زنده [illegible] و از
باشد حمل خانه برادران و خواهران [illegible] باشد دلیل کند که از بیست [illegible] روز
مند باشد دلیل کند که سه زن بنکاح آورد و فرزندان وی بسیار باشد و از [illegible]
[illegible] دلیها بیند جدی خانه دشمنان بعد دلیل کند که دشمنان وی بسیار باشد و
بیمار [illegible] بسیار باشد و از درد سر و از درد شکم نالان باشد و قربان عمر وی
[illegible] سالگی [illegible] باشد جمیع از این ها قربانات بکند و در عمر [illegible] نود
سال برسد بگوید انشاء الله تعالی حوت هر مردی که به طالع حوت باشد
در طالع یونس [illegible] در برج [illegible] و در [illegible] مشتری [illegible] و در [illegible]
[illegible] طبع وی سرد و تر است و مردی [illegible] صاحب [illegible]
حرام خوردن دور باشد و حرام او را نسب زد و دلیل کند اگر یکی

[illegible] کند صحت بود و زر بر سد و حقیقت زنده کار بود دراز باشد و باید

[illegible] بر طوماره و تعویذ بنا باشد چرا که دشمنان وی بسیار باشد تا ببرد و ظفر نیابد

بند و مال دنیا سبب زحمت آورد و اهل بر دوران و خود اهل وقوم ما [illegible]

نیا شد سرطان خانه رنج و شر زندان باشد دلیل کند که دو رنج به نکاح آورد

و فرزندان [illegible] و بسیار باشد دلیل کند که فرزندان وی [illegible] آفت بر ایشان باشد

کم [illegible] چشم زخم بر فرزندان نگه دارد تا فرزندان وی [illegible] خدا به حق

اسد خانه [illegible] دلیل کند که [illegible] اندر در سر بر خیزد و [illegible]

بگیرد عقرب خانه سفر باشد دلیل کند که در سفر دور [illegible] باشد و [illegible]

دولت شود بشرط که راه حق را دانسته باشد دلیل کند که از سلطانان

و از [illegible] باشد و دشمنان [illegible] اهل [illegible] باشد و [illegible]

[illegible]

[illegible] تعالی

[illegible] از جناب سلیمان پیغمبر علیه السلام

[illegible] موکل [illegible] حاضر کردند و موکل [illegible]

[illegible] حضرت فرمود [illegible]

[illegible] مقام [illegible] گفت معروض کرد [illegible]

[illegible] محمود [illegible]

[illegible]

نام [illegible] تعالی [illegible] و طوماره و تعویذ [illegible]

[illegible] واقف [illegible]

[illegible] و قوت از دل او [illegible]

علاج [illegible] حضرت فرمودند که علاج او [illegible]

[illegible] عرض کرد یا رسول الله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] صدقه [illegible]

[illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم یا مفتح [illegible]

[illegible]

[illegible]

یا ستار یا منان یا رئوف یا سبحان یا ذو الجلال و الاکرام
برحمتک یا ارحم الراحمین
تو حضرت فرمود [illegible]

یا [illegible] کل [illegible] تو را حاضر کنند و [illegible] و [illegible] کل تو را حاضر کرد
[illegible] حضرت [illegible] سلام داد و جواب سلام [illegible] شنید پس حضرت
فرمود که ای [illegible] کل نام تو چیست و مقام تو کجاست و از این [illegible]
[illegible] عرض کرد که یا رسول الله [illegible] از غیب [illegible]
[illegible] در خانه تاریک و بر سر آب روان یا بر زیر درختان
[illegible] آنجا آید [illegible] نام بزرگ خدا تعالی به زبان [illegible]
[illegible] باشد [illegible] الله باشد بیرون دست [illegible] و
[illegible] من آنست که [illegible] و [illegible]
[illegible] نام [illegible] آرم و [illegible] و [illegible]
[illegible] و پای [illegible] کرد [illegible] و سر و چشم و [illegible]
[illegible]

کرد یا رسول الله قدری عود و جز خالص جمع کنند و بیاورد که تو [illegible] باشد
باید گوسفند یک رنگ باشد و گوشت او را خیرات کنند و با خون
او دود [illegible] سر و پای او را دفن نماید و دود [illegible] همراه
[illegible] خوش [illegible] در بالای سر آن دود کنند و عزیمت بخوانند و دیگر
[illegible] من نان و [illegible] من نمک و [illegible] تا صدقه [illegible]
[illegible] باشد باید [illegible] نان و [illegible] نمک و [illegible] وجب [illegible]
خیرات کنند و عزیمت بخوانند [illegible] سر [illegible]
دفن کنند و دعا بخوانند [illegible] دعا [illegible] نوشته [illegible]
[illegible] خلاص شود [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم یا [illegible]
یا عجایب [illegible] فی النوایب [illegible]
[illegible] یا الله [illegible] یا محمد [illegible]
سبحانک [illegible]
[illegible] یا علی یا علی یا علی

چون حضرت فرمود که [illegible]
کل چون [illegible] حاضر کرد [illegible] سلام کرد و جواب سلام [illegible]
شنید پس حضرت فرمود که ای کل نام تو چیست و مقام
[illegible]

تو کجاست و از پی بنده خدا چه میخواهی پس عرض کرد که یا رسول الله
نام [illegible] کوس و جای [illegible] در کوهستان و در زیر درخت سبز و در جای
خالی باشد هر کس که بدین جا آید نام بزرگ خدای تعالی را بر زبان
نراند و طومار و تعویذ نداشته باشد بروی دست یابم و آفت رسانم
نشانه آفت آن است که درد سر بروی افکنم و بزرگ [illegible] گیرم
که بنده بترسد حضرت فرمودند که علاج او چه باشد تا از شر
خلاص شود عرض کرد که یا رسول الله اگر توانگر باشد گوسفند
و گوشت او به فقرا بدهد و با خود [illegible] و دعا را بخواند و در
نان و [illegible] نمک و [illegible] زرد که با سه خیرات کنند و اگر [illegible]
مرغ زرد و یا کفن [illegible] بکند و گوشت او را صدقه کنند و [illegible]
[illegible] و سر [illegible] دفع نماید و دعا بخواند و یک من نان
صدقه کنند با یک [illegible] که با سه اگر چه باشد یک نان و یک [illegible]
[illegible] که از دو [illegible] از نماز بر سر راه گذارد و هر کس که خواند
این دعا را نوشته با خود نگاه دارد و دود [illegible] انشاء الله
[illegible] دود کند تا از شر این خلاص شود و شفا بیابد بگو انشاء الله
تعالی بسم الله الرحمن الرحیم

نامها و ملحق آنها [illegible] عشق و ماء المطهره و [illegible]
[illegible] الذی خلق السموات و الارض [illegible] صاحب
کتاب به حق توریت موسی و انجیل عیسی و زبور داود
و مصحف ابراهیم و فرقان محمد صلی الله علیه و آله و سلم
[illegible] حضرت فرمودند که تا موکل سرطان
[illegible] حاظر کنند پس پریان [illegible] حاضر کردند پس موکل را نام تو چیست
[illegible] نام تو کجاست و از پی بنده خدا چه میخواهی عرض کرد که یا رسول الله
نام [illegible] بر بلاست و جای من در کنار آب روان و در زیر درخت
و حمامها باشد نام بزرگ خدای تعالی بر زبان نراند و طومار
نداشته باشد بروی دست یابم و آفت رسانم نشانه
آن است که تمام [illegible] او را [illegible] و پشت و [illegible] و دردم و
ببرد [illegible] و چون خواهد که [illegible] بگیرد [illegible] و دود
دندانها [illegible] باشد و [illegible]

اجر او در کنند اگر زود علاج نکنند از بیم من هلاک شوی پس
عرض کرد یا رسول الله اگر تو اثر باشد یک گوسفند یک
رنگ چون کنند و گوشت او را خیرات کنند و سرپای او
روغن نمایند و با چون او دودی نولیسید و بالای آن لسر [illegible] کنند و
بخوانند و چهار زغ کرباس و چهار [illegible] در زیر گذارد و شب
و فردا داراه [illegible] کنند اگر بیمار [illegible] مرغ یک رنگ [illegible]
و با چون او دعا بنویسید و چهار وجب کرباس و چهار [illegible]
در زیر سر [illegible] گذاشته صبح دمیدن راه [illegible] کنند و [illegible] خنجر از سر تا پا
[illegible] چهار چراغ نبات زاده از روغن خوردن در بالای
[illegible] تمام روشن کرده بر سر آب روان یا بر سر درخت سبز بگذارد
چهار علم بالای چراغ با تمام [illegible] این دعا را با اخلاص در دست
[illegible] کردن [illegible] از بستر [illegible] خلاص [illegible] انشاء الله
[illegible] الرحمن الرحیم یا هو یا هو یا هو یا من هو یا لا
[illegible] [illegible] [illegible] تا لاتبر الحق
یا العظیم [illegible]

[illegible] ۸ [illegible]

[illegible] ۸ [illegible] لا [illegible]

پس پسین حضرت فرمودند که تا موکل الشمس را حاضر کنند
پریان رفتند و موکل را حاضر کردند و بخدمت حضرت آمدند و سلام
دادند و جواب سلام باز شنید پس حضرت فرمودند که ای موکل نام تو
[illegible] و مقام تو کجا است عرض کرد یا رسول الله نام [illegible]
و جای من در [illegible] و [illegible] و در کنار آب روان [illegible]
[illegible] خدا تعالی [illegible] و [illegible]
[illegible] نام [illegible] من آنست که [illegible]
[illegible] و [illegible] کنند و [illegible] وقت او را اگر
[illegible] اگر زود علاج نکنند از بیم من هلاک شوی پس حضرت فرمودند
[illegible] این بیمار [illegible] یا رسول الله اگر [illegible] باشد یک گوسفند
سرخ [illegible] و گوشت او را [illegible] سرپای او روغن کنند و
بخوانند و با چون او دعا بنویسید [illegible] بیمار [illegible]
و [illegible] کنند و [illegible]
[illegible] کنند و [illegible]

سر بالین صدقه دهد و چهار چراغ روشنی کنند و [illegible] آب زد در بالای

آب یا بر سر چاه یا بر زیر درخت سبز گذارد و این دعا را نویسند

تا [illegible] دارد تا از شر [illegible] ایمن باشند ان شاء الله تعالی دعا اینست

بسم الله الرحمن الرحیم یا نور السموات والارض یا غفور یا ودود یا حنان یا منان یا سبحان

یا سلطان یا قائم یا حی یا قیوم [illegible]

نصر من الله [illegible] [illegible]

[illegible] علیها [illegible] یا الله [illegible]

[illegible] صلی الله علی نبیه و آله اجمعین [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] را خاطر کردند [illegible]

پس بخدمت حضرت سلیمان آمدند و سلام دادند جواب سلام باز

پس حضرت فرمودند [illegible] توصیت [illegible] عرض

که یا رسول الله [illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible] ایشان را [illegible]

[illegible] گفت من [illegible] او را ضعیف یا زرد [illegible] و قوت

از جان او سیر دارم پس حضرت فرمود که علاج آن مسلمان چه باشد گفت

یا رسول الله اگر توانگر باشد یک گوسفند عقیقه کند و گوشت او را خیرات

کند اگر بیچاره باشد باید که یک قدری کرباس و برنج و شیر بپزد و یک

نمک و قدری نقره خیرات کند و چهار چراغ در بالای [illegible] روشن کند و

[illegible] در بیش [illegible] و این دعا را نویسند با خود

نگه دارد تا از شر [illegible] خلاص [illegible] ان شاء الله تعالی دعا اینست

بسم الله الرحمن الرحیم یا حنان یا غفران یا سبحان یا

سلطان یا حی یا قیوم یا اهیا شراهیا یا [illegible]

یا [illegible]

[illegible] حضرت فرمودند [illegible]

[illegible] رفتند [illegible] و بخدمت [illegible]

داد جواب سلام باز [illegible] پس حضرت فرمودند [illegible]

مقام توکل است و از ین بنده بیچاره چه بحوال عرض کرد که یا رسول الله
[illegible] من سودا و غالب است و جای من در رباطها و در خانه های تاریک
[illegible] آسیاب ها و حمام ها و گذر آب و سایه درختان باشد هر که بدینجاها
[illegible] نام بزرگ خدا تعالی بر زبان و طهارت و تعویذ نداشته باشد
[illegible] روی دست و پایم و آفت رسانم و زنانرا آفت من الست چون
[illegible] گمراه شود و خیال های باطل بخاطر او گذرد و خشم [illegible]
[illegible] کند و دل او را قوت نباشد اگر زود علاج نکنند از بیم من هلاک شود
[illegible] حضرت فرمودند که علاج این بیچاره چه باشد گفت یا رسول الله
[illegible] اگر باشد گوسفند یا مرغ خون کنند و با خط آن دعا را بنویسد
[illegible] بوی خوش بالای [illegible] تمام شود [illegible] بخور دهد و چهار
چراغ در چهار گوشه [illegible] روشن [illegible] بر گوشه [illegible]
[illegible] و [illegible] خود [illegible] صدقه دهد [illegible]
[illegible] نوشته با خود دارد [illegible] ان شاء الله تعالی دعا
[illegible] الرحمن الرحیم هذا [illegible]

هذا رب الملائکة والروح رب العرش العظیم رب
جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و الملا
ئکة المقربین من شر کل شیء [illegible]
[illegible] ناصیتها ان ربی علی صراط المستقیم وان
یکاد الذین کفروا لیزلقونک بابصا
رهم لما سمعوا الذکر و یقولون
انه لمجنون وما هو الا ذکر للعالمین
[illegible] الظالمین الا خسارا
[illegible]
عقرب حضرت فرمودند [illegible] عقرب
حاضر کردند و [illegible] سلام داد و جواب سلام
[illegible] حضرت فرمودند [illegible]
[illegible]

جی من در کنار آب روان یا چشمه سار یا در حمام ها باشند هر کس که
... نام بزرگ خدا تعالی بر زبان نراند و طومار و تعویز
... باشند بر وی دست یابم و آفت رسانم ... من ...
جان وی که بر دارم و دل او را بسوزم و او را بیهوش کنم اگر
علاج نکنند از سهم من هلاک شود پس حضرت فرمودند که علاج
بیچاره چه باشد عرض کرد که یا رسول الله اگر غنی باشد گوسفند
... یا گوسفند سیاه ای باشد و سر و پای او که در زیر درخت ...
گوشت او را خیرات کنند و سه قدح با شما در زیر ... کار ...
... کنند با خون او ... در زیر پای خود ...
بیچاره باشد یک قدح با ... من غله و ... سر ...
... کنند و سه چراغ در ... قبرستان روشن کنند و این
... با خود نگه دارد تا ... از شر من خلاص شود و شفا یابد
... در دعا این است بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی
... العلیم ... و ...
من قضائک

من فضلک العظیم فانک تقدر ولا اقدر و انت علام الغیوب
قوس حضرت فرمودند که موکل ستاره قوس
حاضر کنند بر بیابان رفتند و حاضر کردند چنین بخدمت حضرت
در ... و سلام کرد و جواب سلام باز شنید پس حضرت فرمودند
ای موکل نام تو چیست و مقام تو کجاست و از بنده خدا
چه میخواهی عرض کرد که یا رسول الله نام من ... است و جای
من در حمام ها و رباطهای کهنه و در سراب روان باشد هر که
... بیاید و نام بزرگ خدا تعالی بر زبان نراند و طومار و
تعویز نداشته باشد بر وی دست یابم و آفت رسانم و علامت
آفت من آن است که رنگش زرد شود و خارش بجانش پیدا شود
... بیحرکت شود که سخن نخواهد گفت و اگر زود علاج نکنند
زود هلاک گردانم پس حضرت ... که علاج این بیچاره چه
باشد گفت که یا رسول الله اگر ... باشد گوسفندی بکشد و گوشت
... در راه خدا کنند و ... او ... سر و پای گوسفند
در ... دود ... کنند و ...
... بهم ... یک ... نقره خیرات کنند و اگر

[illegible] ره شد مرغ یک رنگ بکشند و یک قدر کرباس بچهار [illegible]
[illegible] خیرات کنند و یک شاخ شب در زیر سرش بگذارد و صبح چهار
کرده بچهار سنگ دهد و این دعا نوشته با خود نگه دارد تا از شر
[illegible] شود و شفا یابد انشاء الله تعالی و دعا این است
[illegible] الرحمن الرحیم وان یکاد الذین کفروا لیزلقونک
بابصارهم لما سمعوا الذکر و یقولون انه لمجنون و ما
هو الا ذکر للعالمین و لا یزید الظالمین الا خسارا
[illegible] شافی بسم الله کافی بسم الله معافی بسم الله الذی
لا یضر مع اسمه شیء فی الارض و لا فی السماء و هو
السمیع العلیم حدیث حضرت فرمودند که [illegible] موکل [illegible]
[illegible] کنند بر بیابان رفتند و او را حاضر کردند چون بخدمت
[illegible] رسید سلام کرد و جواب سلام باز شنید بر حضرت
[illegible] فرمودند که ای موکل نام تو [illegible] و مقام تو کجاست و از [illegible]
[illegible] چه میخواهی [illegible] یا رسول الله نام من [illegible]
[illegible] در کنار آب [illegible] در سر قبرستان و در تنهایی [illegible]
[illegible] که بر کسی [illegible] نام بزرگ خدا تعالی بر بیمار [illegible]
و طومار و تعویذ

و طومار و تعویذ بنویسند باشد بر دست پایم و آفت [illegible]
نشانه آفت [illegible] این است که شب گرم [illegible]
[illegible] سر سند و خوابها [illegible] پیدا آید و علاج کنند
از بیم [illegible] صلاحیت شود پس حضرت فرمودند که علاجش
بیگانه چه باشد عرض کرد که یا رسول الله اگر تو [illegible] باشد گوسفند
سرخ [illegible] بکشند و گوشت [illegible] خیرات کنند و صبح [illegible]
[illegible] و سر [illegible] او را در قبرستان دفن کنند و دعا بخوانند و دود
[illegible] دود کنند و [illegible] زرع کرباس و [illegible] غله و [illegible] نمک خیرات
کنند و اگر پری زده باشد [illegible] کنند و [illegible] و دعا بخوانند
و یک [illegible] کرباس و یک [illegible] و یک [illegible] نمک خیرات کنند و [illegible]
چراغ روشن کنند و بر سر آب [illegible]
[illegible] تا از شر [illegible] خلاص شود و شفا یابد انشاء الله تعالی و دعا
این است بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله شافی بسم الله کافی بسم الله
[illegible] معافی [illegible] فی الارض [illegible] العلیم
[illegible] اذ [illegible]
[illegible]

٣ ابج ٤ ٢ ٨ مر ٣ ٣ کہ ٤٤ ٥ ٥ دا ٣ ٢ ١١١ ٥٥٥ مرد ٣ ٢ ١٢

و حضرت فرمودند که ناموکل دیو حاضر کنند و بر پای [illegible]
موکل را حاضر کردند چون بخدمت حضرت سلیمان رسید سلام
داد و حضرت جواب سلام باز داد پس حضرت فرمودند که ای
موکل نام تو چیست و مقام تو کجاست عرض کرد که یا رسول الله
نام من عفریت است و جای من در سر چهار راه و جای مقام و در زیر
سایه درختان و سر چشمها هر کس که بدانجا بیاید و نام بزرگ
خدای تعالی نبرد [illegible] نوشته باشد بروی دست یابم
[illegible] و دلت [illegible] آفت [illegible] که هفت اندام و بر بدرد گرم
و سر درد و درد چشم و [illegible] بی هوش شود اگر زود علاج
نکنند از جهان هلاک شود پس حضرت فرمودند که علاج او چیست
عرض کرد که یا رسول الله اگر توانگر باشد باید که یک گوسفند یک رنگ
[illegible] در زیر درخت دفن نماید
[illegible] خیرات کند [illegible] باشد یک رنگ بکشد
[illegible] خام [illegible]
[illegible] گوسفند [illegible] دعا بخواند و چهار [illegible] در
[illegible] پوشش کند و [illegible] کند
[illegible] بر سر [illegible] یک نان
بکند رد

یا [illegible] دعا [illegible] نوشته با خود نگه دارد تا از شر من خلاص شود
[illegible] و دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم یا رب
[illegible] والارض یا معشر الجن والانس ان استطعتم ان تنفذوا
من اقطار السموات والارض فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان
[illegible] هو الاول والآخر والظاهر والباطن یا [illegible]
[illegible] على محمد و آله اجمعین [illegible]
حوت حضرت فرمودند که موکل حوت را حاضر کنند
[illegible] و موکل او حاضر کردند چون موکل بخدمت سلیمان ع
رسید سلام داد و جواب سلام باز شنید پس حضرت فرمودند که ای موکل
[illegible] و مقام تو کجاست عرض کرد که یا رسول الله نام من
[illegible] در [illegible] رود و در [illegible] در غفلت و در جای
[illegible] هر کس که بدانجا بیاید و نام بزرگ خدای تعالی نبرد
[illegible] نوشته باشد بروی دست یابم و [illegible]
[illegible] و [illegible] کند و نام اعضا و بر بدرد
و [illegible] از [illegible] اگر زود علاج نکنند از جهان
[illegible] فرمودند که علاج [illegible] باشد عرض کرد
[illegible] اگر توانگر باشد [illegible] گوسفند [illegible]
[illegible] گوسفند [illegible] خیرات کند و هفت [illegible]
[illegible] با [illegible] خیرات کند اگر [illegible] باشد

اگر کسی زبانش گرفته باشد این دعا را نوشته در گردن او بندد و دیگر بار نوشته

بخورد باز شود والله [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم الیوم نختم علی افواههم و

تکلمنا ایدیهم وتشهد ارجلهم بما کانوا یکسبون اگر زبان

کسی را کسی گرفته باشد این آیه را بنویسد و در جیب او نهد به حق [illegible]

ببرد وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو ویعلم ما فی البر والبحر وما

تسقط من ورقة الا یعلمها ولا حبة فی ظلمات الارض ولا رطب

ولا یابس الا فی کتاب مبین بحق [illegible] الله کلها بسم الله الذی

انطق کل شیء وهو خلقکم اول مرة والیه ترجعون روایت

کرده اند حضرت [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

باید هر چیز یک رنگ [illegible] کند و مرغ را خیرات کند [illegible]

[illegible] بنویسد و [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible] خیرات کند [illegible]

[illegible]

[illegible] این دعا نوشته [illegible]

[illegible] باید [illegible] الله تعالی و دعا [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] لا اله [illegible]

[illegible] لا شریک له [illegible]

[illegible]

کردانی [illegible] بشنید [illegible] اصحاب گفته [illegible]

[illegible] نام را بنویسید [illegible] بنویسد [illegible]

حلوس مرقوس ادوس ججلون ملموس قرطوس

هلو [illegible] الباد وماف [illegible] قروف [illegible] حیقو [illegible]

باب زنی که بار نگیرد بنویس این تعویذ را و بر بازو بربندد و [illegible]

حیض مرده باز جمع کند آبستن شود ط ۲۱۱۱۵ ۹ ه ۱

قدوس [illegible] قدوس قدوس هیا هیا هیا هیا

الملک القدوس ۴ ۴ ۴ ۴ ۴ ۴ ۴ ۴ ۴ و [illegible]

اگر کسی [illegible] بنویسد [illegible] بر گردن [illegible] بندد [illegible]

و [illegible] بتوکل علیه حتی [illegible]

حق [illegible] لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم [illegible]

[illegible] بخواند [illegible] الله تعالی

استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم یا بدیع السماوات

والارض یا ذا الجلال والاکرام یا ارحم الراحمین [illegible]

و درد [illegible] بنویسد [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible] تفحة [illegible] سبوس [illegible] اله

هیا شراهیا لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم

انت لست باله اتخذناه ولا معک رب یشرکک

و [illegible] ولا معک شریک [illegible] یقضون [illegible] ولا کان قبلک اله

[illegible] الیه [illegible]

ولا اعانک علی خلقنا من احد فنشرک فیک لا اله

الا انت وحدک لا شریک لک لا حول ولا قوة الا بالله

العلی العظیم وصلی الله علی محمد وآله اجمعین

[illegible] فلان [illegible] صنف الزار

[illegible] بنویسد [illegible] بر بازو [illegible]

[illegible] الله [illegible]

[illegible] آصف بن برخیا من ابلیس [illegible]

[illegible] الجن و [illegible]

[illegible]

عععععع کهلعهلج عوع ععوع

حلوج ملوج وهج ص م ععع ععوع

کهیعص

حلوج ملوج وهج ص م ه ۱۱۱ م لا ۱۱۱۱ ق

حمعسق طه

یا رحمن یا رحیم ... بنویس

در بشو بیت خواو بزودی اینست م لا

مح احج دع وهو شفائك فلان بن فلان المجی

اسمای اعظم صل شفا دلت جهت ...

نوشته برکم بنید واکرده سال که بسته باشند کشاده شود

یا ذی العرش المجید فعال لما یرید وجهی الذی

ملاء وکان علی عرشه وسالك بقدرتك التی

قدرت بها علی واسئلك برحمتك الرحمن الرحیم

... کونامه ... یا ایها ... برحمتك یا ارحم الراحمین

تنزیل العزیز الرحیم

ورزمینی دفن کنند اینست

جهت زنی که ... فرزندش نمیماند این شکل نوشته در گردن او بیاویزد

٭	٢	٣	٢١
٧	٨	٥	ط
یا البهم	رعفق	١٩	٩
مالبهم	زان	[illegible]	رون ضار

نوع دیگر شیر زنان نبندد بنویسند

ببندد شیر زیاد شود

واعطه

نوع دیگر شیر زنان ... بنویسد

زیاده کردد اینست وله الجوار المنشئات فی البحر کالاعلام

اگر زنی که فرزندش نیاید وقت زائیدن ...

فصل ... ...

جهت بستن ... فیه آیه

ولا یبدل ... درجه ... منبع

نحن اقرب ... المحسنین

ب ۱۱۱۱ ت ۱۱۱۱ ث ۱۱۱۱ ج ۱۱۱۱ ح ۱۱۱۱ خ ۱۱۱۱ د

ذ ۱۱۱۱ ر ۱۱۱۱ ز ۱۱۱۱ س ش ص ض

ط ۱۱۱۱ ظ ۱۱۱۱ ع ۱۱۱۱ غ ۱۱۱۱ ف ۱۱۱۱ ق

م ۱۱۱۱ ن ۱۱۱۱ و ۱۱۱۱ ه ۱۱۱۱ ل ۱۱۱۱ ك

۱۱۱۱ ی ۱۱۱۱ لا ۱۱۱۱ ه

از جهت ... ...

باخود ... ...

اللهم یا کافی یا شافی اللهم یا معافی بحق هذه الاسماء ...

المجربة الطیف الشریف بحق محمد وآله اجمعین

اگر زن که دشوار زاید بنویسید بر پیشانی زن ببندد فی الحال بزاید

الیشلوک والبلوک لا حول ولا قوة الا بالله العلی

العظیم نوع دیگر برشته نویسید و در زیر پا ببندد [illegible]

[illegible] بجهت دردسر [illegible]

چهارشنبه [illegible] پاره [illegible] نوشته و بیاشامد بخورد نافع

[illegible] اگر حیوانات [illegible] کاو [illegible]

خود را [illegible] بنویسید و در گردن ببندد [illegible]

خود را بردارد

حیوان که دیوانه [illegible]

این دعا را [illegible] در گردن او ببندد [illegible]

وله اسلم من فی السموات والارض طوعا وکرها والیه یرجعون

بجهت [illegible] بر [illegible] کاغذ نوشته در موم [illegible]

روز [illegible] [illegible]

بعد [illegible] بنویسد [illegible] حلومات صلومات

منها خلقناکم وفیها نعیدکم ومنها نخرجکم [illegible]

بجهت صداع [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم توکلت علی الله واعتصمت

بالله لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم جهت [illegible]

[illegible] اللهم انی اسئلک باسمک یا کافی یا شافی یا معافی

یا هادی یا داعی یا قاضی یا راضی یا عالی یا باقی یا سبحان

یا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب

اگر کسی را خواب [illegible] بنویسید [illegible]

روحی نعمتی [illegible] الفتاح العلیم

هر که این دعا را [illegible] بنویسید [illegible]

مطلب [illegible] عمر علیه لعنة عثمان علیه لعنة

ابوبکر علیه لعنة معاویه علیه لعنة یزید علیه لعنة عایشه علیها لعنة شمر

علیه لعنة سنان علیه لعنة یا مخالفان کلهم اجمعین مطلب [illegible]

[illegible]

[illegible] الم نجعل الارض مهادا

والجبال اوتادا وخلقناکم ازواجا وجعلنا نومکم سباتا وجعلنا

اللیل لباسا وجعلنا النهار معاشا [illegible]

بجهت [illegible]

[illegible] سلیمان الجبار [illegible]

فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم

وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين ولا يزيد
الظالمين الا خسارا از براى طبقه چهارپايان نبشته بر گردن بنده
اينست بسم الله سمعا سمعا سمعا سمعا يدرككم الله اه اه اه
اه اه اه ا با اسم زن طيلسان حب [illegible] دوازده بولند گرى
چند ساعت ميشود در حمل روز دوازده ساعت در ثور روز سيزده ساعت
شب دوازده ساعت شب يازده ساعت
در جوزا روز چهارده ساعت شب ده ساعت
در سرطان روز پانزده ساعت در اسد روز چهارده ساعت
شب نه ساعت شب ده ساعت
در سنبله روز سيزده ساعت در ميزان روز دوازده ساعت
شب يازده ساعت شب دوازده ساعت
در عقرب روز يازده ساعت در قوس روز ده ساعت
شب سيزده ساعت شب چهارده ساعت
جدى روز نه ساعت در دلو روز ده ساعت
شب ١ شب چهارده ساعت
در حوت روز يازده ساعت و ما نيك گوسفند [illegible]
شب سيزده ساعت [illegible] نوشته بر گردن بنده
والله اعلم [illegible]

ها شفا [illegible] بر ان زن که شاد بر بايد اين كلمات را نوشته بر
بر ران بندد اشهدا عوذ بجلال الله اعوذ بكمال الله اعوذ
بجمال الله لا اله الا الله محمد رسول الله [illegible] تب لرزه
فلان بن فلان [illegible] بر گردن بندد بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله العزيز الكبير يا
والله يا غفور يا غفور يا رحمن يا رحيم يا كريم يا ذا الجلال والاكرام
[illegible] تمام [illegible]
[illegible] اسم [illegible] نوشته بر گردن [illegible]
[illegible] طلسم [illegible] زرد باشد [illegible]
[illegible] بر كاغذ [illegible]
[illegible] ازبراى [illegible] بر كاغذ نوشته [illegible]
براى [illegible] بسم الله [illegible] الرحمن
الرحيم [illegible]
[illegible] نفسا فادارءتم
[illegible] فيها والله مخرج ما كنتم تكتمون يا ذا الجلال والاكرام
[illegible]

باب برید بجلهه زنا باید هفت انار برسم هفت دانه بخواند و هفت گرز نند و باب
روانا برود حمد یا رَبَّ الاَرْبَاب یَا مُفتحَ الاَبْوَاب اِفتح افتح یا فتاح
عن بیح فرق دو ده کبیوس و وانرده امام دعق دعای صبح رشام
مروان خند و بجو طه و یس که کار سنه او بکند و یا دهم
مو کن ده کنی ای مهم جلنه فلانه بن فلان اهیا اهیا اهله اهله
اهله سلم سلم سلم سلیلا سلیلا سلیلا یا
قدوس یا قدوس یا قدوس یا ربّاه یا ربّاه یا
ربّا یا ربّاه جهت بستن تندانخو ناحیضلی نیز نوشته را بکن یا بر ودمی
بنس دیگر برداعی عقیق بنبدد و دیگر یا بر زیر نا ف بنبدد و
عنه و ما محمّد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان
مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم ولا حول ولا قوة
الا بالله العلی العظیم حح حح لح حح حح
لواط ستهی خطا هی تاهسه

ووو	ووو	ووو	بسم	لله	الرحمن	الرحيم	٥	٢
٣	١٩	ه	ط	ه	ل ا	١٢ جـ	١١ ا	ـــ
ب	٨	و	ع	٤	عـ	٨	٩	ووو
ووو	ووو	ووو	ووو	ووو	ووو	ووو	ووو	ووو
وو	وو	وو						

اگر کسی زلو بر و اشته باشد اینبد عا
بر اسم پان تان نوشته سه مرتبه نانرا بخورد بعا الله شفا یابد اینست
نسر قيتا مر قيتا هوا قيتا و نیز بنویسد بر سه پاره کاغذ
نوشته هر روز یکی او را در زیر ستب تبلرز دود نسم اسم اول
ملک نلک مدوس علیه اللعنه اسم دوم نبقوت کیقوت
ادروس علیه اللعنه اسم سیم فرعون شداد نمرود
خندروس علیه اللعنه از سر ان زروکو لیفند باز بر و بیفکند اگر و
بنبدد اینست

هم هم هم هم هم هم هم هم هم

اگر کسی را بیمی ز تنر که خوف از سگ رود بر سیم پان تان نوشته بخورد

روز اول
قوس مر قوس
سلام

روز دوم
قوس مر قوس
مر قوس قوس
مر قوس قوس

روز سیم
قوس مر قوس مر قوس
مر قوس من رب رحیم

دعای از برای دل بنویسد در بازو ز را بسته ببندد و هیبت

مه مه لهب ۳

لعهد مه مه ای شکمرا نبوید

باب اگر زن زود بخورد و بار زن قرار گیرد طلسم اینست

لا بحا	ال	اا ع اع	ااا لا
۵ااا	ع ا	≡	ع ۲ اا
ســـ	ح اا ع	≡ا	≡
وا لبه	وا ع اا	اا ع	ااا ع

حضرت رسول محمود نداکرعورته بایمالایان یا مبشی بامالانشر با درخت کهنه تخمکند باید کرای تعویز را

بنویسد بر کردن او نیز ببندد بار گیرد بفرمان خدای مجربست

یُرسِلُ السَّمَآءَ مِدرارًا یُمدِدکُم بِاَموالٍ

بَنِینَ وَیَجعَلْ اَنهارًا مالَکُم لا تَرجُونَ

لِلّٰهِ وَقارًا وَقَد خَلَقَکُم اَطوارًا کهیعص

ااااله ااااا بد — ک ااخ ح اا۲

هر کرا خون از بینی باز نه ایستد الکشف بر پیشانی بالید بکند یا اَرضُ ابلَعی مآءَکِ وَیا سَمآءُ اَقلِعی

هر آن زنی که دیوانه شود این حروف را بنویسد و باب عالد و بخور دهد و حضرت سکینی باید بفرما تحقیق

ااا ح اا ۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ ا نا دفع کرد

گردانید از ایشان بنویسید و با خود دارد بعد از

بسمله هیلوس هیلا نوش هیدوس یا

نوس وحی اسحاق کیوس کا نوس حتی

کوس کا تون مریم دوش هدم هد

نوس کفن کف اللّٰهم حفظ حامل من

آل بلغ فتح لرجال برنز زارات بسم الله جبرئیل

برت زده جب بسم الله میکائیل برکف
دست راست بسم الله اسرافیل و بر دست
جب بسم الله عزرائیل بنویسد کشی گردد
فتح الحجاب بنویسد بر روی شمشیر بنویسد و بخورد [illegible] مرد
فلان دهد کرا از صوف [illegible] الکاه ره ۱۱ ۹
اول بنرا بنویسد ۹ طم و ۹۹ ج ج لا ام و ام لاه ا ر رو ج م م م م م
لم ا م ه ه ه ه ه ۹ ا و ا ه ا ه ||||||||||
از جهت زکام بنویسد بر [illegible] پاره کاغذ هر روز [illegible] بگیرد
در بینی [illegible] دماغ خود دود کند مجرب
مطلعه هکله لطله
هر که این مهر را بنویسد و در کیسه گذارد
هرگز خالی نشود ۹۹۹۹۹۹ ۹۹۹۹۹۹ این

جهت [illegible] نبویسد [illegible] ۹۹۹۹ [illegible] ج
اگر کسی [illegible] بنویسد [illegible] بخورد
[illegible] کرده ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه ه [illegible]
الله تعالی [illegible] لا [illegible]
[illegible] بنویسد اهو هو هو هو هو [illegible]
ع هو هو هو هو لهو [illegible] الا ۱۱ ۸ الا
۹ ۱۵ هو اح ۳ ۱ ۲ ۴ اگر کسی [illegible]
[illegible] کند [illegible] چشم [illegible]
[illegible] شکل را [illegible]
اول در [illegible] کند [illegible] شکل [illegible] دود کند
[illegible] شکل [illegible] گردن
بندد [illegible] ۱۱۱ [illegible] ۱۱۱ [illegible] ۱۱۱ [illegible] لا ۱۱ [illegible] ۱۱
لا ۱۱ هو اص ۱۱۱ ع ۱۱

اگر عورتش نمیشه باشد در کنند نمیشد و در زمین باشی

بچسپانند نفع یابد ۱۱ لمم ۱۱ الله ۱۱ بان ۱۱ الاال

۱۱ م م ۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ اگر خواهی در زمین بکند زایی

در زمین بنویسد در دو بنویسد در یک کشد اگر در طم طم

لسم لسم لسم لسم طوطواو طوکهیعص

اصباوث الوالوجا الوجا العجل العجل العجل لله

یا اهیا شراهیا اهیا وث یا رحیم بی

رحمتک یا ارحم الراحمین بعد ازان سوره اخلاص

بنویسد بر بازو راست بنید و در وی قل هو الله بنویسد

بر بازو چپ بنید کند نعوذ دعا وکهی بر شکم بنویسید

از برای طفلان نبشت ۱۱۱۱۱ او هو ی از برای

بیماری که نفقه ... چوپان ... که ...

آب بخورد و از بالا سر در آب ابدا ز در حرب ببت

قل انني هداني الى صراط مستقيم

دينا قيما ملة ابراهيم حنيفا

وما كان من المشركين ... بنید از بت

راست بنید ربنا انك جامع الناس

لا ريب فيه ان الله لا يخلف الميعاد

ععععع ×

ووووووووو

ه ص م ... اگر ... بخورد ...

... يا شتا تا ديب

يا مستطيع يا ارحم الراحمين

يا اكرم الاكرمين وهو حفظه

من جميع البلاء و بحق محمد و آله
و اصحابه اجمعین برحمتک یا ارحم
الراحمین قاع ااام
ااااالاحفظها الله تعالی
باسم فلان زاده فلان نام
هر که این نقش را بنویسد در گردن ببندد
در خواب لعل نکند هر کس باخود دارد احتلام

م نقش طلسم اینست بنویسد

و	ه	ی	٤	۹	ی	۳
ه	ی	۹	ع	ی	ی	۹
۹	ی	س	ی	س	۹	ی
ی	سا	م	ی	۸	ی	۹
✕	۹	۳	۹	۹	۹	۹

یا واجد یا ماجد یا واحد یا احد یا صمد یا قادر یا مقتدر
یا مقدم یا مؤخر یا اول یا آخر یا ظاهر یا باطن یا والی یا
متعال یا بر یا تواب یا منعم یا منتقم یا عفو یا رئوف یا ذو
الجلال و الاکرام یا رب یا مقسط یا جامع یا غنی یا مغنی یا
معطی یا مانع یا ضار یا نافع یا نور یا هادی یا بدیع یا باقی
یا وارث یا رشید یا صبور یا صبور یا صبور یا صادق یا
ستار الذی لیس کمثله شیء و هو السمیع العلیم البصیر
حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر برحمتک یا ارحم
سع خاتم جهل اسم اعظم هر کس باخود دارد از همه بلیات محفوظ باشد والله
اعلم بالصواب.

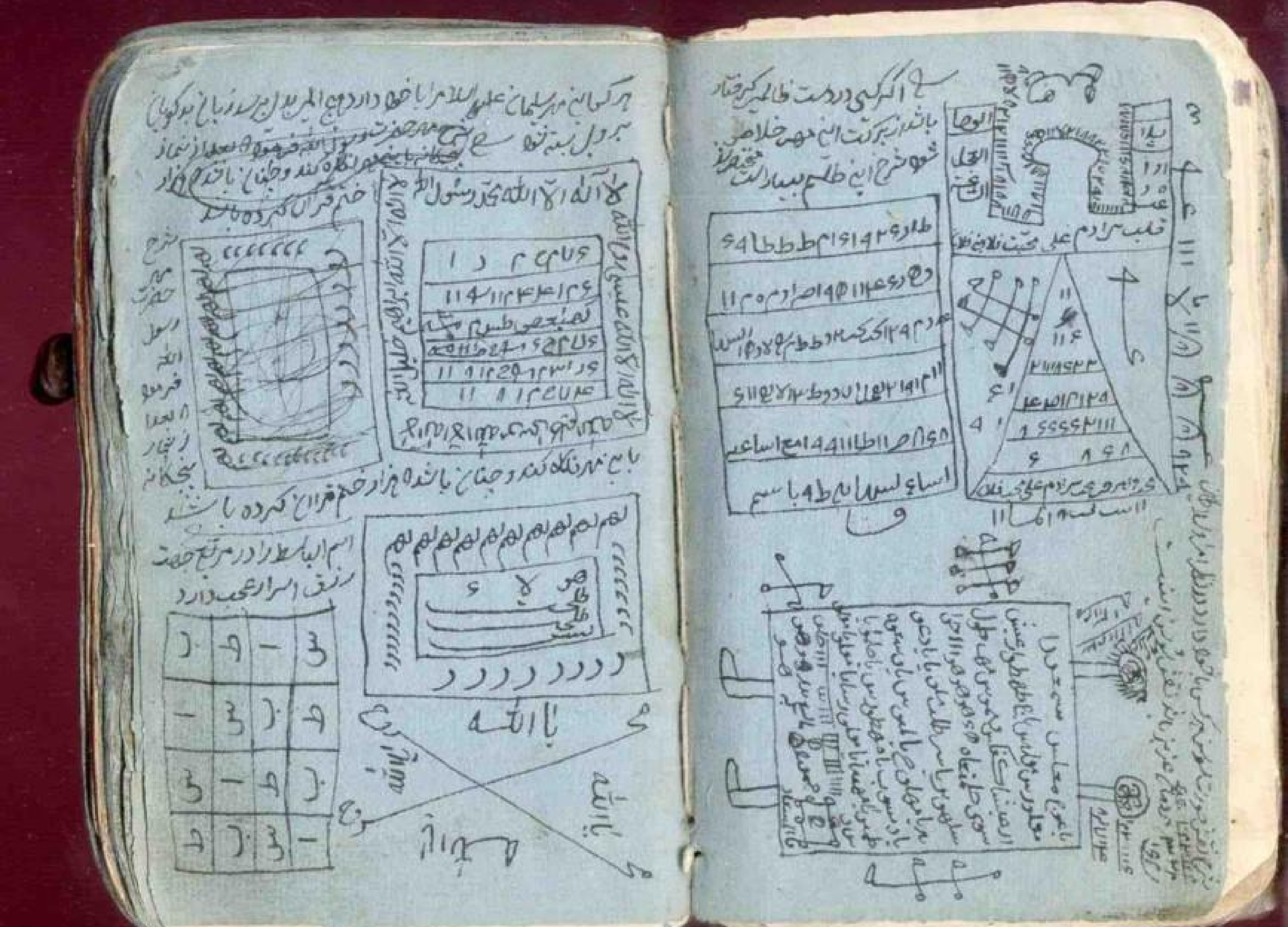
سع

۱ ۴۳ ۷۵ ۳ ۷ ۱۰ ۱۴ ۱۳ ۱۹۳ ۲۳ ۲۴ ۹ ۱۱
۱ ۳ ۱۱ ۷ ۱۱ ۹ ۱۴ ۱۰ ۱۵ ۳ ۱۱ ۱۴ ۱۵ ۳ ۱۱ ۶
۱۰ ۳ [illegible] ۵ ۳ ۱۴ ۱۴ ۱۶ ۷ ۱۱ ۱۱ ۱۲ ۷ [illegible] ۴
۱۶ ۳ ۱ ۹ ۵ ۳ ۱۲ ۱ ۱۱ ۹ ۱۱ ۴۱ ۳ ۵ ۴ ۱ ۷ ۲ ۲ ۳ ۴۱
۱ ۱ ۱۴ ۳ ۱ ۹ ۳ ۱ ۱ ۹ ۱۱۱ ع
۱۱ ۳ ۱۱ ۶ ۲ ۱۱ ۱۴ ۱ ۱۳ ۱۳ ۶ ۵ ۲ ۱ ۱۴ ۱۴ ۴
۱ ۲ ۱۱ ۳ ۱۴ ۱ ۳ ۱۱ ۱۱ ۱۴ ۱۱ ۱۴ ۱۱

هر کس این طلسم با خود دارد
قربان بلاگویان بر وی بسته گردد

سرد	۴۴	۳۱۱	//
۴۳	۲۱	۳	۶۶
۱۰ع	۲۶	۵	۱ع
۳۸	۱ع	۱۴	۳۱
۳۱۵	۴	۱۴	۳۱۴
۳ع	۱۴	۱۴	د
۳۱۱	۳۱۴	۷۲	۲۷
۲۳	۱۴	۷۲	۲۴
۲	۷۵	۷	۷

سع صورت طلسم داشت بجهت
محبت در میان مردم باخود
دارد طلسم اینست



لا اله الا الله محمد رسول الله
بالله

جهت زیادتی رزق هر که باخود دارد در رزق بر روی او گشاده

گردد ۱۱۱۱ لا عا عا طل ام اط ۹ صه ۱۱۱ ۱۱۱ ۹

از برای درد دندان این دعا را بخواند اما باید که چوب یا آهنی بر آن

دندان نهد هفت بار بگوید بسم الله الرحمن الرحیم باسم الله و

بالله و محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و ابراهیم خلیل الله

اسئلک بالذی سکن له ما فی السموات و الارض و هو

السمیع العلیم جهت اینکه طفل قبل از بیرون آمدن نوشته

بر اینان بندد بیرون نیاید انشاء الله تعالی

ب	بیح	ح	و
و	سا	و	د
۲	ا	ند	و
ج	ج	ع	٥

شرح دعای بزرگوار اعظم ابن ...

نقلست از سلمان فارسی رضی الله

عنه که گفت هر کس این دعا را ...

بخواند بعد از نماز بامداد درستی داده و با کسی تکلم نکند

بالله بخواند و اگر مراد و حاجت ... بر سلیمان ...

بنده الدعا بسم الله الرحمن الرحیم یا حلیم یا دائم

یا فرد یا وتر یا حی یا قیوم یا ...

... یا صمد یا من لم یلد و لم یولد و

لم یکن

ثم سبحان الله تعالی احد ... روایتست از حضرت

رسول صلی الله علیه و آله که هر که بعد از نماز خفتن این دعا را بخواند

چنان باشد که گویا در شب قدر هزار رکعت نماز گزارده باشد و بخواند

بسم الله الرحمن الرحیم سبحان الملک القدوس لما یشاء

بقدرته فعال لما یرید بعزته یا ارحم الراحمین ...

از برای هر مطلب بگوید تسبیح بعد از نماز صبح بگرداند حاجت برآورده شود

قل هو الله ... یا فرج ...

... یا فرج یا فرج یا فرج ...

دفع درد سینه که ... در سینه باشد این آیه را ...

... ان الذین سبقت لهم منا

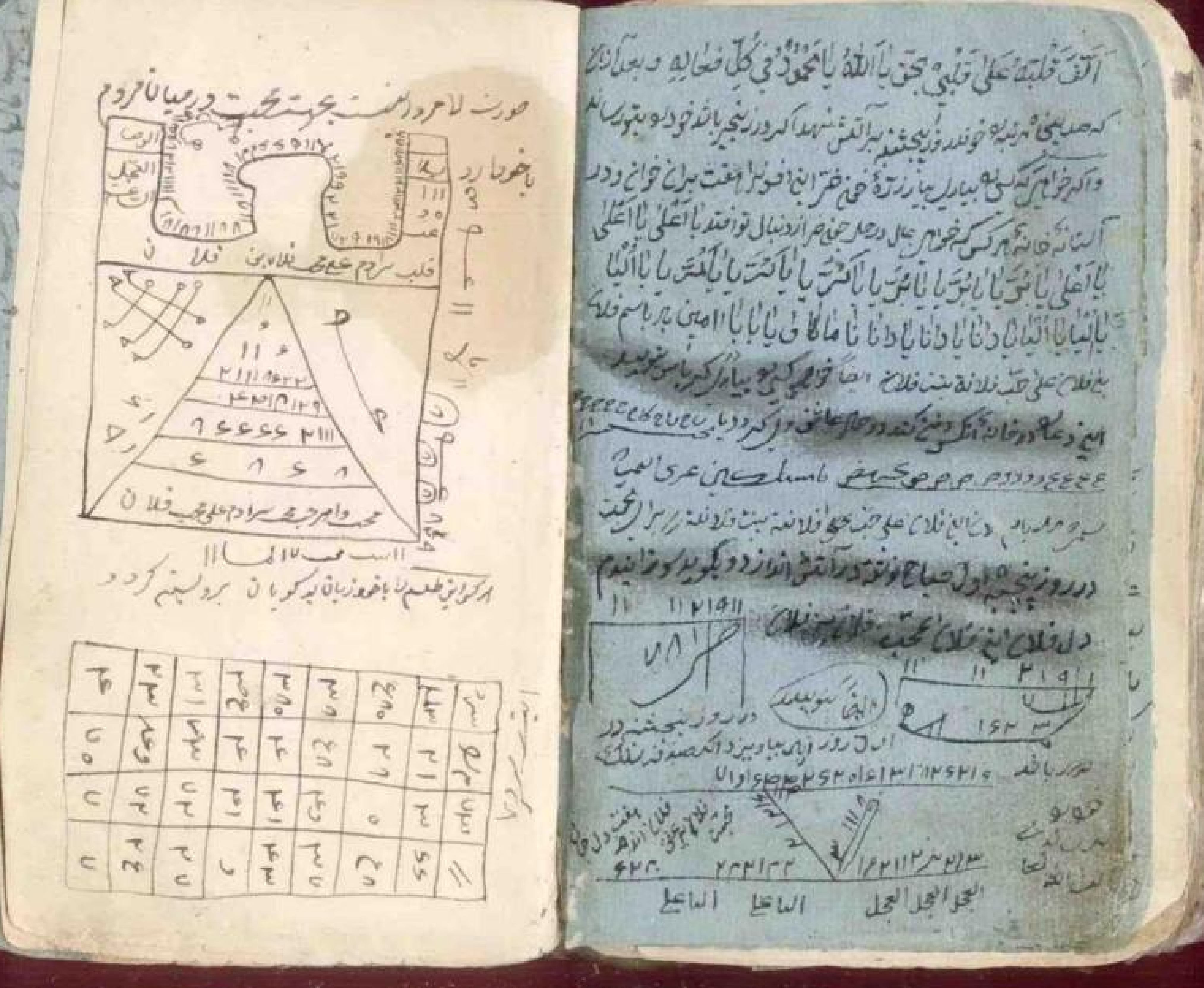
الحسنی اولئک عنها مبعدون لا یسمعون حسیسها و هم

فی ما اشتهت انفسهم خالدون لا یحزنهم الفزع الاکبر و تتلقاهم

الملائکة هذا یومکم الذی کنتم توعدون ...

... اللهم سخر لی قلب فلان بن فلان

علی محبتی کما سخرت النار لابراهیم علیه السلام اللهم


اكف غلبة على قلبي بحق يا الله يا محمود في كل فعاله

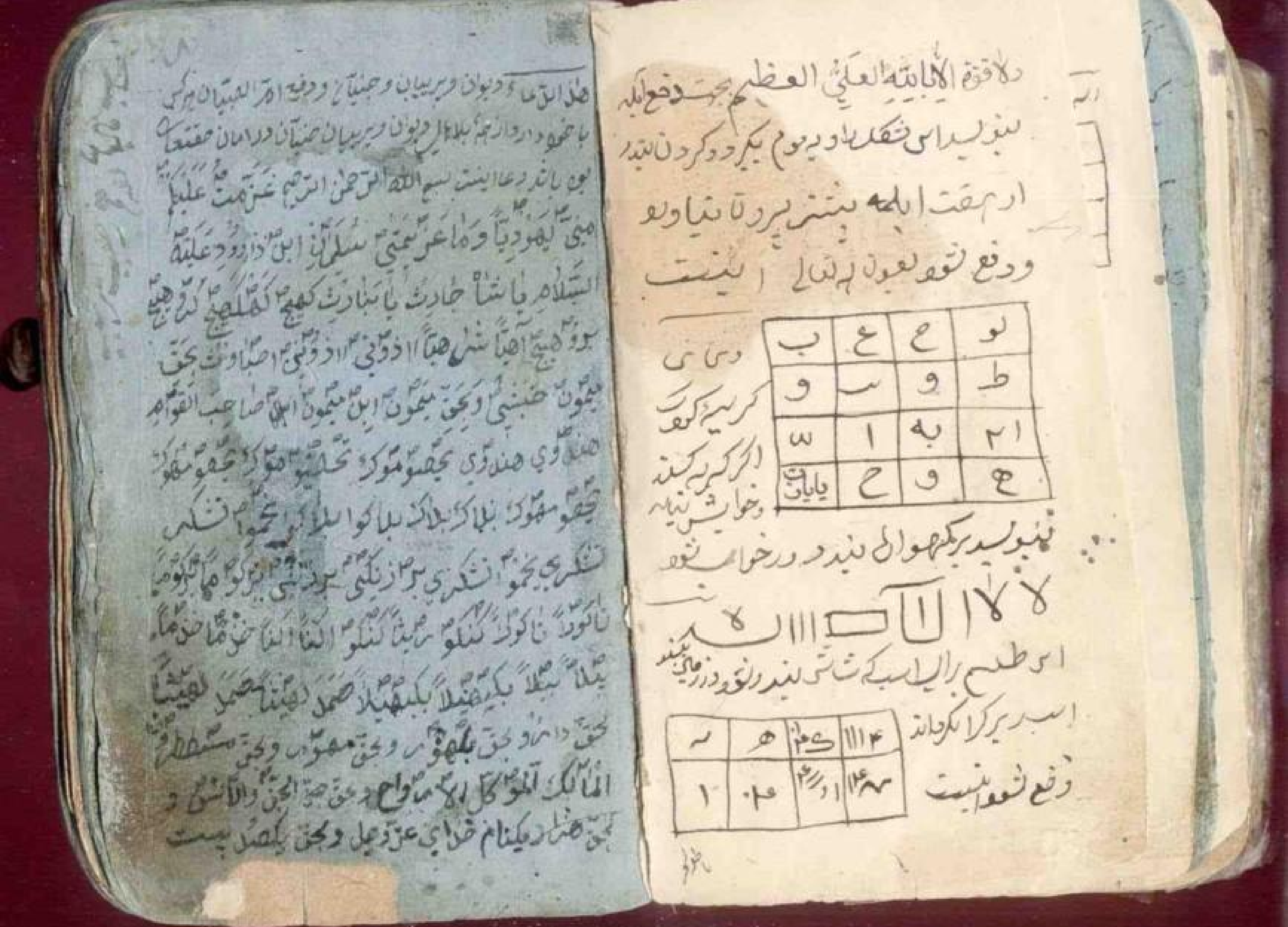
اسم الباسط در مربع جهت رزق الراغب دارد

ب	ا	س	ط
ط	س	ا	ب
ا	ب	ط	س
س	ط	ب	ا

جهت طلب رزق بخور تعویذ [illegible] اسم [illegible]

وتحسبهم ایقاظا وهم رقود ونقلبهم ذات
الیمین وذات الشمال وکلبهم باسط
ذراعیه بالوصید اگر کسی بشراب عادت گرفته باشد
این دعا را بنویسید در آب شربت تا بدو بنوشید
و بخورد دیگر نخورد ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح
ح ح مسعد ستح بامر الله تعالی
اگر کسی را اسهال بخشکند این دعا را بنویسد و در گردن
کنند

کند شفا یابد شهد الله انه لا اله الا
هو واولوا العلم قائما بالقسط ان
لا اله الا هو العزیز الحکیم از برای سنگ
ریختن باد دانه جو بخواند [illegible] دانه [illegible]
بماند [illegible] انخاما انخاما ضخما
ضخیمو اجل مجل اجلا اجیلا اخو شلد
شو اند ست ازبا فردین نجو ملک
اگر کسی روی چشم درد کند [illegible] بنویسد
سکن العذوب العاری من
لا یقول التشهد به ولا حول ولا



ولا قوة الا بالله العلي العظيم

دفع شود بنیست

و نامی سل

د جهار هزار پیغمبران مرسل و بحق توریت موسی
و بحق انجیل عیسی و بحق زبور داود و بحق صحف
ابراهیم و بحق فرقان محمد المصطفی صلی الله علیه
و آله وسلم و بحق جمیع آیت توریت و بحق اسم توریت
و کل حرف توریت و بحق جمیع آیت انجیل و کل اسم
انجیل و کل حرف انجیل و بحق جمیع آیت زبور و کل
اسم زبور و کل حرف زبور و بحق جمیع آیت قرآن و
کل اسم قرآن و کل حرف قرآن اکر ترا ای بحق توریت
آیت و اکر جهودی بحق انجیل و اکر موعنی بحق زبور
و اکر کافری بحق صحف یا خود مسلمانی بحق لا اله
الا الله محمد رسول الله علی ولی الله
... که خود تو شفاعت بیابید و بشنوید و
حاضر شوید ... بردارید و بکرد انیماد ...
و اکر از ... و بشنوید بدرکاه باری تعالی
عاصی بوده باشید بحق این آیت قوله تعالی وننزل
من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و

یف بن الجامعا

یا نبی الله یا نبی الاحسان اخرج اخرج اخرج بحق ذلک
یا ارحم الراحمین
صم ...
بحق محمد و آله
بحق ... برحمتک یا ارحم الراحمین هذا دعا ام الصبیان
هر کس این دعا را با خود دارد جادوی بر وی کار نکند و بیم ...
و ... بود ... و ... حضرت رسالت پناه صلعم ... وی
در مسجد نشسته بودند ناکاه مردی ... در کوشه مسجد نشسته
حضرت رسول صلعم از وی پرسید که تو چه کسی که من فرشته ام ...
کفت و روح ... تو دیدن ... حضرت جبرئیل ... و ...
کفت یا نبی الله صلعم این ام الصبیان ... که ...
تو ... ادم ... هر ... و
... که ... رسول خدا صلعم ... کفت ...
... ام الصبیان کفت یا رسول الله ... نا ... و ...
مرد ... که ... دل ... و ... تو ...
... مقام ... کفت ... کرد ...
... و ... و ... بر ...

زانبعه مردم و الین مرا دیوانه کرده اند و معلوم کنند و هر چند دوا و دعا
خوردند سود نکنند و دیگر اهل علم گویند که در وقتی که غسل کنند و گویند
این غسل درست نیست و خلق مو کم کرده اند که مطیع من شوند و دیگر
در سر بود با مقام که نا مردم بوا زاده به سر اهم الازم و در جور
و کو اهها منزل کم و آب دهم خورد و بخور نتوان بنی آدم الازم
و خار دشن الدام نیل کنند و گویند بی خشک است و کسی تلاکه چه
علت است حضرت رسول صلعم با صحاب فرمودند که آتش رسیده
کسی علاج نتوان کرد حضرت امیر المومنین عم فرمود که یا رسول الله
صلعم چه سر بعضی ما میل کرتا من و بر هلاک کنم جبرائیل عم نازل
و گفت یا رسول الله صلعم جایز نیست که و برا هلاک کنند زیرا که رنج
نیست و شفا با خدا تعالی باشد یا رسول الله عم از ولی بپرس
که علاج این درد ها چیست حضرت رسول صلعم پرسید و گفت
مهر ان بنده که این دعا تو با خود داری علت بول تر سانم و دزد
و از دجال فرسنگ دور باشم آنگاه حضرت رسول صلعم عهد نامه
بستند و حضرت علی عم این دعا تو بخط مبارک خود نوشت
و حکایت حضرت حسنی علیهم السلام کرده اند هذا
الدعا

هذا دعاء ام الصبیان کبیر

بسم الله الرحمن الرحیم

وهذا کتاب من الله العزیز العظیم ومن خاتم سلیمان ابن داود علیهما
وملک الجن والانس والشیاطین وکل بنا وغواص الی جمیع ما فی الارض
لصاحب هذا الکتاب من الزلازل والتوابع لعیلان وام الصبیان
یا من الدهش والابرش وجمیع الارواح المحجبة الخبیثة عزمت علیکم
یا معاشر الارواح فتبارک الله احسن الحافظین وانتم ان کنتم من
الارواح المجوسیین فانی عزمت علیکم فتبارک الله رب العالمین
وانتم ان کنتم من الارواح المسلمین فانی عزمت علیکم یا یا بزدا بیند
وحروف لا تقربوا لصاحب هذا الکتاب لا فی اللیل ولا فی النهار ولا
فی سفر ولا فی حضر واعیذه بحق التوریة والانجیل ومن القرآن وکتابها
لا اله الا الله وحده لا شریک له الها واحدا ملکا ملیکا دعا
نصیرا مقتدرا لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین
فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذلک ننجی المؤمنین لا اله الا
الغنی المغنی العلی العظیم الکبیر العلی العلیم الحی القیوم
الحنان المنان الاحد الصمد الواحد الاحد الفرد المعز المذل الذی
لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد وآیة الکرسی ... تا آخر بخواند

هو الجبار المتكبر الستار العليم القهار القوي لا اله الا هو

والملائكة واولو العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم

ان الدين عند الله الاسلام ختمت هذا التعويذ باسم الله

العظيم العالي تعالى الله عما يصفون وباسم محمد صلى الله عليه

وباسم من علق عليه وانثى صغيرا او كبيرا او ذكرا او انثى او حرا

او عبدا وبحق الله وبحق خاتم سليمان ابن داود عليهما السلام

وبحق خاتم آصف ابن برخيا وبخاتم شعيب النبي وبخاتم يوشع ابن

وبخاتم

نون وبخاتم دانيال النبي وبخاتم يعقوب عليه السلام ويوسف

وبخاتم يحيى ابن زكريا انا نبشرك بغلام اسمه يحيى لم نجعل

له من قبل سميا وبخاتم موسى ابن عمران وبخاتم عيسى ابن مريم وبحق

وبخاتم محمد صلى الله عليه وآله وبحق اربع مائة عشر سورة القرآن

وحروف حروف بحر وكلمة وعوابع وامر ونهي يا ذا الجلال

والاكرام والجبال والبهاء واحفظ عبدك الضعيف من هذه

الآفات الصعبة من كل شيء من شرها ومن كل آفات الدنيا

والآخرة من جبلها وسهلها وبحرها وعلتها يا غياث

المستغيثين ويا جار المستجيرين ويا ديان يوم الدين ويا ...

المسلمين وبحق انه من سليمان وانه بسم الله الرحمن الرحيم

الا تعلوا

الا تعلوا علي واتوني مسلمين لا اله الا انت سبحانك اني كنت

من الظالمين لا اله الا انت الكريم الديان يوم الدين لا اله الا الله

يا اله الاولين والآخرين بحق السبع السموات والارضين لا اله الا هو

رب العالمين وبحق طه ويس وكهيعص وحمعسق وبحق الواحد الاحد

الفرد الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد بسم الله الذي

لا اله الا هو الحي القيوم العلي العظيم سبحان الله تعالى رب

العرش الكريم والحمد لله رب العالمين كانهم يوم يرون ما يوعدون

لم يلبثوا الا ساعة من نهار بلاغ فهل يهلك الا القوم الفاسقون

كانهم يوم يرونها لم يلبثوا الا عشية او ضحاها يا مخلص عيسى ابن مريم

خلص من علق عليه هذا بسم الله الرحمن الرحيم ففتحنا ابواب السماء

بماء منهمر وفجرنا الارض عيونا فالتقى الماء على امر قد قدر ويوم

تشقق السماء بالغمام ونزل الملائكة تنزيلا الملك يومئذ الحق للرحمن

انا صببنا الماء صبا ثم شققنا الارض شقا فانبتنا فيها

حبا وعنبا وقضبا وزيتونا ونخلا وحدائق غلبا وفاكهة

وابا متاعا لكم ولانعامكم فاذا جاءت الصاخة بسم الله الرحمن الرحيم

انا فتحنا لك فتحا مبينا ليغفر لك الله ما تقدم من ذنبك وما

ناصر ويتم نعمته عليك ويهديك صراطا مستقيما وينصرك الله
نصرا عزيزا أولم ير الذين كفروا أن السموات والأرض كانتا
رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء كل شيء حي أفلا يؤمنون
إذا السماء انشقت وأذنت لربها وحقت وإذا الأرض مدت
وألقت ما فيها وتخلت وبالحق أنزلناه وبالحق نزل وما
أرسلناك إلا مبشرا ونذيرا إن وليي الله الذي نزل الكتاب
وهو يتولى الصالحين فإن تولوا فقل حسبي الله لا إله إلا هو
عليه توكلت وهو رب العرش العظيم بسم الله الرحمن الرحيم
لا إله إلا الله رب إبرهيم وإسمعيل وإسحق ويعقوب والأسباط
ورب جبرئيل وميكائيل وإسرافيل وعزرائيل أعيذ من علق عليه
باسمك الله الأكبر وبكلمات الله التامات التي لا يجاوزهن
بر ولا فاجر وبأسماء الله الحسنى وبعزة ملكوت الله وجبروته
وعزته وعظمته من شر ما خلق وذرأ وبرأ ومن الصامت
والناطق والظاهر والباطن والشاهد والغائب والغبار
والروائح ومن شر كل دابة في البر والبحر والنهر والشجر والنخيل
ومساكن الثرى عربي أو عجمي أفصيح قائما بالسطا وقاعدا
أو نائما

أو نائما أو يقظانا وساكن التجاب القلم الخطا ويعمل بها
ويغلبها أعيذ من ذلك من علق عليه كتابي هذا وهو حرز الله
حسبي وكان معه والله معزه وبحيث ما كان معه والله وليه
وحافظه وحارسه وعافيته مما من عين أو نفس أو لمس أو مس
بما شاء الله لا قوة إلا بالله وبإذن الله وبالله حفظت وبالله
نجحت وأعيذه بالله الأحد الصمد الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له
كفوا أحد وأعيذك برب الفلق من شر ما خلق ومن شر غاسق إذا
وقب ومن شر النفاثات في العقد ومن شر حاسد إذا حسد وأعيذك بالله
رب الناس ملك الناس سورة الناس اللهم احفظ عبدك الكريم وكلاءك
المجيد وصلى الله على محمد وآله الطاهرين والحمد لله رب العالمين
[illegible] برحمتك يا أرحم الراحمين
وحق خلق العرش استوى وخلق آدم صفوته ونفخ فيه من روحه
سجدت له الملائكة أني لا أقرب ولا أدنى ولا أتعرض لمن علق
عليه هذا الحرز والحجاب إلى يوم القيامة
وحق من له وعد الوعيد ولا له شبه ولا ند من له الأسماء
ذلك هو الله الكبير المتعال أني لا أقرب ولا أتعرض لمن علق

عليه هذا الحرز والحجاب ابدا الى يوم القيمة عهد سيم وحق الطالب
الغالب الملك الذي يعلم السر والعلانية رب الارباب ومنزل الكتاب
وغافر الذنوب والرقاب المعطي الوهاب اني لا اقرب ولا اتعرض لمن علق عليه
هذا الحرز والحجاب ابد الابدين الى يوم القيمة عهد سيم وحق الخالق
الرازق الفالق الرتق المعز المذل السميع البصير المحيي المميت الحي القيوم
الواحد الاحد الفرد الصمد باني لا اقرب ولا اتعرض لمن علق عليه
هذا الحرز والحجاب ابد الابدين الى يوم القيمة عهد سيم وحق الذي
خلق فسوى والذي قدر فهدى والذي اخرج المرعى فجعله غثاء
احوى ويحيي نفسه حين لا سماء رب السموات والارض وما بينهما
وما تحت الثرى باني لا اقرب ولا ادنو ولا اتعرض لمن علق عليه
هذا الحرز والحجاب ابد الابدين الى يوم القيمة عهد سيم وحق الحنان
المنان البرهان السبحان القهار السلطان المهيمن الديان الذي
لا يشغله شان عن شان باني لا اقرب ولا ادنو ولا اتعرض لمن علق
عليه هذا الحرز والحجاب ابد الابدين الى يوم القيمة عهد سيم وحق من
خلق الخلق واحصاهم عددا وقسم الرزق على العباد ولم ينس احدا فالله
الواحد الاحد الفرد الصمد الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد
اني لا اقرب ولا ادنو ولا اتعرض لمن علق عليه هذا الحرز والحجاب
الى ابد الابدين الى يوم القيمة وصلى الله على محمد وآله اجمعين الطيبين الطاهرين الائمة
المعصومين برحمتك يا ارحم الراحمين

دوازده نام ام الصبیان جلوس شرفوس ادفس جبوتا ملموس
فربلوس هلوبا من البلاد ومغارب فی فرقدا جبون حبودا
اگر کسی را فرزند نباشد این طلسم بر پاره کاغذ بنویسند همراه زن [illegible]
در آب اندازند [illegible] شود بخورند فرزند [illegible] شود بفرمان حق تعالی مجربست
٩٩ ١١١١١٩٩٥٥١١٩١١
ایضا اگر زن را فرزند نشود
این طلسم بنویسد بگردن بندد چندانکه [illegible] بر سد مجربست
علی علی علی علی علی و و و و و ہ ہ ہ ہ ہ ہ
هو هو هو هو هو لہ لہ لہ لہ لہ هو سبی هو هفو ها عنا ا
العجل العجل الساعة الساعة الوحا الوحا دعا دوازده [illegible]
میگوید بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام عرض کردم [illegible]
که بجوانان بعد از نماز دیگر [illegible] ابو حمزه گفت که [illegible] خوب شود دعا [illegible]
یا اجود من اعطی ویا خیر من سئل ویا ارحم من استرحم ارحم ضعفی
وقلة حیلتی واغننی من [illegible] هر کس بنویسد [illegible]
از [illegible] طفلان که طلسم [illegible] طلسم
بر پاره کاغذ بنویسد [illegible] از آن کاغذ [illegible]
[illegible] فرزند [illegible]
و طلسم اینست

[illegible]

التحل الشاعة جهت ...

نوشته و در آب اندازد تا سه روز در ... بنوشید مجرب است کهیعص الکفی حمعسق اشحبنی سبحان الملک القهار القاهر

[illegible] جهت ...

که تب داشته باشد این شکل مربع نوشته و در زیر سر بیمار کند انشاء الله تعالی شفا یابد تعویذ ... نوشته در سر بندد مجرب است

یا شافی

[illegible]

هرکه این آیه نوشته در زیر سر کند انشاء الله تعالی ... باشد در خواب خواهد دید اما باید با وضو باشد مجرب است

[illegible] جهت ...

که ... باشد مجرب است بر تخم مرغ سیاه بنویسند این آیه ... نصفی را ... بخورد و یکی ... و یک تخم ... که ... ناحق کرده باشد دو نصف ... هر یک نصف ... بخورند تخم ... بخورد این آیه بنویسند فالتقی الماء علی امر قد قدر ... تخم مرغ ... این آیه بنویسند مرج البحرین یلتقیان ... بخورند بنویسند وترکنا بعضهم یومئذ یموج فی بعض ونفخ فی الصور فجمعناهم جمعا

جهت ... نوشته ... بخورد ... مجرب است بسم الله الرحمن الرحیم عقد ... عقد ... عقدت ... عقرس عقرس عقرس

[illegible]

این آیه را نوشته ... جهت ... رب اشرح لی صدری ویسر لی امری واحلل عقدة من لسانی ...

نفقهوا قولي امسكن ايها الوجع بامر الله تعالى لا حول ولا قوة
الا بالله العلي العظيم از براي دفع ضربه كوفتنه بنويسد اين كلمات را
بباو بنويسد هر كه محفوظ بماند از جميع علتها انديشه و غيره بسم
الله الرحمن الرحيم بسم الله من جميع الآفات والعاهات والبليات والسقمات والسطوات اعوذ بالله من شر
الجن والانس من النعم يا تمخيشا يا طشميشا يا هاهار
يا حق حرمت لا اله الا الله محمد رسول الله صلى الله عليه
وآله وسلم وبحق حرمت كهيعص وبحق حرمت حمعسق
لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم اگر كاو يا عورت بيش
كم شير باشند واين تعويذ را بنويسند در گردن او ببندند زياده
شود و دافع قول شير بسم ربسند يا حافظ يا ناصر يا معان
يا مالك يوم الدين مالك اياك نعبد واياك نستعين
برحمتك يا ارحم الراحمين ايضا اگر ماده كاو بچه نگذارد اين
تعويذ را نوشته در گردن او بندد كبرد رفع لاشو البقرة وان
من الحجارة لما يتفجر منه الانهار وان منها لما
[illegible]
يشفق فيخرج منه الماء وان منها لما يهبط من خشية
الله وما الله بغافل عما تعملون جهت خاك خوردن طفل اين دعا
بر دل بنويسد از سورة است الذي اكل التراب الذين اعمالهم
كسراب بقيعة يحسبه الظمآن ماء حتى اذا جاءه
هر مرد كه زن او نكشتي باشد پس از چهار ماه اگر اين دعا را
در ميان هر دو پستان بنويسد خدا ودند عالم پسر كرامت فرمايد
اللهم اني سميته محمد اللهم ان قضيت لي بطنها شيئا
فاجعله ذكرا سويا صالحا امين اگر كسي خواب
نبايد بنويسد بر سر ببندد مجرب است بسم الله الرحمن الرحيم
سبحان الله ذي الشأن الدائم السلطان كل يوم
هو في شأن اللهم تسلط النوم عليها بمحمد وعلي و
فاطمة والحسن والحسين تسعة من ذرية الحسين عليهم
السلام وبرحمتك يا ارحم الراحمين امين يا رب العالمين
تمت بالخير والعافية ١١١٥ محمد ١١٨١

مواسته کر بایه بعد آن از یک بیت بر صورت کرد

[illegible]

فان مع العسر یسرا ان مع العسر یسرا فاذا فرغت

فانصب والی ربک فارغب [illegible]

یا حیوانات اگر آدم باشد [illegible] انگشت [illegible] بزرگ

[illegible]

نوع دیگر این شکل [illegible] چهار [illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم یا عباد الله احبسوا یا

عباد الله احبسوا یا عباد الله احبسوا [illegible]

[illegible]

اگر پرسند که روزه سنگ و تیغ

کرامت بگو که نصیحت شنیدن و فرمان بردار [illegible]

و التادان است اگر پرسند که قبله [illegible]

جواب بگو که بسم الله الرحمن الرحیم گفتن است اگر پرسند

که محراب سنگ و تیغ کرامت جواب بگو انگشت [illegible]

اگر پرسند که نماز سنگ و تیغ کرامت بگو که بذکر خدا

نماز کرد و [illegible] مشغول بودن است اگر پرسند که سنت [illegible]

چند که [illegible] تیغ کرامت جواب بگو که سنگ درویش [illegible]

[illegible] سنت است اذا الجنة که حضرت صدر و بدر

کاینات محمد مصطفی صلعم برابر قناعت نفی [illegible]

مبارک کرد [illegible] و تیغ بر پهلو [illegible] واجب است

که مهتر جبرئیل علیه السلام [illegible] است اگر پرسند که [illegible]

[illegible] چند وصله است جواب بگو که هفت وصله

اول نوح و [illegible] دوم سنگ سیوم تیغ چهارم

مقراض پنجم امبور ششم نیشتر هفتم آینه

اگر پرسند که این هفت وصله از که مانده بگو که نوح

و [illegible] از حضرت سلمان فارس مانده است

مواسته گر بایه بعد از آن یک بیخ ... صورت کرده

دعا بر ... ماده گاو بکن زند ... بر شاخ ماده گاو ...

اما ... باید از شیر ماده گاو تناول نماید بعد شروع در

نوشتن ... مجرب است للمع ... الله ... و ...

[illegible]

و ... ۱۱۱۶ ... ٢ ...

فان مع العسر یسرا ان مع العسر یسرا فاذا فرغت

فانصب والی ربک فارغب جهت بول گرفتن ادم

یا حیوانات اگر ادم باشد این شکل بنویسد انگشت پای بزرگ

بنویسند اگر حیوان باشد بر سرش او بنویسند فی الفور گشاده شود

... X ... ٧ ...

نوع دیگر این شکل ... بر زمین کشیده چهار بار بالای

ان خط بکر داند ... شود

سماوی سماوی

دا حی

پرد سوی

بجهت ... نوشته ...

... بسم الله الرحمن الرحیم یا عباد الله احبسوا یا

عباد الله احبسوا یا عباد الله احبسوا ... و ...

... لله الاول الاخر والی الله ...

... یا حنان یا منان یا ذوالجلال

والاکرام

اگر پرسند که روزه گشاده از تیغ

کدامست بگو که نصیحت شنیدن و فرمان بردار السرا

والتادان است اگر پرسند که قبله ...

جواب بگو که بسم الله الرحمن الرحیم گفتن است اگر پرسند

که محراب سنگ و تیغ کدامست جواب بگو انگشت مسبحت

اگر پرسند که نماز سنگ و تیغ کدامست بگو که بذکر خدا

تبارک و تعالی مشغول بودن است اگر پرسند که سنت و وا

جب سنگ و تیغ کدامست جواب بگو که سنگ در پیش کنند

سنت است اذا الجنة که حضرت صدر و بدر

کاینات محمد مصطفی صلعم بر از قناعت نفس از

مبارک قول البته اند و تیغ بر پهلو بستن واجب است

که حضرت جبرئیل علیه السلام بسته است اگر پرسند که النشاک

تر اش را چند وصله است جواب بگو که هفت وصله

اول نوح و نگبند دوم سنگ سیوم تیغ چهارم

مقراض پنجم امبور ششم نیشتر هفتم آیینه

اگر پرسند که این هفت وصله از که مانده بگو که نوح

و نگبند از حضرت سلمان فارس مانده است

وسنگ وتیغ از بابا جی قلندر مانده است و مقراض از
مهتر ادریس ع مانده است و انبور از ابو عبیده جراح
مانده است و نیشتر از جهل تن مانده است و آیینه از
سلطان سکندر ذو القرنین مانده است اگر پرسند که تیغ
نکسند بندی چه میخوانی که قوله تعالی بعاد نبشکی وفی
آیة الله اکبر اگر پرسند که چون سنگ بندی چه
میخوانی جواب بگو که قوله تعالی تیز دمان تجب وما لا
تقبل القدیم الله اکبر اگر پرسند که تیغ
بر بندی چه میخوانی جواب بگو که قوله تعالی ان الله
فاطر الله الله اکبر اگر پرسند که چون مقراض
بندی چه میخوانی جواب بگو که قوله تعالی وجعل الیه
الامور بالخیر والحسنی و چون انبور بندی
بگو لوح الله مبارک به و افاده الله الله اکبر
اگر پرسند که چون نیشتر بندی چه میخوانی جواب بگو که قوله تعالی
[illegible] الحجامت و تقضی النبی امت فیما
لهما [illegible] الله اکبر اگر پرسند که تیغ آیینه بندی
چه میگوید

چه میگوید جواب بگو که صلی الله علی سیدنا محمد
واذ ما لنا وکنا وصلی الله علی خیر خلقه محمد
وعلی آله واصحابه اجمعین برحمتک یا ارحم
الراحمین اگر پرسند که در اندام چند موییست جواب بگو
که یازده موییست اگر پرسند که چند مو حلالست
و چند مو حرامست جواب بگو که هفت مو حلال و چهار
مو حرام و مو چهار که حلالست اول موی سر است
دوم موی ابروست و سیوم موی پلکست چهارم
موی سبلست پنجم موی ریشست ششم موی
سبلت است هفتم موی دوزان اگر پرسند که موی سر
چه تسبیح میگوید جواب بگو که فتبارک الله احسن
الخالقین الحمد لله رب العالمین اگر پرسند
که موی ابرو چه میگوید جواب بگو که یا کریم
المعروف یا لا حنان اگر پرسند موی پلک
چه میخواند جواب بگو که میگوید یا حنان یا منان
القدیم اگر پرسند که موی سبلت چه میگوید

جواب بگو که یا حی یا قیوم یا بدیع السموات و
الارض یا ذو الجلال و الاکرام اگر پرسند که موی
ریش چه میگوید جواب بگو که یا ستار العیوب و یا
غفار الذنوب اگر پرسند که موی سینه چه میخواند جواب
بگو که یا سبوح یا قدوس یا رب الملائکة و الروح
اگر پرسند که موی ساق پا چه میگوید جواب بگو یا قهار و
یا جبار القدیم برحمتک یا ارحم الراحمین
اگر پرسند چون مسلمانان از ترتیب حج فارغ باز بگو
محلقین رؤسکم و مقصرین لا تخافون در
اثنای آنکه در کردن انداختن چه میخوانی بگو
علیه توکلت و الیه انیب اگر پرسند که در سر [illegible]
آب بریزد چه میخوانی جواب بگو قوله تعالی
ان الله لا یضیع اجر المحسنین اگر پرسند
که چون سر بمالی چه میخوانی جواب بگو قوله تعالی
و لا تزد الظالمین الا تبارا اگر پرسند که چون
انغلاق میکنی چه میخوانی بگو قوله تعالی لا اله
الا الله

الا الله تصیر الامور اگر پرسند که چون پاکی در سنگ میزنی
تو چه میخوانی و سنگ تیغ چه میخواند جواب بگو یا هو یا
و سنگ میگوید که یا حی و تیغ میگوید که یا لا اله
الا هو اگر پرسند پاکی بر سنگ زدن چون سنگ در
بالوی چه میخوانی جواب بگو که قوله تعالی فسیکفیکهم
الله و هو السمیع العلیم اگر پرسند که چون پاکی در
سر اندازی بوسیدن آلت چه میخوانی جواب بگو بسم الله
الرحمن الرحیم الحمد لله و لا اله الا الله و
الله اکبر اگر پرسند که جانب چپ تراشیدن چه میخوانی
جواب بگو که بسم الله و بالله و توکلت علی الله
و علی امة رسول الله و الله اکبر اگر پرسند
عقب سر تراشیدن چه میخوانی جواب بگو که بسم الله
و رب الاخذ [illegible] رب الاحد الصمد
و الله اکبر اگر پرسند چون جنس سر تراشیدن تمام کنی

چه میخوانی جواب بگو که الحمد لله الذی شرفنا
بالبدایت والنهایت الله اکبر اگر پرسند
چون کمر فتش درست شد چه میخوانی بگو که اشهد
ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا عبده ورسوله
اگر پرسند که چون استره در جرم زنی چه میخوانی جواب
بگو که حسبی الله لا اله الا الله اگر پرسند که موی
لب را میگیری چه میگوی جواب بگو که قوله تعالی یخرج
الحی من المیت ویخرج المیت من الحی اگر پرسند
که چون موی لب را گرفتی چه میخوانی بگو قوله تعالی
سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له
مقرنین اگر پرسند که چون موی حلقوم را میگیری
چه میگوی جواب بگو که قوله تعالی اذا بلغت التراقی
من الحلقوم اگر پرسند که چون مقراض در دست
میگیری چه میخوانی بگو که قوله تعالی والله یهدی
من یشاء الی صراط مستقیم اگر پرسند که چون
که موی چینک

که موی چینک بدست میگیری چه میخوانی جواب بگو
که قوله تعالی یا ایها الذین آمنوا استعینوا بالصبر
والصلوة اگر پرسند که چون لنگ از کردن بگیری
چه میخوانی جواب بگو که لا اله الا الله علیه
توکلت والیه انیب اگر پرسند که چون ناخن
دست راست ببری چه میخوانی جواب بگو الحمد لله
علی کل حال اگر پرسند که ناخن دست چپ را بگیری
چه میخوانی جواب بگو که قوله تعالی والله علی کل شیء
شهید اگر پرسند که چون ناخن پای راست
ببری چه میخوانی جواب بگو که حسبنا الله ونعم
الوکیل اگر پرسند که ناخن پای چپ را ببری چه
میگوی جواب بگو که دین الله اکبر اگر پرسند
که چون ناخن پای چپ را ببری چه میگوی جواب بگو
که نعم المولی ونعم النصیر اگر پرسند که چون

ناخن یا رجب را گرفتن چه میخوانی جواب بگو که قوله تعالی
فاغشیناهم فهم لا یبصرون اگر پرسند که چون
حامی کنی چه میخوانی جواب بگو که یا ایتها النفس
المطمئنة ارجعی الی ربک راضیة مرضیة
وجود از خادمی فارغ شوی چه میخوانی جواب بگو که
فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی اگر پرسند که چون
آیینه بر دست مخدوم بدهی چه میخوانی جواب بگو فتبارک
احسن الخالقین رب العالمین و انگی آیینه
بر دست گیرد صلوات بر خواجه کاینات بفرستد که اللهم
صل علی محمد و آل محمد و سلم علیه و بارک اگر پرسند
که چون آیینه در غلاف کنی چه میخوانی جواب بگو که یا سبوح
یا قدوس یا رب الملائکة والروح و انگی آگر
تراشیده باشد چون دستار در سر نهد سه مرتبه دو کلمه شهادت
بر زبان براند اگر پرسند که پیش آیینه و عقب آیینه چیست
جواب بگو که پیش آیینه ورقست و عقب آیینه مولیست
اگر پرسند

اگر پرسند که در دست راست آیینه چیست و در دست چپ
آیینه چیست جواب بگو در دست راست آیینه هشت طبقه
بهشت است و در دست چپ آیینه هفت طبقه دوزخ است
اگر پرسند که فوق آیینه و تحت آیینه چیست جواب بگو که
فوق آیینه هفت طبقه علویست و تحت آیینه هفت
طبقه سفلیست اگر پرسند که آیینه چند پر دارد جواب بگو
که پنج پر دارد یعنی پنج دست آدمی پنج آیینه ماست
اگر پرسند که استاد کمر ترا بست چه گفت جواب بگو
که بنشینی بعزت و حرمت و برخیزی بخدمت و حکمت
اگر پرسند که میان چند گره هست جواب بگو که سه گره یکی
سلمانی و یکی نعمانی و یکی سلمانی اگر پرسند که سلمانی
و نعمانی و سلمانی کدام است جواب بگو که سلمانی
شریعت و نعمانی طریقت و سلمانی حقیقت است اگر پرسند
که سر پا لنگ چه میخوانند بگو که سر لنگ لا اله الا الله
و پای لنگ محمد رسول الله میخوانند اگر پرسند که

چند بر حسب بگو که آن شش جهت است اگر پرسند که لنگ
چند است جواب بگو که لنگ یکی و دو است که صاحب
اصناح یک لنگ لازم نیست اما لنگ چهار لنگ
اصلیست و دانست که چون آدم عم نافرمانی کرد
و گندم خورد و لباس او از تن او فرو ریخت برهنه در
ختن که در بهشت رفت پناه خواست و هیچ یکی او را پناه
نداد و او را گفتند که تو بیفرمانی کرده ما پناه بخشیدنی
نیستیم مگر درخت انجیر که از خود برگ داد و گفت که پس از
که خدا تعالی عزیز گردانیده است هر که خار نمیگرداند ای
آدم تو عزیزی بیا از من پناه بستان آدم عم از ان
بستند و یکی را لنگ کرد و او را لنگ اصلی نامیده اند و
بقول دیگر لنگ او را لنگ و تسبیح را مهتر جبرئیل عم
از بهشت آورد که پیش از آدم علیه السلام بیست هزار
سال پیش قدرت خود نور محمد صلعم را آفریده بود و دویم لنگ
وصلیست که چون حضرت خاتم النبیین در صحبت چهل
تنان واصل شدند و چهل تنان از دستار آنحضرت
یک کم چهل لنگ گرفتند و دستار حضرت عم همچنان

برجای خود بود

برجای خود بود برکه از صاحبش زیاده آمد که حضرت
او را تقسیم کرد دو برابر لنگ شده است و سیوم لنگ
صفالست که از چهل تنان مانده است و چنین روایت
کنند از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که
پادشاهی بود در مغرب زمین و او را خدای تبارک
و تعالی دو دختر داده بود و چهل دختر در خدمت
انها بودند و در ان شهر مردی شعیب نام او هم دو دختر
داشت صاحب جمالی و منور آن دو دختر روزی جهت
ابدولت رفته بود و پاره آئینه در کنار دیوار بود گرفت
و خود را پاک کرد و از قضای الهی از پاک کردن ان
حمل بر وی ظاهر شد تا بعد از نهم ماه خدا تعالی وی را فرزند
کرامت کرد القصه این حکایت در همه جا اشکار شد
و هر چهل دو دختر که در خدمت دختران پادشاه بودند
از دختران رخصت گرفته به دیدن دو دختر رفتند ایشان
دیدند که دختر شعیب پسر نیکو جمالی دارد که از حسن او
آدم الخانه منور گشته است پس کلان آنخانه دختران
از محبت آن پسر را از بغل مادرش بگرفتند و از شوق

بوسه بر رویش میدادند و همچنان هر چهل در خانهٔ
یک یک در بغل میگرفتند و بر رویش بوسه میدادند
بحکم خدا تعالی از بوسه دادن آن هر چهل در خانهٔ
دختر حامله شدند و چون این خبر بسمع دختر پادشاه
رسید و معلوم کردند که تمام دختران بارور گشته اند
پادشاه را از آن حال آگاه کردند و پادشاه را اعراض
گشت و گفت راست گویند که حمل از کجا بر شما ظاهر
شده است دختران گفتند که ای پادشاه ما هم از غیب
پاکیم و پادشاه قبول نمیکرد و همه را بکشتن اشاره نمود
اما وزیران گفتند که زنده کانی پادشاه دراز باد اینها
تقصیر خود نمیکنند و سخن از قدرت میگویند و موافق
شریعت چون اینها لازم نمی آید لاجرم در کنار این
گنبد بست اینها را انجا بنشانند تا هم انجا هلاک
شوند پس پادشاه فرمود هر چهل دختر را در آن گنبد
انداختند و در آن گنبد را محکم بستند و آن گنبد نو
زاد وار گفتند و چون نه عده حقتعالی بر آن بلا هر
چهل دختر بار

بار بر زمین نهادند و غایب شدند پس دختر بکر را نهاد که
که دو شب بزه بودند و فرزندان آوردند و در گرد عالم
میباشند و هستند و حضرت جبرئیل بحکم رب
جلیل بایشان طعمه میرسانیدند تا بزرگ شدند بنوبت
هر که ایک روز برای پیرسید تا پرسید تیر میرفتند و در
چهل تن یک لنگ بود که هر کدام از برای فقر میرفت
میبست و باقی تا کمر در خاکستر نشسته بودند و او
آن لنگ بود که دختر کلان رو بالی داشت فرزند خود
در آن پیچیده بود و غایب گشته بود و آن روزی که
حضرت صلی الله علیه و آله و سلم در صحبت چهل تنان رسیده
از روز آن لنگ را سلمان فارسی که کوچک چهل تنان است
بسته بود و بفقر رفته بود پس لنگ صفا همان لنگ است
که از سلمان مانده است و چون حضرت پیغامبر صلعم و آله و سلم
از صحبت چهل تنان بیرون آمد همراه سلمان فارسی
و مهتر جبرئیل چهار تیغ و یک لنگ بایشان داد
که او را لنگ وفا خوانند حضرت آن لنگ وفا سو

بجوان مرد قصاب دادند اگر پرسند که کیست انجاست
جواب بگو که از کلهٔ آنگوسفند است که برای قربانی
مهتر اسماعیل ع آوردند و آن چرم با او استره میزنند
از کلهٔ همان گوسفند است اگر پرسند که سر تو با ذن که
میتراشی جواب بگو که با ذن صاحب کسوت میتراشم
اگر پرسند که کسبِ تو مرده است یا زنده جواب بگو
که هم زنده است و هم مرده اگر پرسند که چگونه جواب
بگو که تا در کمر دارم و در کار است زنده است و چون از
کمر گشودم و بر جای ماندم مرده است والله اعلم بالصواب
هر که خواند دعا طمع دارم ۰ ز نیکو من بسید کنه کارم

بسم الله الرحمن الرحیم دعای درد
سر ا بسر شو منا لذکر منی اکان علیهم السلام

ھ ۱۱۱ ھ ۹۱۱۱ ھ ده هر

نه هر حوض خوا رهدر رم رحمی

از جهت درد گلو بخواند بخورد که کنار بیمند نفت شود

اللهم انی اسئلک یا سمک یا الله یا رحمن
یا سمک الذی یا الله الا الله
یا رحیم الرحیم

۷	۲	۵
۵	۷	۲
۲	۵	۷

اگر کسی بسته باشند نویس این طلسم بر تخم مرغ سیاه و تخم
در میان دیگ خطا انداز د تا تخم بطرکت کس کشود

نول الله لقا ح ح ۱۱ ام ۳ ۱۱۱۱۱۱ مرغ دیگ بر خفه

بخواند و بدمد به اگر که دهد
بخورد باقی یا قیوم یا رحمن
یا رحیم تمام شد

ولا قوة الا بالله العلی العظیم
۸ ۱۱۱۱ ع

[illegible] ذکر [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible] کتاب [illegible]

[illegible]

اللهم انی اسئلک [illegible]

[illegible]

[illegible] اللهم هذا [illegible] المبارک [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۱۱ [illegible]

[illegible]

الله لا اله الا هو الحی القیوم لا تاخذه سنة ولا نوم له ما فی السموات [illegible]

[illegible]

یا حی یا لطیف یا کافی

الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین

اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم

غیر المغضوب علیهم

ولا الضالین

بسم الله الرحمن الرحيم

الم ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى للمتقين
الذين يؤمنون بالغيب ويقيمون الصلوات
ومما رزقناهم ينفقون وآية الكرسي بخواند
تا باخر وبعد ازان اين دعا بخواند هو الله الذي
لا اله الا هو عالم الغيب والشهادت
وهو الرحمن الرحيم بسم الله الشافي بسم الله
الكافي بسم الله المعافي بسم الله الذي لا
يضر مع اسمه شيء في الارض ولا في السماء
وهو السميع العليم بسم الله الرحمن الرحيم
قل اوحي الي انه استمع نفر من الجن
فقالوا انا سمعنا قرآنا عجبا يهدي الى
الرشد فآمنا به ولن نشرك بربنا احدا
وانه تعالى جد ربنا ما اتخذ صاحبة

والذين يؤمنون بما انزل اليك وما انزل من قبلك وبالآخرة هم يوقنون

و لا بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله
الجلیلة جبارا ملکا قهارا شمسا قمرا
لیلا و نهارا ملک الدورا باسم ملک
جبار شما کر با کا سیل شما کر دینو ادین شما کر حاذرا
سیل شما کر غا بیا بنیو شما کر ایمان بخدای
عز و جل داریو بترسیو وازین غالب بیرون
آئیو و اگر نه شما بکیرم و بسوزانم بحق آن نام
که آدم علیه السلام خوانی صفی گشت و بحق
آن نام که نوح خوانی نبی گشت و بحق آن نام که
ابراهیم خوانی خلیل گشت و بحق آن نام که موسی خوانی
کلیم گشت و بحق آن نام که محمد صلی الله علیه
و آله و سلم خوانی حبیب رب العالمین گشت
و بحق آن نام کلام عزایم میکنم ایکروه دیوان
و پریان و جنیان و ام الصبیان و حبشی

و دیگر و ترس

و دیگر و ترسا و جهود و ترسا و نصرانی
و کرجی و قتنا نادی وادمینی مقیلا لا
جلنادا اور سی جبر کسی حبشی فرخی
زنگی و زنگانی مشرقی و مغربی هر جا
که هستید عزایم در بیتی دادین و در
کار منی تعجیل کنید و شتابی بیرون
آئیو و بحق آن اتش در هوا شوید بحق
آن خدای که آفریده هژده هزار عالم
و بحق عرش و کرسی و لوح و قلم و بحق
خدای عز و جل و بحق سلیمان ابن
داود علیه السلام بسم الله و بالله
علی الله من دیتی اگر جهود داینی بحق
توریة موسی اگر ترسا اینی بحق انجیل

دو طاسی آب عجب ۱۳۸۰ و این طلسم نیز بیت بیمار

عیسی را کر بیهوده اند بحق زبور داود و ذاکر
سلیمانند بحق فرقان محمد المصطفی صلی الله علیه
وآله وسلم هر جا که هستید عزایم دریش دارید شنوید
بسم الله اسکن بعزة الله اسکن بقدرة الله
اسکن ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
بند کردم باین آیات که جمله دیوان و پریان را م ا
لقیبا و جنیان بفرمان خدای عز و جل و بحق
هزار یکنام خداوند تعالی و بحق صد و بیست
چهار هزار پیغمبران مرسل و نامرسل و بحق شهیدان
کل دروان زمین و بحق آصف بن برخیا که عهد
قبول و شما ها قبول کنید و خطا مکنید و بگذرید
این بنده خدا را و بحق تمام دیو و بحق جبرئیل
و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و بحق حملة
العرش که حمل عرش کنند ربکم فوقهم یومئذ
ثمانیة و بحق آیة الکرسی اخرج باذن الله
تعالی ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
حق

بحق صد چهارده

و بحق صد چهارده سوره قرآن و بحرمت
لا اله الا الله محمد رسول الله صلی الله علیه
وآله وسلم و بحق علی ولی الله و فاطمه زهرا
و امام حسن و امام حسین و بحق شهیدان
کل دوری زمین کی بلای پر بلا و سوره طه و بحق
و یس و بحق زی حی القیوم انما امره
اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون فسبحان
الذی بیده ملکوت کل شیء و الیه ترجعون
اخرج اخرج اخرج الکریبا ادمنج لحج لله
بالشر ابند عادا ابر سر بند و بعد از بسم و عزرائیل
و میکائیل و جبرئیل و بحق علی
نقلست
در جواهر القرآن بجهت دفع وسوسه و حفظ از بلا تا ورکشده
کار بسم الله باین طریق مربع
درج کنند در شرف آفتاب با کم
از زعفران زرد و ...
با شما نماز باشد با طهارت
باشد

الرحیم	الرحمن	الله	بسم
بسم	الله	الرحمن	الرحیم
الرحمن	الرحیم	بسم	الله
الله	بسم	الرحیم	الرحمن

از طالحین سالکین سن السعید تجربه شد این دعا برای

اگر برای طفلی که نزود و بگیرد در آب بمالند

و بر بدن طفل بریزند ۳ ۱۱۱ ۲ ۱ ته ۱۸

و نیم را ببندند تا بزرد ۹ ۳ ۱۱ ۸ ۲ ۸ ۱ ا

سیم را بر طفل ببندند اسماعیل اود اکس بشماه دینة

دلا نور السموات و ما فی الارض و لا یشود حفظها

و هو العلی العظیم یا شتادیت یا مستعیع

مستعیع یا الله یا ارحم الراحمین یا اکرم الاکرمین

مقیم و حفظه من جمیع البلاء بحق محمد صلعم

و آله و اصحابه اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین

حفظها الله تعالی باسم فلان ۱۱۱۱ لا

ابن فلان را بنویسند برگردد و بزرد

و اگر ... زاید و گریه ... شود این نوشته را بر گردن

او ببندند شفا یابد جلیسوس اد دوس ملیوس

ساد س بر طوس سلومانس الیفا و صادر املوف

جلنود کرم ملح بنویسند در میان ...

صل بیا ... دفع شود بعد از بسمله سبحانک دائم

القایم سبحان الله الخالق الاعیان سبحا

ن الله

پس نوشته مثال زراعت نیاد بیزد از آفت پس محفوظ مانند

ن الله الباری الباسط سبحان و بحق عمر یصفون

آآ ص ا ا م ۱۱۱۱ ه ق

مانند فرزند و ...

یا سه ماه یا چهار ماه از پیشت ضایع شود این نوشته را

با خود ببندد

اسماعیلی علی علی علی اسماعیلی حل علی

طل علی صل علی

جل علی طل علی صل علی حل علی صل علی ا ا ه ا ه

ا ا ه ا ه ا ا ه ا ز د ه ا ا ه ا ه ا ه ا ا ه ا ه ا ه ا ه ا ه

ده ده سس سس سس سس دو دح عالی

علو و کشادم و فتح کردم بحق نستعین

دعای نیشت بند زنان حامله ببندد و فرزند از رحم

خطا نشود بعد از بسمله بنویسد و بر کمر ببندد اللهم یا کا

شف الضر والالم یا خالق اللوح والقلم و جاعل الظل

والظلم نقنی من کل هم و غم سبیلی و اکرم برحمتک

یا ارحم الراحمین اللهم احفظ صاحب الدعوة

بحق هذه الدعاء و تعظیم برحمتک یا ارحم الراحمین

و بعد از ان این دعا بر پشت ببندد ماه اول

۲۰ ۹ ۹ ع ۲ ۲ د م ۶ ۵ ۵ س ۳ ع ۱ ۱ ۲ ۳ ۱ د د ۷ ۲ ۱ ۶ ۵

... محمد ابراهیم بن ...

ماه دوم ط ١١١١ سلا لدلد سس ل ٤ م و ع م

ماه سیم ع ع ا سو ع علا ا د ا ح

ماه چهارم ط ٣ ٣ ٩ ٩ ا س ١١١١ ه ٥ و ٥
و لا ا سو سو ک ل

ماه پنجم سو سو ٥ و سو س ١١١ ٩ ٥ و ٥ ٢

ماه ششم سو ع ا سو سو و ٥ ع د د سو

ماه هفتم ١١ ا م د د سه و الا ع ماه هشتم

ماه نهم ١١٥ ٢ ١ ١١ و دهم ١١١١ ٥ ٣ ٢ ١١ ٩ ٩ دو لا ص ع

غبار اگر کسی در چشم غبار ... شته باشد بنو
یسند بر چشم او بزند حیوانات مثل گاو و گو
سفند وغیره بچه خود را نگیرد و یا
شیر ندهد این نقش را نوشته
بر گردن ... ... بندند
بچه خود را بگیرند

ه	م	ع	سو
ع	م	م	و
لا لا	اکس	يم	١

اگر کسی را سفیدی در چشم افتد بنویسند
در چشم گذارد

١١ ١١ ا ع او ام ان هو اصا ١٥ ع ١١١١ سو علم ١١١ ع
سه ١١٥ ١١

سه ١١٥ ا ... ١١ ا ان طل ٥ ١١١ ا ع ١١١١
بجهت گم کسی این دعا را در روز چهارشنبه بر آب بخواند
و آن آب را بر در و دیوار بزنند بعد از بسمله بخواند قل اوحی
الی انه استمع نفر من الجن فقالوا انا سمعنا قرآنا
عجبا یهدی الی الرشد فآمنا به ولن نشرک بربنا
احدا برحمتک یا ارحم الراحمین دعا اگر کسی را سر درد کند
در دل یاد ... ... بنویسد این نقش نامها
در گردن بندد بعد از بسمله ... ... یا
... ...
یا ... ... ١١١١ م ١١١١ هو این طلسم
بعد هر دعا بنویسد از برای هر حاجت بسیار خوب است
ه ١١ م ١١١١ ع ٥ بچه گریه کرده کلان تو
باد دارد بسم ... ... هی هی هی قق وش
قق وش قق وش قق وش قق وش بچه گریه فلان
ابن فلان ... سر ماه طفلان این دعا را بر ...
کاغذ نوشته یکی را دو وقت زرد ... با موی گربه سیاه
در زیر طفل دود کنند و ٢ دود کنند و یکی دیگر را در
آفتاب زرد ... با موی گربه سیاه دود کنند ...

ولٓ صاصون صاصون دوبٓم ویاصون اطلس
مطلس یٓ المامليا رياها دعا ابد وکل افستان

السامی السرم بالعرس س
اد لوس اس ماوس

دعا دو بیرز جبی در
خانه کی کژ سنگ بینداز د و
این مربع را نوشته در دیوار
خانه رو بقبله بالغر بزند سنگ انداختن برطرف شود

١١	١٣	١٦	٤
١ ٦	[illegible]	١٠	١٥
٦	١٩	١٢	٩
١٣	١٨	٧	٩٦

دعا جهت سرخ بنویسد برچوب
بندد و در میان زراعت بیا
ویزد فان مع العسر یسرا
ان مع العسر یسرا دعا

جهت ملخ بنویسد و در میان نی نهد و در جای ملخ بیا
ویزد بسم الله و رب السماء بسم الله الذی لا یضر و
مع اسمه شیء و لا فی السماء و هو السمیع العلیم
و ذات السموات یا من بیده ملکوت کل شیء و
الیه ترجعون دعا بجهت زنی در وقت زاییدن
بر قنو بنویسد بر گردنش ببندند اذنوس حلوس
مبوس حنون دلوس هلوس طلعص
اسوال دمادس صون صوحان

اگر کسی فرزندش نماند بنویسد بر شیخ کو و کهنه دفن کنند

سعت ٩	سعت عالیه	٣ ١١ ١٤ ٩٥ و ب
سعت الابیع ما د	الحی الرصد دحت	

دعا خوک از برچوب
بیده بنویسند و در کنار زمین بیاویزد دعا شغال گربه گرگ و نه
بعد از بسم الله الرحمن الرحیم الم تر الی الذین خرجوا من دیارهم
و هم الوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا و ترکنا
علیه ملیح ملیح و یکون لکم صبعا علی ما نبیلا در ض
دفع کی گردن و فلج بنویسد و بخورد
و لو نشاء لمسخناهم علی مکانتهم فما
استطاعوا مضیا و لا یرجعون و من نعمره ننکسه
فی الخلق افلا یعقلون دو شتی بود
طفل یا بزرگ بر چوب بنویسد و در خانه نگذارد
تا خواب بلا و عجز شتر برخیز بنگذ شوی التی
و انت لا تلقی اذهب علی ما یشاء
قد ما یشاء و بلاء کلهم عزیز برحمتک
یا ارحم الراحمین از بزار و در گوش کند
یا نجوا نو

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ
إِلَىٰ مَعَادٍ دعا اگر در میان کشت زراعت
یا در باغ علت الکرم پیدا شود یا در گوسفند بهر نوع
علت پیدا شود باید این دعا را نوشته در آب اندازند
و در باغ و گوسفندان بپاشند و در باغ زراعت
بپا ریزند علما عملا عملا عملا عملا هه هه هه
هه هه هه آه آه آه آه آه آه آه بیت
بیت بیت آهیا شرا هیا قدوس قدوس
قدوس آه آه آه آه آه آه آه یا ارحم
الراحمین دعا افسون مار و عقرب و هر جنبنده و
گزنده باشد قدری خاک بر گیرد بکف دست خود
هفت بار این دعا را بخواند و آن خاک را با آب
دهن خمیر کند و بجای گزیده مالد بتوفیق خدا
شفا یابد لیس کمثله طالب ولیس کمثله
غالب دعا اگر کسی دیوانه شده باشد این
بنویسد و آیه ... بخورد ... بعد از بسمله
السما السما السما السما السما السما سمعها
تمام شد

دعا از برای قبر کردن در میان خانه نقش را
بنویسد و بخور دهد و در زمین بر طرف شود بفرمان
خدای تعالی

و	هو	ح	نو
و	س	ح	ی
س	ہ	ح	ا
ص	ح	ی	ع

دعا اگر اسب یا ... در درد بگیرد این
حروف را با انگشت نقش کند بر زمین و اسب را بران بگردانند
البته شفا یابد
حروف اینست

ح	ه	و
نح	ا	و
ح	ب	ع
حا	٥	٥

دعا از برای دیو پری و جن
این نامها را بر بیضه ماکیان بنویسند و در آن مکان دفن کنند
و برا سفید بخوانند و بسوزانند دیو پری و جن
از آن مکان بگریزد و باز دنیا بیند اگر چه ساحا
در آن مقام بسر برده باشد و نامها بر زیر ...
اینست بعد از بسمله بخواند سبحان ذی الملک

الملکوت سبحان ذی العزة والعظمة
والقدرة والهیبة والکبریاء والجبروت
سبحان ذی الملک الحی الذی لا یموت
وهو حی لا یموت ابدا ابدا یا سبوح
یا قدوس یا رب الملائکة والروح بقی
بیضه اینست ط... در درد [illegible] دعا
یا طاها یا ط... در یا حمه یا طنا
بجهت مار [illegible] را این دعا نوشته بشوید
و بخورد او دهد و اگر مار گزیده نتواند که بخورد دیگری
که از نزد او آمده و خبر آورده بخورد او دهند دعا
اینست هیوق هیوق مطوق هه کلهم
و اگر ... گوسفند ... بر سه پاره قبر ...
بنویسند و در جای گوسفند دفن کنند ... آزموده

[illegible numerals and signs]

[illegible numerals and signs]

جهت درد ... بنویسند و بر سر خود ببندد از درد ...
و درد شقیقه ایمن ... مختلف ...

و برای لقوه

لقوه و باد ... بود از برکت ... بعد از بسم الله بنویسد
و لو ان قرآنا سیرت به الجبال او قطعت به الارض
او کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا تعالی ... لرزه از برای
... فایده ... بنویسد و برای ... ...
باز ... که احتمال دارد ... بفرمان خدا تعالی
عیسی حیة ولدت مریم ... ولدت عیسی علیه السلام
الا ولد اخرج بعزته وقدرته فلان بن فلان
جهت ... بر تخم مرغ بنویسد از شام ...
... بعد از بسم الله بنویسد شش هب ... جاعب
فخفت فعفت ما نفعت طا فسیکفیکهم الله وهو
السمیع العلیم وننزل من القرآن ما هو شفاء و
رحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین الا خسارا
کنت هذه ... الامر ... به الله و
لعظمة الله برحمتک یا ارحم الراحمین فی امان الله تعالی لا ...
... تخم مرغ ... دختر ...
... تخم مرغ
در زیر آتش ...
و پوست بیضه را در آب اندازد ... را بر دست راست

ببند امط امط و ککا محب محب محبه یا
صحها یا محبه یا محبه دعا کل جهت زبن فتح داشته باشد
یعنی بسته باشد و فتح نیاید این دعوا را با خود دارد و حیض
بعقد و در خواب بیاید ما شاء الله کان و لم یشاء لم یکن
اشهد ان لا اله الا الله علی کل شیء قدیر
و ان الله قد احاط بکل شیء علماً دعا کل درد سینه
بنویسد در گردن ببندد یا من خلقنی وسوّانی یا من
رزقنی وربّانی یا من اطعمنی وسقانی یا من
قربنی وادنانی یا من عصمنی وکفانی یا من
حفظنی وکلانی یا من آنسنی واوانی یا من اماتنی
و احیانی دعای از برای گشایش کار اسم مطلوب را
در خانه اول بنویسد و اسم طالب را در خانه آخر طلسم بنویسد
بعد از بسم الله نصر من الله و فتح قریب اذا جاء نصر الله
والفتح
اگر زن شو
که فرزند
بلامت نیاید
با فعله کار در
موبِ آن زن را
در زیر او دود کنند

جهت زنی یا حیوانی که فرزند ... این شکل نوشته بر گردن
ببندد

	٣	٣	٢١
٧	٨	۶	۵
یا الله	اعفو	١٩	٩
یا الله	فان	اعجب	رحمن سبوح

ارا ب الستی را حمد ... یا احد یا الصراط المستقیم

بندگرفته صلوات ... بر محمد و آل محمد ... و حکم

... و حکم ... از دست ...

افی فعلم احد من لا یعلم استحیر بحمد یا الله

بسم الله الرحمن الرحیم

الله الذی خلق السموات والا[رض]

ان ربکم ... علی العر[ش]

فی ستة ایام ثم استوی

یطلبه حثیثا والشمس

یغشی اللیل النهار

والقمر والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق

تبارک الله رب العالمین ادعوا ربکم تضرعا

وخفیة انه لا یحب المعتدین ولا تفسدوا

فی الارض بعد اصلاحها وادعوه خوفا

وطمعا ان رحمت الله قریب

دانستن بیماران

بجهت دانستن بیمار به ... اگر روز یکشنبه

بیمار شود از روز ... بحساب بگیرد تا بیمار و نام مادرش

حساب کند ... ۳۳ طرح کند اگر یکی ماند بهتر شود و اگر دو ماند

بمیرد و اگر سه ماند ... و اگر روز آدینه بیمار شود

[illegible] طرح کند بحساب بگیرند و ۳۳ طرح کنند اگر یکی ماند

... و اگر دو ماند بمیرد و اگر سه ماند [illegible]

شود و اگر روز دوشنبه بیمار شود ... بحساب بگیرند و ۳۳

طرح کنند اگر ... ماند بمیرد و اگر دو ماند بهتر شود و اگر سه ماند

... طول کشد و اگر روز سه شنبه بیمار شود ...

بحساب بگیرند و ۳۳ طرح کنند و اگر یکی ماند بیماری ...

طول کشد و اگر دو ماند بمیرد و اگر سه ماند بهتر شود

و اگر روز چهارشنبه بیمار شده باشد ... بگیرند و ۳۳ طرح

کنند و اگر یکی ماند بهتر شود و اگر دو ماند بیماری ...

طول کشد و اگر سه ماند بمیرد و اگر روز پنجشنبه بیمار شود

... بگیرند و ۳۳ طرح کنند اگر یکی ماند [illegible]

شود و اگر دو ماند بمیرد و اگر سه ماند ... طول کشد

واگر روز شنبه باشد شش بحساب بگیرد و ۳۳ طرح کنند
واگر یکی ماند بمیرد واگر دو ماند طول کشد واگر ۳ ماند بهتر
شود واگر کسی اول شب شنبه بیمار شود بر هد واگر نیم شب
بیمار شود کم برهد و آخر شب بیمار شود رنج وی قوی گردد اگر شب
یکشنبه بیمار شود بیم هلاک بود بیست یکروز بکشد بعد از آن
نیک شود واگر آخر شب بیمار شود بهتر شود واگر شب دوشنبه
بیمار شود اگر اول باشد خلاصی یابد اگر نیم شب باشد سی
روز بکشد اگر در آخر شب باشد کم برهد و بیم مرگ بود
اگر شب سه شنبه بیمار شود اگر شب باشد تا هفتاد نه روز بکشد
واگر در میان شب بیمار شود قوی بود بیم مرگ باشد تا چهل
روز بکشد واگر در آخر شب بیمار شود از علت بود مرض او خا
م باید بود اما امید صحت بود شب پنجشنبه بیمار شود تا هفت
روز بکشد و کمین سهل باشد واگر در میان شب باشد از حقیقت (?)
بیم باشد و کمین سهل بود واگر شب آدینه بیمار شود اگر اول
شب باشد دلیل کند که علت وی دیر کشد اما به شود اگر نیم
شب بیمار شود بیم بیشتر باید کرد طالع وی ضعیف باشد
بیمار را

بیمار روز بی طول کشد بیم هلاک باشد واگر در آخر شب بیمار شود
قوی گردد ولیکن بسلامت باشد اگر [illegible] شنبه
یکی ماند طول کشد اگر دو ماند به میرد
اگر سه ماند صحت یابد

اگر خواهی بدانی که بیمار شود از کدام طایفه ضرر رسیده نام
بیمار او و نام مادر او و بحساب ابجد بگیرد ۴ ۴ طرح کنند اگر
یکی ماند پری نازل بود و اگر دو ماند پری سلیمان بود اگر سه ماند
پری کبری بود اگر چهار ماند پری حبشی بود باب اگر کسی را
اجنه یا دیو گرفته باشد این نامها را بر کاغذ مصری بنویسند
تا بر سر وی دود بدارد در حال [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله [illegible]
[illegible] حسبنا الله نعم الوکیل نعم المولی ونعم
النصیر وصلی الله علی محمد و آله اجمعین اگر کسی را
[illegible] خواهی که بر گردد این آیه را بنویسند [illegible]
[illegible]
[illegible]



عزرائیل

باسم فلان بنت فلان

انا الیه راجعون

عزیمت رخصت نمودن لشکر

ای پادشاهان والی ملکان والی دیوان والی

پریان والی جنیان والی اهل القبیان والی فرشتگان والی

نیکان والی پاکان والی عالم غیبان بحرمت دم شما و

بحرمت قدوم شما بحرمت الجبرائیل که شما سوار آن عزیزید

[illegible] اگر جهود اید بحق توریت و اگر ترسا

اید بحق انجیل اگر مجوس باشید بحق زبور و اگر مسلمانید

بحق فرقان محمد المصطفی صلعم و بحق این چهار کتاب

که پاک کرده شد بحق دین شما و آیین شما و راه شما و رسم شما

و [illegible] شما و ملت شما و [illegible] شما و پیغمبر شما که [illegible] نظر

و [illegible] و [illegible] بیمار حاضر [illegible]

اید

اید بیابید بیمار بردارید [illegible] درد او را دوا کنید ای پادشاهان

والی ملکان والی فرشتگان والی نیکان والی پاکان والی

پریان والی دیوان والی جنیان این نادان را ببخشایید اگر

به شما بدی کرده از سر بیچارگی آن در کوی [illegible] گستاخی کرده باشد

مگیرید که الضعیف [illegible] زحمت شما [illegible] طاقت ندارد [illegible] درد

و درد [illegible] از بیمار بروید و داده [illegible] بردارید و بروید [illegible]

که شما [illegible] از [illegible] نادان [illegible] کرده شما باید

بکرم خود زحمت او ببرید و از سر تقصیرات او در گذرید ای

پریان والی دیوان والی جنیان بحق آن نامی که حضرت سلیمان

نبی بر دم موسی [illegible] و انگشتر [illegible] داود [illegible]

بحرمت موسی کلیم الله و بحق عیسی روح الله و بحرمت داود

خلیفة الله و بحق محمد رسول الله و بحق علی ولی الله

و بحق هزار یک نام خدای عزوجل و بحق صد و بیست و چهار

هزار پیغمبران مرسل و نا مرسل و بحق دوازده امام و چهارده

معصوم پاک و هفتاد و دو تن شهیدان دشت کربلا و بحق

[illegible] کمربسته [illegible] حضرت امیر المؤمنین علی ابن

ایس طالب که ایشانرا بو بشما شفیع می آوردم از شما درخواهم

که دعوت مرا اجابت کنید و این بیمار را دیگر پیشی از این

مرنجانید بلا توقف دم نقدم بود و اوکر کنید بزودی زود

دعوة مرا اجابت کنید مطیع و منقاد باشید فی هذه الساعة

عه وبحق عزمت علیکم یا تحیثا یا موشحیثا یا موشیطثا

وبحق اهیا شراهیا آذونی اصباؤت اخرج بحق

آدم صفی الله بحق شیث نبی الله وبحق نوح نجی الله

وبحق ادریس رفیع الله وبحق داود خلیفة الله

وبحق سلیمان سلیم الله وبحق ابراهیم خلیل الله وبحق اسما

عیل ذبیح الله وبحق یعقوب اسرائیل الله وبحق یوسف

صدیق الله وبحق موسی کلیم الله وبحق عیسی روح الله

وبحق محمد رسول الله صعم وبحق علیا ولی الله اخرج

من البدن هذه المریض وبحق لا اله حول ولا قوة الا

بالله العلی العظیم اخرجوا اخرجوا اخرجوا اخرجوا عزیمت بند

بند لشکر عزمت علیکم یا ارواح الجن وبحق شواظ

من نار و نحاس فلا تنتصران خذوه فغلوه

ثم الجحیم

ثمّ الجحیم صلّوه ثمّ فی سلسلة ذرعها سبعون

ذراعا فاسلکوه عقد تم عقد صحیحا صریحا

محکما مسکنا نکلهنا فی عقد الله وعقد رسول

وعقد سلیمان ابن داود عم بستم و بند کردم جماعت دیوان

و پریان و کبران و ترسایان و مسلمانان اگر نصرانیت

و اگر جهودان و اگر مجوسی و اگر اردواحیر و اگر قلندر

و اگر کوهسیر و اگر بری و اگر یمنیر و اگر جنوبیر و اگر شمالی

و اگر مشرقیر و اگر مغربیر و اگر هفتاد دو گروه خواهر دیوان

هر کس شما بو بستم و بند کردم بستم بقفل داود و بند کردم بمهر سلیمان

و ختم کردم بخاتم محمد المصطفی صعم و کلید او بروح الامین

سپردم تا من نگشایم دیگر نتوانند گشود بفرمان خالق تعالی تبارک

و تعالی بحق هژده هزار عالم بنام خدای عزوجل وبحق صد بیست و چهار

هزار پیغمبر مرسل و نامرسل که بیایید و هر کس عهد قبول کنید

و خط ملکنید از قول خدا و مکنید این بیمار بکلا دیر و بروید

و اینه و لو بیرید وبحق دین شما و مذهب شما و ملت شما

وبپیر شما و ببینی قدم شما و بحق انجدال که شما لو از نور آتش آفریده

فرمان برداری کنید از تن خواننده عزیمت بیرون رو بدر بحق

دین شما و من بپ شما و بحق ملت شما و بحق هذه العز بحت

و بحق حنان یا منان یا دیان یا برهان یا سبحان ال مبیح

الجهوی کافری مسلمانای دیوی و پریای ال عالم اروا

از صقیر کبیر انچه هستید بیایید ایه خود را بر گیر بد و برو بد

ترک این بیمار کنید دیگر مکروید و این بیمار را بحق سلیمان

بن عمر و بحرمت اذهبوا قبل ما قطعتم من لینة او تركتموها

قائمة على اصولها به چشم شما و بال شما و دست شما

و سر شما و نفس شما و نظر شما را بگیر شعیلو و لال شیو به

سبعون تحت تنش رک و چهار صد چهل چار پاره استخوان

و دو بیست بیست هفت پیوند جنیان را در حق خواننده

دعا فلان بنت فلان و بند کردم الیشان را به بند علی ابن ابی

طالب تا من نکشم کس دیگر نکشد بد و بحق محمد و آله

الامجاد دیم بسته باد گفت بند گفت بند عزیمت قسم

نامه شکر و سوگند میدهم شما را بد لوان و قسم میدهم

شما لو الر پریان

شما لو ای پریان و عهد میدهم بشما ای جنیان و ای ام الصبیان که بعد

علاج کنید و شفا دهید بیمار را دیو مرنجانید مترسانید مطرزنید

نه در خواب و نه در بیداری نه در روز و نه در شب نه در هفته و نه در ماه

نه در سال نه در جمیع عمر نه در تنهایی و نه در جمعیت خواننده

این عزیمت را بحق موسی و بحق عیسی و بحق داوود و بحق محمد

و بحق جبرائیل و بحق میکائیل و بحق اسرافیل و بحق عزرائیل

و بحق عرش و کرسی و لوح و قلم و بحق حاملان و کروبیان

و بحق محمد المصطفی و بحرمت علی المرتضی و بحق دوازده امام

و چهارده معصوم پاک صلوات الله و سلامه علیه و علیهم اجمعین

و بحق فرشتگان بحق تحمیدها و بحق لا اله الا انت الملک الحق

الذی لا اله الا انت بحق نقش الخاتم سلیمان ابن داوود

به دیوان را به پریان را به جنیان را به ام الصبیان را و

بحکم سلیمان پیغمبر و بحق آسمان و زمین و بحق شش هزار ششصد

شش هزار آیه کلام الله و بحق صد و چهارده سوره قرآن

مجید و بحق دویست چهل چهار هزار نقطه نبوت



برو شدن جن از بدن مریض

بحق والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره الا له
الخلق والامر تبارک الله احسن الخالقین الله رب
العالمین بدیع الجمال برح روح افتایل برح سروال ایل یب
عکائیل برح وبحق شماس تماس طهماس وبحق ام الجن
الصبه خانتوخ وبحق لا اله الا الله محمد رسول الله وبحق علی ولی الله ا
اضرج اضرج اضرج هر کاه جن بیمار بحث نکند به بیج نحو
از بدن او بیرون نرود باید که این طلسم را بنویسم کشته فوری
خونت بکردن خود بعد از اتمام حجت به بنود ... که
طلسم
کتب الف النیت وسو عللا ... ...

لا لا ... لا ... ... بجهت ... این
... بر زبان بنویسند و بر دل نهمت دهد در ظرف هر کس
بند ... ...
اگر خواهد که دختر را به نکاح خود در آورد این طلسم را
... ... بنویسند و بر پشت ... ...
بند و فی الحال ... شود در روز چهار شنبه بنویسند
العجل العجل ... ...
الصالح

بچه داری

الصالح عالی ... ... دعای ...
زنان ... شیخ یحیی ابن زکریا پیغمبر باید که زنی که او را
حمل نشود این عمل شوهر زن یا محرم زن باشد باید
که بنیت درست و اعتقاد ... این عمل را بر ... ...
بند در بدین نیت که ... ... یا ... هر کدام
که خواهد خدا تعالی ... کرامت کند ببرکت این عمل
بزرگوار ... یحیی ابن زکریا پیغمبر باید که من دیدم
و حساب کردم ... ... زن ... ... مطلب
حاصل شد ... ... پیغمبر باید که بعد از وفات پدرم این عمل
به ... زن دادم ... ... کرامت
کرد هر که شک آورد کافر گردد ... ... الله
بسم الله الرحمن الرحیم ولو ان قرانا سیرت
به الجبال او قطعت به الارض او کلم به الموتی
بل لله الامر جمیعا لله ملک السموات والارض
یخلق ما یشاء و یهب لمن یشاء ... لو انزلنا
هذا القرآن علی جبل لرایته خاشعا

منتقص عما من خشية الله وتلك الامثال نضربها
للناس لعلهم يتفكرون الله ولي التوفيق فتهجد
به نافلة لك عسى ان يبعثك الله مقاما محمودا
ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم برحمتك
يا ارحم الراحمين الفا اگر زنی اولادش در شکم نماند
یا بعد از متولد شدن برطرف شود ونماند از هفت
خانه همسایه قدری آرد ونمک بگیرد ودر شب جمعه بپزد
بیرون روست بنهد وصبح از نون خود باز کند دو رو
قبر که طفل در شکم باشد ودعای که میباید بر آب
بشوید واز آب این دعا آرد ونمک او خمیر کند ونیم
کرده نان بپزد ویک ماده [illegible] در پیش خود طلبد
و در پیش دامن خود کرده نان را بشکند [illegible]
تا بخورد بفضل خدا اولاد که از آن زن آید بهم رسد
بمیرد وطفل آن زن باقی ماند دعا اینست

٥٥٩٩٩

کا ۱۱۱۱۹۱۱۱ [illegible]

ماه ۸۸۱۸ ماه ماه یسر یا مولا

٨

صهـ ۱۱۱ م ۱۱ ک۱ [illegible] ه ۱۰ و دیگر این دعا
مینوید بموم بگیرد در قاب کند وقدری سیاه دانه در کیسه
کوچکی کند ودر پهلوی دعا ببندد و دود کردن خود که
واز خود جدا نکند وبعد از آنکه طفل متولد شد با بگیرد
طفل بندند دعا اینست بعد از بسمله دعا سنجره بنویسد
قریب من المحسنین با این طلسم بنویسند و آن زن
بر گردن بندد عاطا هماه همه هماده

کا ۱۱۱ [illegible] و [illegible] ۱۱۱۱ ۹ ه [illegible]

طعام ب ج ش وه ه الله کیمی بو بستی باشند
کم ایچ باب کن ده نکرد بنویسد این دعا او بر پوست پیاز
و [illegible] بر دامن او شخص دود کند کش دو کردد [illegible]
محافظ [illegible] جهت خون دماغ بنویسند و بر
پیشانی او چسبانند بسم الله الرحمن الرحیم یا آدم
سکن بعزة الله وقدرته وبحق آدم علیه [illegible]
بحق محمد وآل محمد علاج خون دماغ ترکیبی

بیفشارند و سه قطره آب در بینی چکانند خون باز ایستد

الفا و اگر خون کاو بود در بینی مالند باز ایستد الفا اگر
کسی بود خون از دماغ آید این دعا بنوشته در پیشانی او ببندد
مجرب است باذن الله تعالی

علاج یرقان یرقانی که چشم او
زرد گردد این شکل بنویسند
و در نظر او بدارند که بسیار
در وی نظر کنند یرقان نشود

یا دم بحق ا کم
صو لا دم ها ع
طلع هو یع

نابل شود

جهت درد کمر این دعا بنویسند
در کمر بندد شفا یابد از مورده
است قال لهم الناس ان
الناس قد جمعوا لکم فاخشوهم

۸	٤	و
٤	ه	۸
ر	۸	٤

فزادهم ایمانا ۱۱۱ه آ ۱۱۱ه ق

دعای آل زنان و نماز باقی جنبانان نوشته با خود دارد
اگر خوب شود بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی
اسئلک باسمک یا الله بحق تورات موسی و انجیل
عیسی و زبور داود و فرقان محمد صلی الله علیه
و آله وسلم

و آله وسلم بادین شکل بنویسند ۱۱۱ه ب
۱۱۱ه ت ۱۱۱ه ث ۱۱۱ه ج ۱۱۱ه ح ۱۱۱ه خ ۱۱۱ه د
۱۱۱ه ذ ۱۱۱ه ر ۱۱۱ه ز ۱۱۱ه س ۱۱۱ه ش ۱۱۱ه ص
۱۱۱ه ض ۱۱۱ه ط ۱۱۱ه ظ ۱۱۱ه ع ۱۱۱ه غ ۱۱۱ه ف ۱۱۱ه ق
۱۱۱ه ک ۱۱۱ه ل ۱۱۱ه م ۱۱۱ه ن ۱۱۱ه و ۱۱۱ه ه ۱۱۱ه
لا ۱۱۱ه ی ۱۱۱ه

دفع بسته شدن حیض بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله المبارک العظیم در آخر اول گذشته

بجهت زعفران بنویسند و بشویند و بخورد اگر کسی را
مار گزیده باشد این را بنویسند و بشویند تا بخورد در زهر او
بر آن کار نکند بفرمان خدای تعالی یا خاسی یا نواسی
و بحق محمد و آله اجمعین

از برای ارزق در چهار شنبه
بر دانه ارزق یک دانه گندم بخوانند و بیل و بعد از آن
بلند بنهد و بر زمین نمناک دفن کنند تا الله مزیحل شود
و ارزق مزیحل میشود مجرب است والله اعلم بالصواب
انستی یا وفی الله جهت غایب بنویسند

بسم الله الرحمن الرحیم

قل اوحی الی انه استمع نفر من الجن فقالوا انا
سمعنا قرانا عجبا یهدی الی الرشد فامنا
ولن نشرک بربنا احدا وانه تعالی جد ربنا
ما اتخذ صاحبة ولا ولدا وانه کان یقول سفیهنا
علی الله شططا وانا ظننا ان لن تقول الانس
والجن علی الله کذبا وانه کان رجال من الانس
یعوذون برجال من الجن فزادوهم رهقا و
انهم ظنوا کما ظننتم ان لن یبعث الله
احدا وانا لمسنا السماء فوجدناها ملئت
حرسا شدیدا وشهبا وانا کنا نقعد
منها مقاعد للسمع فمن یستمع الان

ع اللهم ...

وعجائب بیا ونیز بدبالی براو ونیو ونیز دول مراجعت بجا بد
٥١٢
و ببایدی ... ١١١ ... امان ...

اگر کسی را تمام اعضایش درد کند هفت رنگ ابریشم
بگیرد این اسم را هفت مرتبه بخواند و هفت گره بزند بسعد
حال که درد میکند بالای درد ببندد شفا یابد ان شاء
الله تعالی بسم الله الرحمن الرحیم فلا تقعد بعد الذکری
مع القوم الظالمین اذا سالک عبادی عنی فانی قریب
اجیب دعوة الداع والتفت الساق بالساق والی
ربک یومئذ المساق جهت جن زنی که حامله باشد
درد کند و جمیع علتها و رنجها بنویسد با خود دارد
از جمله بلایا ایمن باشد اگر جوهر که بدان شخص
سبحه الله یا نه این اسم را بر دلت وی بنویسند
و بعد از آن بخواند اگر بسته باشد بر لرزه افتد و بعض از جمله
بوانز ... بنویسد

٦	٤	١٠
١١٠	٨	٢
٣	٥	١

... کشاده کرده ...
... در آب اندازند تا بخورد ...

يجعل له شهابا رصدا وأنا لا ندري أشر
أريد بمن في الأرض أم أراد بهم ربهم رشدا
وأنا منا الصالحون ومنا دون ذلك كنا
طرائق قددا وأنا ظننا أن لن نعجز الله
في الأرض ولن نعجزه هربا وأنا لما سمعنا الهدى
آمنا به فمن يؤمن بربه فلا يخاف بخسا ولا
رهقا وأنا منا المسلمون ومنا القاسطون
فمن أسلم فأولئك تحروا رشدا وأما
القاسطون فكانوا لجهنم حطبا
وأن لو استقاموا على الطريقة لأسقينا
هم ماء غدقا لنفتنهم فيه ومن يعرض عن
ذكر ربه يسلكه عذابا صعدا وأن ا

المساجد

المساجد لله فلا تدعوا مع الله أحدا
وأنه لما قام عبد الله يدعوه كادوا يكو
نون عليه لبدا قل إنما أدعوا ربي ولا أ
شرك به أحدا قل إني لا أملك لكم ضرا
ولا رشدا قل إني لن يجيرني من الله أحد
ولن أجد من دونه ملتحدا إلا بلاغا من الله
ورسالاته ومن يعص الله ورسوله فإن
له نار جهنم خالدين فيها أبدا حتى إذا
رأوا ما يوعدون فسيعلمون من أضعف
ناصرا وأقل عددا قل إن أدري أقريب

ما توعدون ام يجعل له ربي امدا
عالم الغيب فلا يظهر على غيبه احدا
الا من ارتضى من رسول فانه يسلك
من بين يديه ومن خلفه رصدا
ليعلم ان قد ابلغوا رسالات
ربهم واحاط بما لديهم واحصى
كل شيء عددا

[illegible] سنه ١٣٥١ [illegible]

[illegible]

احضار [illegible]

احضار شود [illegible] که فرزند [illegible] شود و یا مشتعل [illegible]
سوره را نیده احضار شاید باین دعای احضار و هر کس از مرد و زن
و طفل که اثری از جن رسیده باشد باین شکل طلسم نوشته بر
صاحب مریض دهند و آنچه بخواند سوره را نیده و شروع در خواندن
سوره جن و انبد [illegible] الیه حاضر شوند و بعد از آن
[illegible] بگوید که [illegible] تا ببیند ایشان چه طایفه
باشند و هر طایفه بود [illegible] آن عمل [illegible] دعا [illegible] تا استاد [illegible]
احضار [illegible] بخواند و غلط نکنند و طلسم [illegible] برای [illegible] در نزد
مریض بگذارند و بسیار تجربه شده مجرب است اما غلط
نکنند [illegible] که استاد [illegible] اجازه این عمل نکند که اثر نمیکند
بسم الله الرحمن الرحیم عزمت علیکم یا ملائکة رب
العزت بحق القرآن العظیم و بحرمت آیاته یا بو
غدفجا ییل یا بو غیططا ییل یا الجغنتا ییل
یا ماغشتیشیا ییل یا غعشتو ییل یا قبا

عقعقائيل يا عقعقجسيمحائيل يا سهغلائيل
صل على محمد وآله ان تهيجوا وتسخروا الى قلب
كل خلائق بحقها قلب الانس والجن وقلب هل
بجماعة ان كنتم واكر مصحح من دبالندبه واكر
ذن باندبها بكوبيد ومكت ريخوانند تا اثر حاضر شوند
اما بايد كه اذكر بنجانه وبر تقول وبر طهارت در
مجلس نبا اند دعا اينست بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله وبالله ومن الله ولا غالب له الى الله
توكلت على الله ولا اله الا الله محمد رسول الله
امير المؤمنين علي ولي الله ولا حول ولا قوة الا
بالله العلي العظيم ولا يغوثه هارب الى الله
والله على كل شيء قدير عزمت عليكم يا معشر
الجن والجنية والانس والانسية واليهود

واليهودية

واليهودية والنصرانی والنصرانية والمجوس والمجو
سية والمسلمة والمسلمية والاهل الصبيان
والاهل الصبيانية والزبان داشت والزيان دا
شتية والهمن دوالهمدية والمسلمان والمسلمة
والكافر والكافرية بحرمة الله عزيمته سليمان
ابن داود عليه السلام باسم الذي سخر الجن والانس والشيا
طين والطيور والوحوش فاسماء الطامات كلها
من شر ما خلق وذرأ وبرأ سلام على نوح في العا
لمين واعيذ هما استعاذ به آدم وابو البشر و
شيث وادريس وهابيل ونوح ولوط ونجي ابراهيم
واسماعيل ونجي اسحاق ويعقوب كلا هدينا ونوح
هدينا من قبل ومن ذريته داود وسليمان وايوب
ويوسف وموسى وهارون وكذلك نجزي المحسنين
ونجي ذكريا وعيسى والياس كل من الصالحين



ياعبادكم ومسبع ذالكفل وذو القرنين وطالوت
وعزير وعزرائيل وميكائيل واسرافيل وجبرائيل
عليه السلام بكل مشرق او مغرب او من سبل او
ولي من اولياء الله تعالى عزمة عليكم يامعشر الجن
في التوراة وبكل آية وكلمة في التوراة وبكل حرف
وحروف في التوراة وبكل اسم ورسم في التوراة
وبكل صورة في الصورة في التوراة وبكل امر
ونهي في التوراة وبكل عهد وميثاق في التوراة
قد اخرج تعلوا باذن الله الذي بحق لا اله
الا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم
عزمة عليكم يامعشر الجن في الانجيل وبكل آية
وكلمة في الانجيل وبكل حرف وحروف في الا
نجيل وبكل صورة في الصورة في الانجيل

وبكل اسم

وبكل اسم ورسم في الانجيل وبكل امر ونهي في الا
نجيل وبكل عهد وميثاق في الانجيل قد اخرج
تعلوا من خصا في بدن هذه المريض باذن الله الذي
بحق لا اله الا هو كل شيء هالك الا وجهه له الحكم و
واليه ترجعون عزمة عليكم يامعشر الجن في الزبور
وبكل آية وكلمة في الزبور وبكل حرف وحروف
في الزبور وبكل اسم ورسم في الزبور وبكل صورة
في الصورة في الزبور وبكل امر ونهي في الزبور
وبكل عهد وميثاق في الزبور قد اخرج تعلوا
يامعشر الجن من خصا في بدن هذه المريض باذن الله
الذي بحق لا اله الا هو الرحمن الرحيم عزمة عليكم
يامعشر الجن في الفرقان وبكل آية وكلمة في الفرقان
وبكل حرف وحروف في الفرقان وبكل اسم ورسم

في الفرقان وبكل صورة في الصورة في الفرقان
وبكل مثل وتشريع في الفرقان وبكل امر ونهي
في الفرقان وبكل عهد وميثاق في الفرقان فقد
اخرج تعلو باذن الله الذي لا اله الا الله محمد
رسول الله امير المؤمنين عليا ولي الله انكم
مجوسيا ونصرانيا ويهوديا ومسلمانيا وامرا
نصبانيا وذيان دانشتيا وهمزدبا وكافريا
وغانيا وما ثيا وهوئيا وترابيا عليكم باذن
الله الذي بحق لا اله الا هو عليه توكلت وهو
رب العرش العظيم فليتوكل المتوكلون فسيكفيكم
الله وهو السميع العليم اشارت بحق بسم الله
الرحمن الرحيم بحق الم ذلك الكتاب با اخرج
يا معشر الجن وبحق آية الكرسي با اخرج يا معشر
الجن والانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار
السموات

السموات والارض فانفذوا لا تنفذون الا
بسلطان اذهبوا قبل ان يرسل عليكما شواظ
من نار ونحاس فلا تنتصران فبأي آلاء ربكما
تكذبان فاذا انشقت السماء فكانت
وردة كالدهان وقل جاء الحق وزهق الباطل
ان الباطل كان زهوقا قل اوحي الي انه
استمع نفر من الجن فقالوا انا سمعنا قرآنا عجبا
يهدي الى الرشد فآمنا به ولن نشرك بربنا ا
حدا كهيج كهيج كهيج كهكهيج كهكهيج كهكهيج
كهيج كهيج من جوج زراع وبحق شاه فارس
وبحق شاه جيهود وبحق شاه ميهود وبحق شاه
حبشي وميطرون الملك اخرج اخرج تعلو
باذن الله الذي وبحق ننزل من القرآن ما
هو شفاء ورحمة للمؤمنين ولا يزيد الظالمين الا
خسارا

الله تعالى جد ربنا ما اتخذ صاحبة ولا ولداً
يا حي يا قيوم يا ذا الجلال والاكرام بسم الله الر
حمن الرحيم يا معشر الجن والشياطين وان كان
منكم يهودياً بحق توراة موسى فقد تجعلوا اخرج
من حصاني بدن هذه المريض باذن الله الذي
ومن كان منكم نصرانياً بحق انجيل عيسى فقد اخرج
تعلوا باذن الله الذي ومن كان منكم مجوسياً بحق
زبور داود عم باذن الله الذي قد اخرج تعلوا
ومن كان منكم مسلماً نياً بحق فرقان محمد المصطفى
صلى الله عليه واله وسلم قد اخرج تعلوا باذ
ن الله الذي ومن كان منكم كافراً قد تعلوا اخرج
اخرج من حصاني بدن هذه المريض بحق صحف
ابراهيم ومن كان منكم بحق عزمتك يا عظيم
وبحق كرسي ارفع يا عظيم وبحق جنة
يا عظيم

يا عظيم وبحق توراة موسى يا عظيم وبحق انجيل عيسى
يا عظيم وبحق زبور داود يا عظيم وبحق فرقان محمد
صلى الله عليه واله وسلم يا عظيم بحق صحف ابراهيم
يا عظيم قد اخرج تعلوا يا معشر الارواح او يهودياً
او نصرانياً او مجوسياً او مسلماً او كافراً او
عربياً او عجمياً او تركياً او تاجكياً او جهودياً او
ترسانياً او ارمنياً او كرجياً او هندياً او زنكياً
او مشرقياً او مغربياً او شمالياً او جنوبياً او
يمينياً او يسارياً او مائياً او ترابياً او با
دياً او هوائياً وجميع عفاريت الجن والانس
بحق بسم الله بسم الله الجليل الجبار وبحق بسم الله
الملك القهار وبحق رب الشمس والقمر والملك
والذي [illegible] عنهم من كل شيء في رفيع الح
لك بلا زوال بنام الملك الجبار بحق

در اللیل و النهار صلوٰة الله و سلامه علیه و
علیهم اجمعین خاتم سلیمان ابن داود
یا حنان یا منان یا دیان یا برهان یا سلطان یا
معروفان یا جهودان یا کافران یا مسلمان یا دیوان
یا پریان یا جنیان یا ام الصبیان یا عالم ارواح
بحقیقه هستید هفتاد و دو ملت پریان و بکرد این بیمار
میایید بحق اذهبوا قبل ان یرسل علیکما شواظ
من نار و نحاس فلا تنتصران ایکه شما یا کاینید
ورا نشینید و دبندرا زین بتر سید بحق آن نام
که آدم صفی خواند کشت و نوح خواند نجی کشت و موسی خواند
کلیم کشت و عیسی خواند روح الامین کشت و ابرا
هیم خواند خلیل کشت و محمد مصطفی خواند حبیب
کشت الی جمیع ارواح شما الوا حضار میکنم و عزایم
میکنم و عزایم میخوانم الی جمیع کرد بیان ارواح

دیوان

دیوان و پریان و مجوسیان و ارمنیان و سکساران
از سیاه و سفید از بنده و آزاد از مرد و زن از خورد
و بزرگ از هفتاد و دو گروه در هر کجا هستید
از مشرق عالم تا مغرب عالم حاضر آیید این شما
عه مسلمانان و یهود و ترسا و مجوس و کافر و
مؤمن و بنام خدای عز و جل بحق عرش و کرسی
و لوح و قلم و آسمان و زمین که البته حاضر آیید
و مترسید و اندیشه مکنید که ما لو با شما هیچ کار
نیست و اگر نیایید در آمدن تاخیر کنید بدرگاه
خدای تعالی عاصی شوید و از برکت اسم اعظم بسوزید
و ضایع شوید الی جمیع دیوان و ایکروه پریان جن
باد و باران حاضر آیید جمعه خاک آتش بر
آسمان شوید از عالم غیب و فرو زیر فلک شوید
از هر طایفه که هستید و بر سر دار شوید

وخوانند که این عزیمت حاضر آئین داده خود را
بردارید بروید ترک این بیمار کنید و نفرمان خدای
عز وجل وبحکم سلیمان پیغمبر عم و نقش الخاتم عزیمت
مت علیکم مبنی یهودیا و نصرانیا و مجوسیا و مسلمیا
وبخاتم عزیمت سلیمان ابن داود عم یا شها
ریث یا نباریث یا غاریث اأذونی اصاوث
آل نسل ای بحق کیهیج بحق میهیج بحق کهلکهیج بحق
مهمهیج بحق مروهیج بحق اهیا شراهیا بر
هیا اأذونی اصاوث آل نسل ای بحق میمون
زنگی بحق میمون حبشی بحق میمون میکی بحق
میمون مدنی بحق میمون ابن میمون صاحب
القوائم الهندی بحق وملک ۲ بحق منصور ۲
ببک ۲ بلاکوی ۲ بجمو طمشکمبی ۲ برنکی ۲
میم زنکی ۲ برکوی ۲ لطاکور ۲ کنکور بنا ۲
ابکتا ۲

ابکتا ۲ خزمتا ۲ نیلا ۲ تبکیلا ۲ طرمیشا گ ۲ .
سلمد ثیا ۲ بحق دار ۳ بحق مار بحق کیهور بحق میهور
بحق جمهور بحق صیفور بحق جیهور بحق مسططرون
الملک الموکل بالارواح مع الجن والانس والشیاطین
والسحر والوسواس وبحق هذا ربکنام خدای تعالی
عز وجل وبحق صد بیست چهار هزار پیغمبران مرسل
ونامرسل بحق شهیدان کل روی زمین وبحق توراة
موسی وانجیل عیسی وزبور داود وفرقان محمد ا
لمصطفی عم وبحق لوح وقلم وعرش وکرسی وبحق
آیات وحرف واسم انجیل وبحق جمیع آیات وحروف
واسم فرقان وبحق جبرائیل ومیکائیل واسرافیل
وعزرائیل واکر یهودانید بحق توراة واکر ترسایانید
بحق انجیل واکر مجوسانید بحق زبور واکر مسلمانید
بحق فرقان محمد المصطفی صلی الله علیه وآله وسلم

وبحق لوح و قلم و عرش و کرسی بحق آیات و حروف
و اسم توراة و بحق آیات و حروف و اسم انجیل و بحق
جمیع آیات و حروف و اسم زبور و بحق جمیع آیات
و حروف فی الفرقان و بحق جبرائیل و بحق میکائیل
و بحق اسرافیل و بحق عزرائیل اگر یهود باشید
و بحق توراة و اگر ترسا باشید بحق انجیل و اگر
مجوس باشید بحق زبور و اگر مسلمان باشید بحق محمد
المصطفی صلعم و بحق حملة العرش و الکروبیین یا
ارواح الجن تعلوا باذن تعلوا القبول الله تعلوا
و بحق هذه العظام بیایید بحق این عزایم و احضار
که خواندم بشنوید و آرام گیرید و اجابت کنید ما گفتیم
بیایید و داخل شوید و دست از تن و جان خواننده
این احضار و عزایم بردارید و داده خود روا ازین
بیمار کر فقه بیرون بحق انه من سلیمان و انه
بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا
علی و اتونی

علی و آتونی مسلمین و بحق لا حول و لا قوة الا
بالله العلی العظیم تعلوا تعلوا تعلوا العجل
العجل العجل الساعة الساعة الساعة الوحا
الوحا الوحا برحمتک یا ارحم الراحمین. نسخه اگر در
بیتی طفل مصروع باشد و آنت

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
٢٣	٥	[illegible]	[illegible]
[illegible]	◆	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

٢٣

این کلمات نوشته در زیر
شکم طفل کند تا آنکه
دارد و در روز تا ... طفل
سیاه کند و امثال آن
نوشته با لوان دیگر بشکنند
در میان آتش اندازد
و بعد از آن شخصی که
میخواند

و تعلیم بطفل کند البته ... آب کند بفرمان یزد
للطفل که البته ... بگوید بر دارد که ... بیاورند
ذبح کنند و بعد از آن طلب نماید هر آنچه میخواهد
١٣١ ٣ ١١١ ٤ ٣ ١١ ٣ ١ ٥

١١ ببه عه ١١١٣ ١١٢١ ١١١ يه ١٣١ ١١١ ع١ ٧ ٩ ٩

٣٣ ١٥١ ١١١ يه ١١١ ٣٣

بسم الله الرحمن الرحيم

عزمت عليكم يا ارواح اليهود واليهودية
عزمت عليكم يا ارواح النصارى والنصرانية
عزمت عليكم يا ارواح المجوس والمجوسية عزمت
عليكم يا ارواح المسلمين والمسلمية عزمت
عليكم يا معشر الجن والانس ان استطعتم ان
تنفذوا من اقطار السموات والارض فانفذوا
لا تنفذون الا بسلطان فباى الاء ربكما تكذ
بان يا شافع يا نافع بحق ولا حول ولا قوة الا
بالله العلي العظيم بحق مذهب شما وبحق ملت شما
وبحق انخدای که از نور آتش افریده بروید بکذارید
از تن وجان ودل وجکر وسپعل تحت شنی دک و

جهار رصد

جهار رصد جهل جهار باره استخوان هفت اعضا
وجهار عناصر دارنده بیرون ایید بکذارید
وبروید بفرمان خدا تبعک وبحکم سلیمان ابن
داود علیه السلام بسم الله الرحمن الرحیم
یا شمحبتا ودیا موشطیتا وبحق اهیا شراهیا
اذونی اصباوت وبحق آدم صفی الله اخرج
وبحق نوح نجی الله اخرج وبحق داود خلیفة
الله اخرج وبحق سلیمان خلیفة الله اخرج وبحق ابراهیم
خلیل الله اخرج وبحق اسماعیل ذبیح الله
اخرج وبحق عیسی روح الله اخرج وبحق موسی
کلیم الله اخرج وبحق لا اله الا الله محمد
رسول الله علی ولی الله اخرج عزمت
علیکم شواظ من نار ونحاس فلا تنتصران

خذوه فغلوه ثم الجحيم صلوه ثم في سلسلة
ذرعها سبعون ذراعا فاسلكوه مهيجا
محكميا سكنيا كتاب الذي في عهد الله
وعهد سليمان ابن داود عليه السلام
بستم وبند كردم ديوان وپريان ومعان
وكبران وسكسارن وترسايان ومسلمانان
يهودي ومجوسي ارواح جنك سكساري
صاكي خارجي ونهي وبسارلي وجنوبيا
وشمال بند كردم طايفه جن انس بند
كردم بحكم سليمان ابن داود عليه السلام
وبحق صد بيست چهار هزار پيغمبر وبحق شهدا
كل دوازده زمين وبحق آصف عهد قبول كنيد
خطا مكنيد العجل العجل العجل الساعة
الساعة

الساعة الساعة برحمتك يا ارحم الراحمين
ديو بند آهية شراهية عمل نية بلابنب
كود بندي جادو بندي ستاره بندي ديو
بندي پري بندي بحق اهل بند بحق جبرائيل
بند بحق ميكائيل بند بحق اسرافيل بند
بحق عزرائيل بندي بحق آدم صفي الله
بندي بحق نوح نجي الله بندي بحق ابراهيم
خليل الله بندي بحق اسماعيل ذبيح الله
بندي بحق عيسى روح الله بندي بحق موسى
كليم الله بندي وبحق محمد رسول الله رب ا
لعالمين بندي بستم بستم باد بهيج رهيج بستم
در هفت اندام سر دارنده اين عامل بحق جلال
الله كمال الله عظمت الله وقدرت الله

ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظیم

جمیع ممنون ارواح اول تسخیر مردود
اصل دارند ارواح انبیا و اولیا و مؤمنین
طلب نماید و بگوید ارواح استادان که در این
علم محاربتی داشته اند تا دینموده مثل سکاکی
شیخ ابو جعفر و شیخ بهاءالدین و محقق عاملی
و شیخ شمس مغربی و طمطم هندی و باقی
استادان فاتحه و معوذتین و آیة الکرسی
و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و شروع
عطا نم نماید که انشاء الله مسخر مشغول
فل اوحی تا آیه رصفا بخواند احضار مجوسیه
و بیست مرتبه این عاملو بخواند بعد از جمله
آهیا شراهیا شلیا شلیا جوسا
اجوسا

اجوسا مجوسا اصوطهو یوسف
من هلطیف سلطیف یهبکنی عظمت
علیکم یا معشر الجن انکنتم داوودیا اوز
بودا لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظیم
ان کلمات را نوشته در زیر شصت طفل گذارد

از بابت علامت دیو پری اول باید که دور سبی دیو خط بکنند
و خشت پاکی بیاورند ریگش دهند و کارد دسته سیاه
در دست گیرد وقتی چیزی پرتاب کنند در پیش خط کنار دو زنخ
در میان آب اندازد و دوازده چراغ و دو علم روشن کنند
و بخور بسوزد روغن زیت به و پیاز را بسوزند در میان
خشت کنار و پنج سوزن بر سر خشت بنهد و عزیمت
بخوانند بعد از اتمام محبت ببیند دیو بر خیزاند دو هفت تکبیر در
خشت بگردانند تو به فرماید هر یکبار یکشی در میان
خشت اندازد بعد از آن سبی دیو بر فعل برد رو بقبله
کرانی خود را بر زمین اندازد خشت او برده در طرف

خبله بکشارند در حبالی که ممر عام نباشد در رفتن و آمدن
در عقب سر خود نگاه نکنند و بیمار تا سه یوم بپرهیز فرماید
اگر عذابی بود در تشاره کشا شته بعد از سه روز بر سر بیمار
بریزند و درون مرتبت چنین نیت کنند که کل بنی جان
خود را بشما دادم و بسبکیی جان شما را بحجت خود
خود کردم به حکم سلیمان پیغمبر قربة الی الله الله
اکبر بعد الان فی دل تحقق بدهد شفا یابد بفرمان
خدا تعالی

دعای سخره از برای سوختن اجنّه بخواند
که بسوزند بسم الله الرحمن الرحیم إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي
خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى
عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَا
لشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ
الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ادْعُوا
رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَلَا
تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ
خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

از برای بند بست

بیت

از برای بستن قل الله احد تو بخوانند بر یک نخ ابریشم گره زنند
بسته شود عقد که بخوانی بجز خواندن تمام بیک نخ [illegible]
بسته کرده عقد شود در هر حال تمام عقد که بخواند بیکی
بسته شود عَقَدْتُكَ بِعَقْدِ اللَّهِ وَقَيَّدْتُكُمْ بِقُيُودِ
سُلَيْمَانَ ابْنِ دَاوُدَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنْ لَا تَنْتَشِرَ
إِلَّا بِإِذْنِي اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ
اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا
وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

جهت فرو نشاندن آدمیزاد به جنّ یا دست [illegible]
اینان یا جان و بکر خواهد که ملا یا آخوند خوب کند سوره مبارکه
حمد را بخواند خوب شود بفرمان خدا تعالی اگر خواهد که مرده
اینان یا سوخته اینان شود زنده کنی این آیه را بخوان
که زنده شود بفرمان خدا تعالی بسم الله الرحمن الرحیم
قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ

وَتَنزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ
وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ
تُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ ا
لْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ

تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ اسم بیمار و اسم مادر بیمار را
حساب ابجد بگیرد [illegible] طرح کند اگر یک روز (یک ماند / دو ماند)
یکشنبه یا دوشنبه بیمار شده باشد [illegible] آنرا باید از جانب
[illegible] اول یا [illegible] بیمار [illegible] زدن او [illegible]
آفتاب بر آمدن یا [illegible] او [illegible] طبیعت او [illegible]
از خورده [illegible] طلب بکند [illegible] او درد کند گاه
گاه بیهوش شود [illegible] بیمار [illegible]
[illegible] زیاده نباشد اگر خواهی که [illegible] شود
[illegible] کنند [illegible]
[illegible]

هرگاه جنی [illegible] نخواند [illegible]
باید این طلسم نوشته سه مرتبه تمام [illegible] کنند
که اگر [illegible] میروی [illegible] والا که این طلسم [illegible]
کشته میشود [illegible] بکردن [illegible] بعد از اتمام [illegible]
بر خود [illegible] وازمع [illegible]

[illegible] لا لا [illegible]

[illegible] و اگر [illegible] کرفته [illegible]
سورة والليل [illegible] بخواند
[illegible] اگر [illegible] بالکله [illegible]
[illegible]
زایل شود بعد از [illegible] فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ
أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ
فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا وصلى الله على محمد وآله اجمعين
جهت احضار جن هفت مرتبه بخواند حاضر شود

بعد البلم عزمة عليكم و اقسمت عليكم
بنوب جبرئيل اسرافيل اسماعيل ملكان
مسلطان على سلاطين الجن والانس
احضروا يا اصحاب الجن والشياطين
من جانب الجنوب والشمال بحق لا
اله الا الله محمد رسول الله وبحق
على ولى الله وبحق سليمان ابن داود
عليه السلام برحمتك يا ارحم الراحمين
ايضا از براى جن حاضر كرده بخواند يا متى
خاتيشى احت علينا وعلى الناس
فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم
يا ناصر يا معين استجب دعائنا
و براى جن هفته نوبت خوانى در كنار آب بكند
[illegible] در روى خشت نام معتبر را
بكنى

با ته كفش با ليد بزنى تا به آب به بندد اين بيت
يا تو خمى شا يا شطيشا يا شيشا هرکس
اين شكل و نبويسد و آب بشويد و بر روى جنى زده
باشد يا مصروع باشد يا جنى او خضم شود اينست او خمى
ايوان تو خينى و از او اه ايه ايضا از جهت احراق
جنى نبويسد بر خرقه و فليته كند و در بينى دماغ جنى
كه فقط دود كند كه آن جنى هلاك شود اينست نيلطونس
اهليع مهلح بسلطهنو طلسح سعطل هذا
امتحن قوم الارواح الجن ايضا احراق جن كه بخواند
سوخته شود اينست هذا امتحن قوم الارواح الجن
سيفجل هعتل فطهم شاب طغيود ش
نمتا نمو تا لينا نا نيناطو شا و شا
احتراق يا عدو الله بنطق او در جنيا
بخواند انطقنا الله الذي انطق كل شيء
وهو خلقكم اول مرة واليه ترجعون

بلوب بلوب یا بلوب اگر کسی غش کند این طلع
بکلمات بالنی اکبر بنویسد و بدماغ او دود کند بهوش
آید ه ۱۱ فغ ص ۹۹۹ ۱۱۱ ع ۱

جهت دزد اگر مال برده باشد این طلسم بنویسد
و در زیر تخته سنگ کنند آن مال بجای خود آید مجربست

۴۲۲ ۴۲۲ ۴۲۲
جبرائیل
میکائیل

بجهت غش هرکاه
کسی آزار
داشته باشد
اینک الکلها

بر سه پاره کاغذ بنویسد تا بخورد دهند یابد
مجربست کهیل مهمل علیا مطیا یا ایها الاوان
اخرج یا معشر الجن والانس ان استطعتم
ان تنفذوا من اقطار السموات والارض فانفذوا
لا تنفذون الا بسلطان واحد و ملک طوطیاد

در وقت مرخص کردن جن این دعا را بخواند
هذا کتاب محمد رسول الله رسول
رب العالمین الی من طرق الدیار
من العمار والزوار الا طارقا یطرق
بخیر اما بعد فان لنا ولکم فی الحق
سعة فان تک عاشقا مولعا او فاجرا
مقتحما فهذا کتاب الله ینطق علینا
وعلیکم بالحق انا کنا نستنسخ ما کنتم تعملون
ورسلنا یکتبون ما یمکرون اترکوا
صاحب کتابی هذا وانطلقوا الی عبدة
الاوثان والی من یزعم ان مع الله
الها آخر لا اله الا هو کل شیء هالک
الا وجهه له الحکم والیه ترجعون
حم لا ینصرون حمعسق تفرقت

أعداء الله وبلغت حجة الله ولا حول
ولا قوة إلا بالله العلي العظيم فسيكفيكهم
الله وهو السميع العليم بسم الله الرحمن الرحيم
طيوما بطليسوما الرحيم حسبنا الله
ونعم الوكيل ونعم المولى ونعم
النصير وصلى الله على محمد وآله اجمعين
علبخا مشليا مثليا سـ نوش وبحوش نوش
وبسانـيو نوش كشطبو شش وقطميع
آلدوسي ماروسي ددباه وجماه و
بندماه حلقا حليقا ٮع ٮع ٮع ٮع ٮع ـڛ

دعا بجا حاضر کردن جنیان دراب
اندازد و احضار کند طلع اینست
احضار دختر نابالغ و عزیمت بخواند بیاورد
ععععععع و ع ص م

٦	١١	ع١	١
١٣	٤ع	٨	١٢
٣		٩	۴
١١٠	۶	۴	لم

دو دختر نابالغ

دو دختر نابالغ را و انگشت شست او را سیاه کنند و سورهٔ فاتحه
و اخلاص و معوذتین را بر دو دختر باکره بخوانند و بعد از آن
سورهٔ یس را تا المحضرون اول بخوانند و یکمرتبه این
عزیمت را بخوانند و باز سورهٔ یس را بخوانند مبتدا تا المحضرون
و باز عزیمت را بخوانند و بعد از آن سوره را با تمام بخوانند
و بعد از آن عزیمت را بخوانند جن آید و در جواب سؤال که
دارد بکند عزیمت اینست بسم الله تعالی بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم یا بشحی ذا الاهاموا شیطنون اللهم
یا ذا النو املخ انو ذا الثمون اللهم یا خیتوا
میمون ارقیش وارعلیون اللهم رهیثا
رهیلون میطرقون اللهم ارعیثوا
اخلاقون اللهم دجوث ارخیم ارخیمون
اللهم اهیا شراهیا

صحیح است

حساب ابجد صغیر

ا ب ج د هـ و ز ح ط ی
۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱
ک ل م ن س ع ف ص
۱ ۴ ۳ ۲ ساقط ۲ ۹ ۶
ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ لا
۴ ۱ ساقط ۳ ۱ ساقط ۱ ساقط ۱ ساقط ۳ ۱

اسم بیمار و اسم مادر بیمار بحساب ابجد صغیر بگیرد
در هفت طرح کنند و اگر یک ماند روز یکشنبه
بود و اگر دو ماند دوشنبه بود که بیمار شده زیانی او از
پری ترسا بود از جانب زنجور دیده اول
پا و میان بیمار درد کند زدن او در محل آفتاب
برآمدن و فرورفتن او زده اند طبیعت او
چیزی از خوردنی طلب نکند دندان و پهلو
او درد کند گاه گاه بیهوشی شود اجنه خود
بصورت مار و یا شیر باو نماینده خطره
و چهار روز زیاده نباشد اگر خواهد
که به شود باید که گوسفند سفید یا مرغ کبود
خون کنند واین دعا نوشته در

نوشته در میان دو کتف بیمار ببندد و عزایم ترس پری برانجوانند
و اگر زن باشد عزایم چهار کیش نو بخوانند اگر مرد باشد
عزایم هفت کیش سه مرتبه بخوانند واین دعا را نوشته
بر بازوی راست ببندد بسم الله الرحمن الرحیم
عَزَمتُ علیکم من الارواح ترسانیتا فانی
عَزَمتُ علیکم فآمنا به ولن نشرک بربنا احداً
انه تعالی جد ربنا ما اتخذ صاحبة ولا ولداً
وانه کان یقول سفیهنا علی الله شططاً
یا ارحم الراحمین اگر سه شنبه بیمار شده باشد از پری
بود در ساعت مریخ زده باشد سر و پا درد کنند و دل
و سینه اش بسوزد و از خواب برود و لشکر جن زده گریه باشد
مخاطره و پنج روز باشد یا هشت روز باشد اما علاجش
او گوسفند کبود یا مرغ سیاه خون کنند و این دعا را نوشته
بشسته در آب بشوید بیمار دهد تا بخورد و بجا آرد

بیمار یازده خانه آرد بگیرد و آرد نو خمیر کنند یازده
کولچه بپزد و بعد از آن بعد طو مادیان از کرباسی سفید
بگیرد و در کولچها بپیچد و بپزد روز سه شنبه در جای
پاک بگذارد و محل آفتاب فرو رفتن و عزائم قهر
به بیمار
نام خود بخواند و هفت بار دعای که با خود دارد و نیست
بسم الله الرحمن الرحیم عزمت علیکم من الارواح
المجوسیین فانی عزمت علیکم بحق نادر والنور
والتراب [illegible] والجبال من الجوف [illegible]
لشکر عن النار والشمس والقمر الله بحق محمد
وآله اجمعین و اگر چهار ماند چهار شنبه باشد که بیمار
شده باشد از پریان کافر بوده در ساعت عطارد یا مشتری
و بر او زده اند گاه گاه بیهوش شود و سرش درد کند و استخوا
نهای او بجنبد [illegible] بجای فرود [illegible] و درد پهلو
کند در [illegible]

چهار روز

چهار روز یا ده روز باشد اگر خواهی که علاج او شود
بیاد کولچه لیبا با مرغ کبود ذبح کنند و بند عا [illegible] نوشته
بر بازوی بیمار ببندد و عزائم پریان کافر بر بیمار بخواند
و قدری [illegible] و موی [illegible] گوسفند لیبا [illegible] و سم خر [illegible]
دور زیر پای بیمار دود کنند و [illegible] نوشته [illegible]
دارد بسم الله الرحمن الرحیم عزمت علیکم [illegible]
[illegible] الکفار فانی اعزم علیکم وان یکاد الذین
کفروا لیزلقونک بابصارهم لما سمعوا الذکر
ویقولون انه لمجنون وما هو الا ذکر للعا
لمین بحق اهیا شراهیا اذونی اصباؤت
اگر نشسته باشد یا هفت اثر روز جمعه و شنبه [illegible] از پریان [illegible]
و در ساعت زحل زرد روی رسیده باشد از جانب پهلوی
چپ [illegible] رسیده باشد و جگر و سینه او درد کند و [illegible]
و درد زانو داشته باشد و لرزه بر اندامش پیدا شود بیمار [illegible]

سه روز یا که هشت روز باشد اگر خواهی که به شود بیاور

قدری جوز بیاور و روغن زرد و یا پیه مرغ داب بیاور

درهم کنند و بر بدن بیمار بمالند که تا عرق کنند و این دعا را نوشته

یکی در سر بندد و یکی بشوید به بیمار بخورد شفا یابد بعون الله تعالی

وَفِی انفسخ مِنَ الارواح السموات خالق اعزم علیکم

ما جاء به عقلی بحق توراته والارض الذی

علم موسی الکتاب التوراة وبکل حادث

الی الرسل بحق موسی الذی جاء الذی جاء اسکن

اسکن باذن الله تعالی تمت تمام شد

اگر خواهی که احوال بیمار بدانی این اسمها را بنویسی

اینها شکلی بنویسند و در کاسه آب اندازند اگر سبز گردد

آب بیمار نیز به شود و اگر سرخ آب بماند طول کشد و اگر

زیر آب برود دیگر طمع این است یا هلهلاه ع

١١١١ و

١١١١م ص ا م ما لا مال

باب

الکافرین طلسم تو بر تخم مرغ بنویسند بستر از زرد بنفشه

اگر برابر است طول کشد و اگر زیاده ای آن شود شفا یابد و اگر

کم ای بیمار شود مه مه ی ی م بهت کسی که دست پای

دو بلرزد و این دعا را نوشته بر نهد بسم الله الرحمن الرحیم

المبین رسول الله صادق الوعد الامین

مبین شهد الله انه لا اله الا هو والملا

ئکة و اولو العلم قائما بالقسط لا اله

الا الله هو العزیز الحکیم

دعا برای تب لرزه بر تخم مرغ سیاه بنویسند و به بیمار دهد که

بیمار تب لرزه دعا این است تملیخا مکسلمینا اذطونس مرطانوش

و کشفوطط بحق سلیمان ابن داود علیه السلام

بسم ... فلان ابن فلان ...
بحق لا اله الا الله محمد رسول الله علیه
... الله یا هو یا من هو لا اله الا هو

باب بر كند دست نويسد و بر سينه بيمار بندد اگر
خنده شفا يابد و اگر گريه فوت شود دعا اين است

هلال نكال هط هم كل هى كهيعص

زبان بند اين اشكال تو بنويسد با خود دارد كه مجرب است
اگر خواهى تجربه كنى در ديگ جوش بنداز ديگ مغلوب نشود
طلسم اين است صه ا ع ى ا ممه ممع

ممصعصعوه

بستم فلان
زبان و بين زبان فلان
كه زاده از فلانه

زبان بند جميع مردمان بعد از آنكه بنويسد و با خود دارد
والله من ورائهم محيط بل هو قرآن مجيد
في لوح

في لوح محفوظ وجعلنا من بين ايديهم سدا
ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون
فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم بستم
زبان و بين فلان بن فلانه بستم سيصيد شكست
شى دكان و چهل چهار پاره استخوان فلان
بن فلان صم بكم عمى فهم لا يبصرون صم
بكم عمى فهم لا يرجعون صم بكم عمى فهم
لا يعقلون صم بكم عمى فهم لا يتكلمون
صم بكم عمى فهم لا ينطقون صم بكم
عمى فهم لا يعلمون بستم و مهر كردم زبان فلان
بن فلان را بحق تورات موسى و انجيل عيسى
و زبور داود و صحف ابراهيم و فرقان محمد
فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم

جهت صلح زنان و شوهر ایند عالو و باب مجرب است
افت طو بخورد او دهد که مثل یوسف و زلیخا شوند

تلهم	يملخسا	اذ	قطيني سو	ص ع
ع	ف ٩	ق ٣	ج ن	ع
ع	كسا	ح ٩	٩ ✗ ٤	٩ ✗ ٩ ٤
٤٤٤٤	٩٩٩	الوصبا الوصبا	ال	ال
ال	ال	الساعة	الساعة	الساعة
	الساعة	باسم فلان	كرزاده	ازخلان

اکر بخواهی که زبان دختر و مادر و قوم او از ب ن دی ابند عا
بر شانه کوسفند سی باه بنویس و در زیر دیکدان دفن کنی
دعا اینست ببند ببندم حیا ببندم دو حیا ببندم لال ببندم
بحکم تو ذو الجلال و الاکرام باسم فلان بن فلان
محمد مرآله حبیب کسرادان تمام شد

منظر زهر بند سه دفعه بخواند کنکه دفعه اول سه مرتبه
کره کره بکوید کنکه دیوی بیشه کر بیری باد بندی
زهر بندی کنده ماری حلتیجه خلمه سبع
بافنادها وجد سبیلها هادون خیی خیی
ستو لهی لو کر لهی زهر یا بیت باد به بیت
لک لک زاهر به بیت طو س خیالی احرام
به بیت باد به بیت منظر زهر کث سه دفعه بخواند
بکوری بر کرانی هود جند بصح بنوم صیا
تهاکر نه لکرانی مکرانی صاهود س حیر
بانی شب یاک روز یاک واکرد . دعای مارکسیده
ماز زده بالشو برانب هفت مرتبه بخواند و بدهد تا بخورد شفا یابد
سعید السید الشرانی ایلکری بای الکنام الناس دهان
تورکی و دون نبی از برای زهر دلالک کر زهر برکرد بر دم التار دی
شیر کار بخواند و بده تا بخورد شفا یابد با برجهل یکبار خوانده شود
هلو اهلو اجواد کطی بحق علی مرتضی بحق حسن و حسین
و رضا بحق شهیدان کربلا بو لیا بو لیا بو لیا جی یاجی یاجی

بسمله

رفسون كال مرد دملك وكژدم وعقرب ديسنت لجواز
لا اله الا الله آسا يش محمد رسول الله صلى الله عليه و
آله وسلم ستايش عليا ولى الله گشايش عقرب عقيان
كلژ عيان عقرب سوردم اللهمنك بور رغيلان اوز
ايكي پير دورت مينك بيغمبر بنك دعا سيلان وبيغمبر مانا
خداو بحكم سليمان بيغمبر وبدم سلطان سيد احمد كبير كفج
سجلي بجللي جادوي جللته جللكلته كر لرتي يا
جوجي ماجوجي ياز برشو يازبر شو يامر لغف بسر ون شو
قنده قنده قرا قنده الم قنده لسته قنده لسيار قنده ربحكي
كوره كي ناصر كلدي كفج كل كندي كل كندي باكندي باكندي
بابندي بابندي بجول بندي هله تكاري چكاري قوين
كلدي كفج دول بوي دلار بوي شاه بوي ماه بوي كوبني بو
قوين كلدي كفج بجي بجي حلو بجي كشميي يابجي حبتجي موي
دلمك كمهن كري كر بن بجي كفج بجي بجي كرمان بجي عينل
مينل حوي الف موي در پا سوتي مرج لبستي كيا سوتي
اقولاها ستاير قوين كلدي كفج جاب چينك مكر مكر
طوتي طوتي مكر زنجيبه مكر قوين كلدي كفج كوه بجي
كوه كوه

كوه كوه بجي مس د جلك تحر بجي اكلمي بيرا قوتي بيراكبر مت
فاني بيراجلي قندجلي فانرا بحكم سليمان بيغمبر وبدم سلطان
سيد احمد كبير كفج كل مكري كل مكري لاله مكري بيره
مكري ادره بوي جره بوي زرد بوي سبيم بوي اهربوب
وبحق خداو بحق محمد المصطفى وبحق علي مرتضى وبحق سليمان
سليمان بيغمبر وبدم سلطان سيد احمد كبير كفج طل قندي
ماقندي طل بندي لسته بندي اكر بندي طل خيبري
قوين كلدي كفج مرد مكري جانكري ناسي صندل كري
خطل كري وزد لكري بوكري سخت كري طل بندي ادجل
هاجل بلاجم بجاره جم قوتي قوتي دار سوتي صد خار كاخي
كالي مالي هلا سطر قوين كلدي كفج لا اله الا الله آسا يش
محمد رسول الله صلى الله عليه وسلم روايش علي ولي الله گشايش
مادكري كلته كري كبود كري بوي بلا قزل آلا بجي بجي
اق بجي قره بجي مرد جلك محر بجي سيكه بجي بحكم سليمان
بيغمبر كفج هيكري بيكري كر بن كوت كتور بند بند زدكم
ذالم لكه سما لسند خالم لكه ما تو يان ماه چيان جرم بكي
كفج اه يلنكبي ماه يلنكي لنده اوري لنده شوري تكر تكر

بحکم سلیمان پیغمبر زهر بدر رو بدر رو شیره سینی تورتی
سینی سیمنی سیمنی کال دلمک ذنکی عقرب وبفرمان خدا
وبحکم خدا وبقول سلیمان پیغمبر زهر بدر رو بدر رو
قندی قندی ماه قندی اله تمغا قندی تو بزرک
مباشی خدایا تو بزرک باشی الجلیل جبار الخالق لیل
والنهار وبفرمان خدای عز وجل وبحکم سلیمان پیغمبر زهر
بدر رو بدر رو عقربی بتری جتری میتی هاتی تورت
ونذن قوین کلدی قوزی کلدی اباغلر ینکل توزی کلدی
پیغمبرین اوزی کلدی پیغمبرین قزی کلدی زهر بدر رو بدر رو
اللهم کهنکه جوانه کلم لهانه کربه نکری نکری دهار دها
بحکم سلیمان پیغمبر زهر بدر رو بدر رو دور ردیدم دور
بند دیدم وبحق شیخ شکر بندیم الفنای مادر روشنا رجانی
افسون کردم وبفرمان خدا وبحکم سلیمان پیغمبر زهر بدر رو بدر رو
دینه دینه دربنه شکی تمور کرتنه علی جنکی
مرنکی قوین کلدی قوزی کلدی بس بوجاق بحکم
سلیمان پیغمبر کوف حج منکا منکا مسکی مسکی برمه
تشادی قندی قند الم قندی بری قندی
ایل کوچوری

ایل کوچوری ۳۳ بابود اردو بحکم سلیمان پیغمبر کوف حج حج
هونی ماهونی هاتونی ماتونی ایوانه الیوانه خاتون
ماتون آت مات خات مات اینکه مات بی بی مات بوت
مات زمات زمات بره بره بحکم سلیمان پیغمبر کوف
حج حج عقرب بقی عقرب کل شقی عقرب بو
حج کردم اللهم ینک بورغیلان پیغمبرین دعاسی لان
سوردم بر مینک عقل لان بحکم سلیمان پیغمبر زهر
بدر رو بدر رو بیجی آق بیجی نیجره الکه بیجی اهرکره
سیدم ادکم بیجی دم بدم صالح بیجی کوتر کوتر قوین کلدی
قوزی کلدی بابر پادشاه هندی کلدی کشمیری
کلدی مول تانی کلدی بحکم سلیمان پیغمبر زهر بدر رو
بدر رو شکل بند دیدم افسون کردم سیصد و شصت شش
رگ چهار صد چهل چهار پاره استخوان از سر بیرون
کردم از بازو بدر کردم از سینه بدر کردم از دل بدر کردم
از قی بیرون کردم از پا بیرون کردم از ناخن بیرون
کردم و در زمین بیخ کردم بحکم سلیمان پیغمبر زهر بدر رو
بدر رو در وقت کردن بخواند لا اله الا الله قید کردم
وبحق محمد رسول الله قید کردم وبحق علی ولی الله

قید کردم زهر دلمك بر زمین بند کردم در وقت کن ودن
بخواند لا اله الا الله آسیا بیش محمد رسول الله ۴۲
ستا بیش ورو ابیش علیا ولی الله کشایش کشادم
بحکم سلیمان پیغمبر زهر ببرد رو ببرد رو زهر بند با ید خواند
گکرا ینی مکرا ینی منه یلی جهانی سکت ایتی گو
کجا بجنا ینی لقی سن منه دیوی بکوری ببه
یا ری سکت نون جو کون کمت خالی سکت ایتی لوا
کی افسون مار عقرب و هر جنبنده گزیده باشد قدری خاک
بر گرد بر کون دست خود هفت بار ایند عا لو بخواند و آن
خاك لو باب دهن خود تر کند بجای گزیده مالند بتوفیق
خدا شفا یابد دعا اینست لیس کمثله طالب و لیس
کمثله غالب جهت کر دم باید در گوش گزیده سه مرتبه
بخواند دوا یه بجایه اینکه بجا الله هو استه کر بایه
بعد از آن یک سیلی سخت بر صورت کژدم گزیده زند
افسون دلمك یا من هو یا من خلق فسوی یا من
قدر فهدی یا من یکشف البلوی یا من یسمع
النجوی یا من محی الهلکی یا من یشف
الضحی

الضحی یا من اضحك و ابکی و یا من امات و
احیا و یا من خلق الزوجین الذکر و الانثی
بسم زهر تورا یا دلمك بحق سلیمان ابن داود لا اله
الا الله سینا ینی محمد رسول الله اسا ینی علی
ولی الله ثلث مرة و بعده بقرء ناد علیا
انهم یکیدون کیدا و اکید کیدا فمهل الکافرین
امهلهم رویدا مه و مه وکفن زهر بیرون ای
حکم حکم خدا حکم حکم مصطفی ۴ ع شیخ مزید شکر
شکی کلدی بابا پیری انا قر لندی کلدی کون
تنده قنده بلا تنده طیغا نم طیغا بنده جغا تیم ها های
ای زرة زرة چم زره چم زره شکر زدی شکر زدی
صدد حد حد لکری الکری للمنری للمندی اندو د
اندو دیب مکه عجالی مکه عجالی لولاك لولاك ذاك
زر بحکم سلیمان پیغمبر زهر برد رو بد رو اه یلنکی ماه
یلنکی سو سه لنکی خیره تنکی سن خن سن خن
بحکم خدا و بحکم پیغمبر خدا و بحکم سلیمان پیغمبر زهر برد رو برد رو

هر که از قرآن کند یک فال خویش — بیشکی واقف شود از حالهای خویش
باید نشینی گرد با طهارت از نخست — مصحف پس اول آخر درست
فاتحه بر خوان از اول ... — سورهٔ اخلاص نیت پیش ار
چه نیت کردی بار اینک ... — این دعا بر خوان مصحف برکشا
ستر اول با هفتم بر شمر — کنت نماید حرف اول آخر شتر

بعد از بسمله بخواند اللهم انی توکلت علیک وتفالت بکتابک فارنی ما هو المکتوم فی سرک المکنون اللهم انت الحق انزلت الحق علی الحق برحمتک یا ارحم الراحمین

چون الف آید بفال اندر کتاب — ابتدای کار شد خیر و صواب
ب به نیکو بیابی راحتی — منفعت یابی صاحب دولتی
ت بتوبه باز گرد از خطا — کردی صدقه بهر رفع بلا
ث اگر آید بفال اندر کلام — کردی اندر دین و دنیا نیک نام
ج جد و جهد کن در کار خویش — کشت در آید ناگهان دولت بیش
ح ز خویشان راستی بطلب قوت — از بلا و از عنا ایمن شوی

خ

خ نباشی خالی از خوف خطر — با خدا باشی زهر بد کن حذر
د دولت با شدت باشد ناز — دست تو بر او عرض کرد دراز
ذ ز دشمن قهر گردد شاد باشی — از غم و اندوه دل آزاد باشی
ر ما بفال آمد نشان مهتری — ای زغم ... دولت برخوری
ز نتیجهٔ خویش در ماند بحال — عاقبت یابی از آن سختی امان
س السعادت باشد در دو سرا — ام بیابی هر چه خواهی از خدا
ش ز دشمن تا نمانی ترس و بیم — لیک از دو حذر کردی مقیم
ص صبر کن دیابد هر مراد — چونکه کردی صبر کارت برکشاد
ض اگر آید ضمانت کس مشو — تا نه بینی در عنا ضامن ...
ط اگر آید بفال جوی نکار — در ره خالق شوی سرسبز کار
ظ اگر آید تو بی نوا بیمی کند از درد رنج — پس بیابد انچه طالب گردی کنج
ع اگر آید بفال اندر زمان — اشکارا گردد دات راز نهان
غ چون آید بعقبه دفع کن — تا خلاصی یابی از رنج و کهن
ف اگر آید بفال ای هوشیار — جمع گرد مال گردی کامکار
ق اگر آید شوی مقبول قول — بیشکی ایمن شوی از بیم و هول

کت بیسم ان بود کز نا کهان | در خصومت افتی اندر زیان
ل اگر آید بفال ایمن دخاصی | از غم و اندوه دل یابی خلاصی
میم اگر آید ز دشمن ملامت یابد | یا بد و دشمن باز گردد یا بدو
نون بیاید ایمن از رنج و عنا | بایدت پرهیز کردن دایما
واو از خلقان شود او بی نیاز | سازد شی کار دو عالم کارساز
هی هلاک دشمنان آمد بفال | درستی اندر گفتگو قیل و قال
لا گر بفال آید تو خوش | پس بیابی سختی و رنج و عنا
ی بغایت آید احوال خوشی | هم بیابی در کنار شاهی خوشی
لیک جمع تو فال خواه بنگر پی | ندانچه گوید حرف باید نکند ربی
این چنین بود الفبای انبیا | هم بریخ بود نو جمله اولیا
جمع کرده منظوم بنا فال کلام | شاه باد هر که خواند و السلام

افسون مار عقرب نقلست هر که این
افسون را با خود دارد یا سه نوبت بخواند و بر جبین خود
دمد از جمیع گزنده‌گان در حفظ و امان حق تعالی باشد و هیچ
جانور گزنده زیان و ضرر برو نرساند و این افسون نتواند
سانید اما باید بیک نفس سه بار بخواند و عزیز بسیار کرده ام
تجربه مکرر

این افسون را تجربه کرده ام و بسیار مجرب است و باید انکه این
افسون بر زبان نخوانند نیست بعد از بسم الله بخواند یا بنویسد
دو بی یتجای ایلک یتجای جمامع اب ستة
کرمای و بنویسد این افسون سه بار بیک نفس بخواند و بر
مقدار آب دمد بخورد مار گزیده و عقرب گزیده و غیره دهند
که در دست کم شود باذن الله تعالی و اگر مار گزیده و عقرب گزیده
حاضر نباشد و رسولی که فرستاده باشند که افسون کنند باید که بیک
نفس سه بار مقدار آب باین بخواند و بدهد به رسول و او که خبر آورده باشد
که فلان موضع شخصی را مار یا عقرب گزیده باشد باید دهد تا بخورد
درد او ساکن شود اگر او آب را نزد آن شخص نرساند فی الحال او
درد ساکن شود و الا رسولی که آب را به نزد شخص ببرد باید که در راه
به پس سر خود نگاه نکند تا به آن مار گزیده برساند بفرمان خدای تعالی جمیع زهر
بخورد و درد ساکت شود هر گاه دهن گرگ خواهی به بندی بخوان بکار رود

یماالی له نو که مهیلی ورتما دیقا مهیلی کما نیل لنا
دنسو مختعیل لنا رسوا انا ئیل نفتلسک و کعب
ود بنی موی کلام غیع تو غ نمیل م بال بوه بحی بال
دقل بحق کلام دهان ذئب بسته شود گرگ تمت تمام شد

جدول معرفة النوروز والقرعة

حمل	دلیلت آن بروز زیدن بادهای معتدل
ثور	دلیلت بر تغییر هوا الحرارت ورطوبت
جوزا	بادهای خوشی وزد و هوا گرم گذرد
سرطان	هوا تغییر گردد و میل به بالاوی کند
اسد	هوا مایل به برودت ورطوبت گردد
سنبله	هوا متغیر گردد بعفونتی وقت
میزان	دلیلت به بادهای تند و اکثر بیمار
عقرب	احتمال برف بالا و مناسب افتد
قوس	بادهای تند جهد و بالاوی ایکو در وقت
جدی	هوا تیره گردد و سرما سرد در وقت شو
دلو	بادهای خوشی ایکو وهوا گرم گذرد
حوت	دلیلت به بالاون دلک ده گی اهو

در سنه ۱۲ نوشته شده

عند الیوم بنویسی روز دوشنبه میان ... و حفظ ... جای ... خفته در زیر سر ... اکثی بر روی ... و در رنگ بنویسد ... رب العالمین ۱۱۱۲ اطرم رویش الی ۱۱۱۲ اطرم سویش ۲ ۱۱۱ اطرم کوش ... مالک یوم الدین

یوم الدین ۱۱۱۲ اطرم دنوانش والسحر واتحو ... ۱۱۱۲ اطرم ایاک نعبد ۱۱۱۲ اطرم ... وایاک نستعین ۱۱۱۲ اطرم نمایشی اهدنا الصراط المستقیم ۱۱۱۲ اطرم رکهایشی صراط الذین ۱۱۱۲ اطرم ... انعمت علیهم ۱۱۱۲ اطرم ... ولا الضالین ۱۱۱۲ اطرم بانیهایشی امین ۱۱۱۲ اطرم ازسر تا قدمی

دعای ... بسم الله بحق سلیمان ابن داود علیه السلام یا ارحم الراحمین ... مشتری

روز پنجشنبه باید بخواند دعای ... هر چهار دانه کنندم بخواند و ... بیندازد ... از برای ... برهفت دانه ... اعجیه خرج دارج مارج ...

جبار ستار احد صمد قادر ... یا ارحم الراحمین

بیار ... هفت دانه ... مرتبه بخواند ...

در ... نماز ظهر و نماز عصر روز ... مرتبه

که بخواند ... ذکر فلان ... برف

...

... شتیت ابن نون ...

بسم ... بحجت ... باز این طرم بنویسی

وباب بشورد وغسل کند کشغل کردد اکر خواهیب
کی نواز منزل خواب بی
بی روز ... ای این عمل
بنویس وباب بشوید وابرا
ببام خانه او بریزد
سه روز ... که آواره شود

ا	ء	٤	٢
ه	ا	ء	٤
ه	ه	ا	ء

این طلسم را بنویس
وباب بشوید وبخورد
... روز
... وه ... از
... داشود ومجرب است
تقدیم اول است
هر بعلو طلسم اینست

عنقائیل خرقیل
دردائیل قیل دائیل

اکر خواهی زن ... کند واقوام را حیله کنند
این منظر را ... بنویسد ... خوران ... و
بخوردا ولاغ ... ده جمیع اقوام ...

١١١٩ ص ف ه ه ه

زن ناظر ... شغل ... برقی بولیا ... مشروع
عشق کی لی کی کوف ... از جهت زبان بند
رغبات

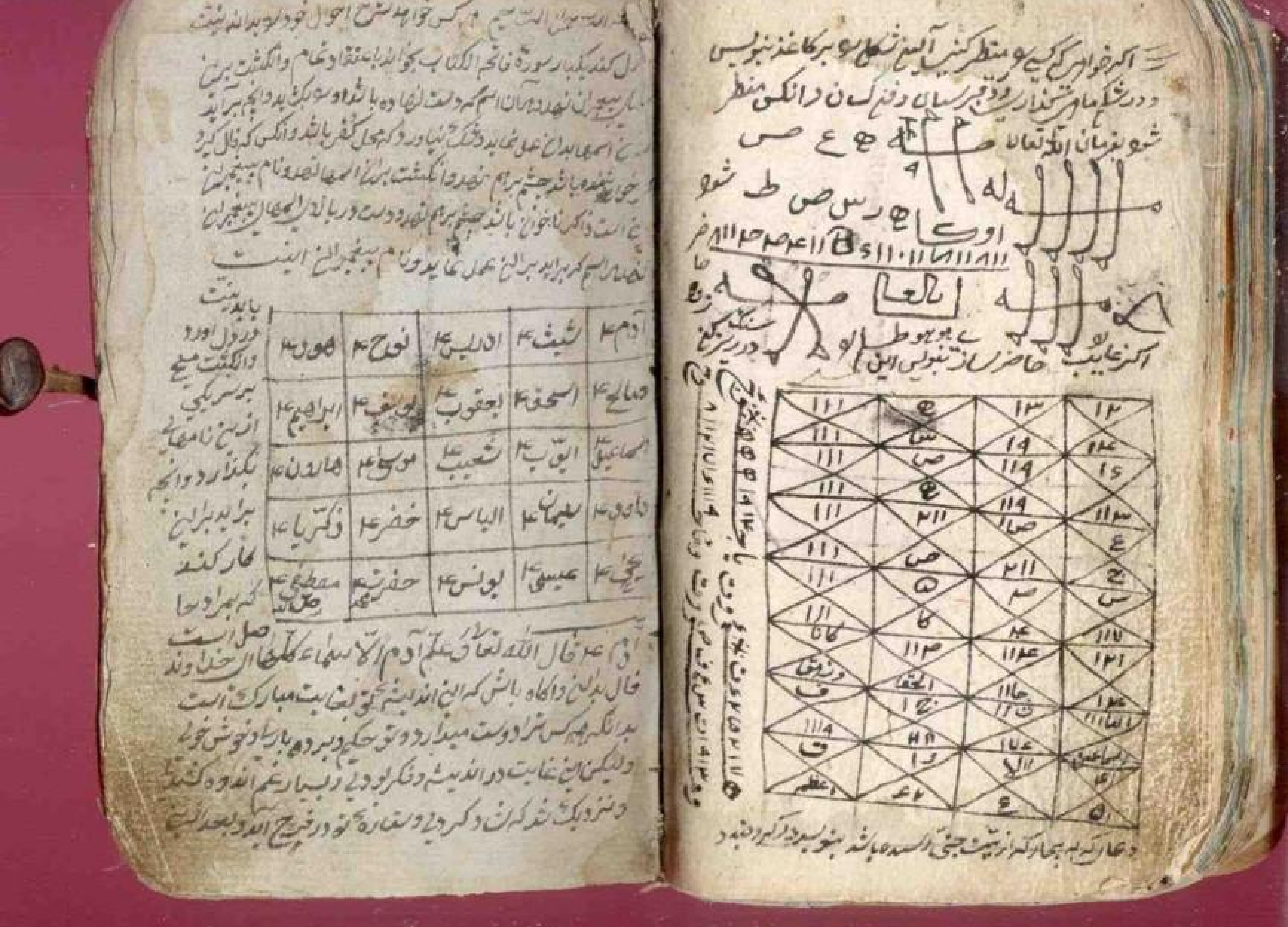
اغیار الکه زن این شکل را بنویسی بر استخوان
اولاغ وور در قبرستان دفن کند زبان اغیار
بسته شود اکلٌ کوکلٌ حلٌ حلٌ
اکر ... خواهد
م طی خمو کرد انداین مرتبه سه
... ای ... با این طریق بمشک زعفران وکافور وعنبر اشهب کنند
وور موم کیرد وودر بازوی موست ببندد ... ارام شود

حمعسق ٩	یس ١١١	طه ١١١
الر ...	طس ١١٤	کهیعص ١١١
١٢١١ عط	سح ١١١	غسم ١٣ ١١٩

حساب مرد وزن ... حساب ابجد کبیر ... کنند اکر طاق بماند
مرد بمیرد واکر جفت بماند زن بمیرد

دعای طاعون باخود دارد بسیار مجرب است واز ...
الم المص الر المر کهیعص طه طسم طس
یس ص حم حمعسق ق ن الا دعای طاعون
باخود دارد بسیار مجرب است ١ ٦ ١ ٦ ١ ٥
... ... باب ... مرد وزن ...
... باخود دارد اینست ١١١ ١١ ... ٣ ...

١١٤ ح ١٩ لا ص ص اط ٤٤ ٩ ٩



آدم ع	شیث ع	ادریس ع	نوح ع	هود ع
صالح ع	اسحق ع	یعقوب ع	یوسف ع	ابراهیم ع
اسماعیل ع	ایوب ع	شعیب ع	موسی ع	هارون ع
داود ع	سلیمان ع	الیاس ع	خضر ع	ذکریا ع
یحیی ع	عیسی ع	یونس ع	حضرت [illegible]	مصطفی [illegible]

قال الله تعالی وعلم آدم الاسماء کلها

و ذوق تو از این یافت و پیش از این غمخور بوده و از قبیل بدگویان و حاسدان
بتو رسیده و مدتی از این متفکر بوده و تدبیرها کرده بود ولیکن راست
نیامد تقدیر الهی شده پس کار راست آید و خداوند تعالی [illegible]
و خلاصی یافتی و از مردم محتشم راحتی بتو باز رسد و اگر مسافری
داری باز بتو رسد بزودی حاجتی که داری روا گردد و امسال بر تو
مبارک است و خواهد بود و روز شنبه و پنجشنبه بر تو مبارک
باشد ان شاء الله تعالی

شیث قال الله تعالی و فوض امری الی الله ای خداوند فال
تخمی ترا [illegible] روز بد [illegible] و میکند [illegible] از تو خواهد
و در کار [illegible] و [illegible] بتو [illegible] و کار تو بالا گیرد و از
[illegible] تو [illegible] کرد و [illegible] تو [illegible]
[illegible] خواهد آمد و این [illegible] شخصی [illegible] کار تو [illegible] و
در انجام [illegible] چند [illegible] میکند [illegible]
[illegible] که [illegible] و [illegible]
[illegible] بر تو مبارک باشد [illegible]
[illegible] الحمد [illegible] راحت یابی

و تاریخ

و تاریخ رسید [illegible] و دلیل بر [illegible] دوران
[illegible] و زیاد و مال بشد و از غم و محنت فرج یابی و میباید که در نماز کاهلی نکنی
تا بمراد برسی ان شاء الله تعالی

ادریس قال الله تعالی فتحنا لک فتحا مبینا ای خداوند فال ترا دولت
عظیم خواهد بود و تو چیزی را طلب کنی بیابی ولیکن [illegible] حاجت
[illegible] ملک و شخصی در کار تو [illegible] و [illegible]
و در این [illegible] بتو [illegible] و توجه [illegible]
تو و مراد [illegible] که هم کار [illegible] تو خواهد [illegible]
از آن راحتی بسیار بیابی و اندک غم تو رسیده [illegible]
روز [illegible] و [illegible]
بر خلق [illegible] گردد و [illegible] گردد و [illegible]
[illegible] و [illegible] بار [illegible] از [illegible]
[illegible] و [illegible] شب و روز دعای خیر تو میگوید [illegible]
[illegible] با شخصی [illegible] که در این [illegible]

بهیچ ببردن خواهد آمد و زود به سعادت خواهد رسید و نیکی
در حق تو بدیها میگویند هیچ غم مخور که بدیها او بتو نرسد و حاجتی
که داری برسد اگر درد و از غایب خبر خوش بشنوی و مراد تو حاصل
شود انشاء الله تعالی ـــــ نوح ع و اصنع الفلک
لکلمات ای خداوند فال بدانکه شخصی ترا پیوسته نیک خواهد
و تو مر نصیحت میکنی و قدر ما تو نمی برند و در میان ایشان غایب
خواهد بود و ایشان [illegible] هلاک خواهند شد لیکن رنج باد ترا بر عمر
دراز باد و نعمت بسیار اما شخصی دایم با تو بدیها میکند و تو بسیار
راحت باو رسانیده و ترا اندک غم خواهد بود باید صبر کنی
دراز شود با کسی نگوی تا بسلامت باشی و ترا سفرها در پیش
است و از این سفر راحت بسیار یابی و خبر خوش از غایب
بشنوی و از [illegible] شوی و از این روز تا پنج شنبه و شنبه بر تو
مبارک بود و روز ادینه درمیان جنگ و خصومت نروی
و با کسی گفته نگوی نکنی تا ستاره های تو در روشنائی آید و کار تو بمراد
رسد انشاء الله تعالی ـــــ هود ع قال الله تعالی
و ینصرک الله نصرا عزیزا ای خداوند فال بدانکه
روشنائی در کار تو خواهد بود اما در کارها حیرانی که چگونه
خواهد شد و قوم بر تو حسد می برند و از مردمان بتو دشمنی
بی ورزند

بی ورزند و خدای تعالی ترا نگاه میدارد و صدقه بده
تا ترا در دنیا شد اما باید او چنانکه خود را خواهی و مردمان ترا
هم بخواه خدای تعالی کار بسته ترا بگشاید و ترا از همه اندوه ها برهاند
و بمقصود برساند اما اگر نیت کاری در دل داری تا ده روز دیگر
صبر کن و هیچ غم در دل خود راه مده که بمراد و تمنا ها خواهی رسید و
خداوند تعالی ترا منفعتی مناسب بدهد که از آن راحت
بسیار بیابی اما تو شخصی تند تیزی با همه کس نرمی پیشه گیر تا
از همه بلاها ایمن باشی با در شکم یا در سینه ات بیماری درد و نفخ تا
نیک بختی باشی هم در دنیا هم در آخرت باید که راز با کسی نگوی
و در جنگ و خصومت نروی تا یک هفته دیگر ستاره تو
درست آید و بمقصود برسی انشاء الله تعالی ـــــ
ابراهیم ع قال الله تعالی قلنا یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم ای خداوند
فال [illegible] نیت که در دل داری [illegible] مطالع تو [illegible]
و [illegible] فوق [illegible] بعضی [illegible]
حق تعالی [illegible] بفضل [illegible] و مردمان [illegible]
که [illegible] فرزند [illegible] مقبل و [illegible]
[illegible] و ترا [illegible] چشم [illegible]

وانتشار تو و ایمنی رسد بر تو مردی بلند بالا و زبان که بر دل الفت تو هست او

هر دو بد با تو میجوید ابزو لشکر الیث تیر ا مشهور کرد اند و ترا بمقصود

رسانند و دل در چیزی بسته و وسوسه داری که چیز خواهد شد خواطر

آسوده دار که او چیز بتو رسد و بر دو دید مراد حاصل شود و در دین

بر تو مبارک باشد اما روز شنبه در بیا جنگ و خصومت مرد

تا بسلامت باشی و از غایب خبر خوش بتو رسد ان شاء الله

تعالی ـــــ اسمعیل ع قال الله تعالی و فدیناه بذبح

عظیم خداوند تعالی ترا هیچ شر نباشد مکر رنجی از آنکه کسی است دارد

باید کر است بشنوی که وکر کرده عذر بخواهد و در طاعت کوشی و خوشنودی مردم

در بیت رحمتی رسید طوشان بیاده رسته و رهلوت ... و او نشان نیک

بختی است اما مردی ترا تعالی خیر میکند و از خدا تعالی مراد حاصل است و نیت

صدقه میکند خدا تعالی مراد حاصل است و عار و تسکین خدا نیکاه میدارد و بر نشان

است و دلیل در در ازی عمر تو میکنند ایرت خواهی بایش و در این روز ترا بلیت

بجز و فع شود اما در این جا مرو صبر کن تا ماه نو تو را وصیت است و فرزند خواهد شد که

بر تو و مادر مبارک باشد و به تمیز میباش تا از همه بلاها ایمن باشی و از خود

کسی تا آسوده کرد و دل در کسی ببندد که قدر ترا بداند اما عاقبت کارت بر

خواهد

تو امید و از غیب خبر خوش بشنوی اگر میر تری امین کرد و اشک مبارک

بمقصود برسی ان شاء الله تعالی اسحق ع قال الله تعالی و بشرناه با

سحق نبیا من الصالحین ای خداوند فال بدانکه در تنگی و تاریکی

گرفتار و بسیار رنج کشیده و بلا بتو رسیده است امید چنان است که خدا تعالی

ترا در این چند روز از این محنت رهانت دهد و بمقصود برسانی اما قوم بر تو مکر

و الشمی بجو بیند حق تعالی ترا اصفر دهد و ترا فرزند دهد که قدمش بر تو

و مادر مبارک باشد ترا الفت و نعمت و امید و برود حاجت روا گردد

و مراد دیگر داری بر سر اما باید که الستی میکنی و بگفته او کار میکنی ترک باید کرد

و گفته او نباید شنید و از مکر او ایمن مباش و از شخص بلند بالا با ریک قد ایمن

مباش و در روز شنبه و پنج شنبه بر تو مبارک باشد اکار بمراد تو باشد ان شاء الله تعالی

یعقوب ع قال الله تعالی یرثنی و یرث من آل یعقوب ای خداوند

فال بدانکه بسیار غم و اندوه خورده و جور بسیار کشیده و سید از هم

چیزها بر داشت حق تعالی بفضل خویش در احسان بر تو گشاده بهشت

و نوبه ای از غم بر تا نمید اکنون بر تو باک تر اگر در تا ای خبر تو

گشاده گشته و آفتاب در میان طالع تو آمد یوسف باز رسید دشمن

بود خرم وقت و خرم خواهد بود کرد طالع بخت برو منت نخواهد نشست
و غایب که داری بتو باز رسد ان شاء الله تعالی یوسف عم قال الله
تعالی لقد کان فی یوسف و فی ابتلای ای خداوند فال بدانکه
قوم با تو نان و نمک میخورند و با تو حسد می برند لیکن رنت باد
ترا برین ظفر یابی و درین هفته راحت بتو رسد اما کسی با تو قول
میکند و خلاف و میکند و تو دل بر او بسته دل بر خدا بند که انچه در دل داری بتو
رسد و رحمت از بزرگی بتو رسد و سفر در پیش داری اگرچه اول زیان بینی اما آخر سود
بسیار بیابی و در شادی شوی اما بزودی سفر حرکت نباید کرد طالع تو ضعیف و از عقد
و شرکت و معامله تا چند روز دیگر صبر کنی که از نحس بیرون آمده آن وقت
و بخت و روزی تو کشاده شود و از دست شی خرم شوی از بزرگان و بخت [illegible]
کوشش کنم که ترا نیکی و منفعت خواهد بود و درین چند روز گفت گو حذر کنی و اگر
از تو چیزی گم شود پیش باز رسد و طلب او مباش و بجهت غم و اندوه بر دل تو
رسیده و خبر بکنی زود غایب برو دل بتو رسد و خبر خوش بشنوی و روز
یکشنبه و آدینه بهر کاری که روی مبارک است و بجمله مقصود برسی ان شاء الله
تعالی ایوب عم قال الله تعالی انا وجدناه صابرا نعم

العبد

العبد انه اواب ای خداوند فال بدانکه چیزی از تو گم شده است و به سبب او غم
میخوری و اگر صبر کنی با مرادات برسی تو درین مدت [illegible] و مقصود تو آمده
جمیع نعمت بتو نزول کند و درین چهار روز بزودی تو [illegible] اگر نیت
سفر داری برو که نیک است و در روز [illegible] مقصود برسی [illegible] عقد و تزویج
رحمت [illegible] فال تو خوب است [illegible] طالع [illegible] بدان
انچه طلب [illegible] لیکن از سبب [illegible] حرام کردی [illegible]
رحمت خواهی [illegible] شعیب علی نبینا و علیه السلام
قال الله تعالی و ینصرک الله نصرا عزیزا ای خداوند فال بدانکه [illegible]
[illegible] خواهی [illegible]
[illegible]
[illegible]
مکن [illegible] خدا [illegible]
باشد که [illegible] مبارک باشد [illegible]
تا مراد [illegible] خدا [illegible]
و [illegible] خدا مباش [illegible]
نصرت [illegible] غایب خبر خوش بشنوی [illegible]

موسی و آن حاجت موسی علیه السلام و کلمه ربه فال آمد بنده در قلم ماندی
و همچنین در رنگ آیا چگونه خواهد شد و از بی فرعون که ناحق خونم نخورد گرد
دروغ
خیال گشته بودی بسیار گشت که تا گویند بر آن شان آورد دوهم کار بالا گیرد
و بعد از آن در زمین مصر شه باشد بتو رسید و خدای عز و جل او را بتو بازده و هر کار
تو بود بخیر متبدل گرده و دولت در سبب کار به مشغول است باید عهد
خواهم کرد دیگر که شفقت و رنج زود به خبر خوش بتو رسد
و کار تو بالا گیرد و می باید که نماز که الهی تکمیل و بدانجه ترا دولت
رسد صدقه بده تا از همه بلا ایمن باشی ان شاء الله تعالی
هابیل حسن علیه السلام قال یا هارون ما منعک اذ رایتهم ضلوا ای خدا
وند فال بدالکه ای رب با دیگر بد دولت و راحت و برود
شغال رسیده آفتاب بطالع تو رسیده است آیا ایجفی هستند
که بر تو حسد می برند نیکی ترا دوست میدارد و نصیحت و پند
دل بشنو که که امثال بر تو مبارک است دعا بیر که دارند بتو
باز نرسد هم در رنج زود به سوگند خورده کفارت او را بده
تا آسوده باشی و بسیار غم و اندوه کشیده ای هم بر تو بگذشت
و خرمی تقاضا خواهی دید و بر شکم زن یا خالی دار به و ادلت ان
نیک بختی است و بیکی این مراد در دل داری و پیوسته خواب
آشفته می بینی و فراموش میکنی و دل قوی دار که بمراد برسی ان شاء الله
قال الله تعالی یا داود

قصه داود علیه السلام قال الله تعالی یا داود انا جعلناک
خلیفة فی الارض ای خداوند فال بدالکه بر سر قوم خصمی و بزرگی
تو ایک کسی که از جمله در فرمان تو باشد و از جهت زنان اندوه کسی بوده
و خود از ایکا دارکه شخصی در عقب تو بد اندیشی میکند و هر جه ترا
در دلست در زبان است امثال رنج بتو رسیده خدا تعالی
ترا نگاه داشته و یکی بد اندیشی میکند و از برای تو جادو میکند
زالسح بخی آیه و از خود باکسی نکوی چند روز دیگر نعمت تمام بتو رسد
باید که در نماز که الهی تکمیل تا بمراد برسی ان شاء الله تعالی الیاس علیه السلام
قال الله تعالی وان الیاس لمن المرسلین ای خداوند فال تو در
غم ماندی و در هوس فرزندی خدا تعالی ترا فرزند عاقل مقبل بدهد
در از سفر واهی ترا خبر خوش رسیده و نشان در تن دار به و دلیل بر
درازی عمر تو دارد و خواب آشفته بسیار می بینی و فراموش
میکنی و صبر کنی و در طاعت کوشش کن که قوم با تو دوستی میکنند
و نقصان کار تو میجویند و با تو دم از دوستی میزنند و از ایشان
بر حذر باش و زبان بتو رسیده و زحمت بسیار کشیده از دو شغفان
اما خدا تعالی ترا نگاه داشت و عوض آن بتو باز دهد و ترا اند
یشه در دل هست و هیچ طمع داری باید که راز خود با کسی نگوی
تا بسلامت باشی و کفارت سوگند بر تو است ادا کن و یکی تا
کار تو بمراد تو باشد و زر آوری و شغل بر تو مبارک است

و بمقصود خود برسی و غایب تو بتو رسد و بر دشمنان ظفر یابی ان شاء
الله تعالی

سلیمان علیه السلام قال الله تعالی ولسلیمان الریح غدوها شهر ورواحها

شهر ای خداوند فال بدانکه این کاری که میکنی و در طلب آنی اگر استغفار میکنی زود
بتو رسد و بدانکه این کار [illegible] اما شخصی [illegible] بر تو [illegible]
و [illegible] کار بسته‌ای بتو گشاده شود و کشف و روشنی [illegible]
جای [illegible] بازدارد و اگر [illegible] که تو [illegible]
خدای تعالی [illegible] بر تو [illegible] خیر میدهند
و حرمت او بدار هر کار که پیش آید اگر [illegible]
معصیت‌ها پرهیز کن و [illegible] و [illegible] خبر خوش بشنوی
و [illegible] بر تو [illegible] ان شاء الله

[illegible] علیه السلام قال الله تعالی انا فتحنا لک فتحا مبینا

ای خداوند فال بشارت باد ترا که دولت و نعمت [illegible]
بتو رسد و بر دشمنان [illegible] خوش شوی [illegible] دولت [illegible]
شاد شوی و کار بر تو گشاده شود و کشف و روشنی [illegible]

براحت

براحت و نعمت برسی و ترا کاری بزرگ افتد که از آن فایده تمام بیابی اما
یکی تو را [illegible] مصطفی [illegible] اما
تا سه روز [illegible] از روز [illegible]
و [illegible] بر تو مبارک باشد و از بهر آن شخص غم مخور و [illegible]
اما [illegible] که [illegible]
[illegible] بمقصود رسی ان شاء الله تعالی

زکریا علیه السلام قال الله تعالی اذ نادی ربه نداء خفیا

ای خداوند فال در کار [illegible] شتاب مکن که شتاب خوب نیست و عاقبت از
پشیمانی [illegible] بشارت باد ترا بدولت و نعمت و راحت [illegible]
و [illegible]
ترا کرامت [illegible] و [illegible] خدای تعالی
[illegible] مبارک باشد و با
دولت [illegible] چند روز [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] بر تو [illegible]
[illegible]
و بتو رسد و [illegible] بر تو مبارک باشد و سفر [illegible]

و بمقصود خود برسی و غایب تو بتو رسد و بر دشمنان ظفر یابی ان شاء الله

تعالی

سلیمان ع قال الله تعالی و لسلیمان الریح غدوها شهر و رواحها شهر

ای صاحب فال این فال [illegible] کاری میکنی و در کار غایب [illegible]

بتو رسد و [illegible] اما [illegible] خوش دل [illegible] و [illegible]

و [illegible] بتو [illegible] و سفر در پیش داری [illegible]

نجات [illegible] و اگر [illegible] [illegible] [illegible]

خدای تعالی [illegible] و [illegible] کنند و صبر کن که

[illegible] ترا [illegible] خبر میدهند

و [illegible] [illegible] اگر [illegible] [illegible] از [illegible]

معصیت ها پرهیز کن و [illegible] تا کار [illegible] [illegible] خبر خوش بشنوی

[illegible] ان شاء الله تعالی

خضر علیه السلام

قال الله تعالی انا فتحنا لک فتحا مبینا

ای صاحب فال [illegible] دولت و نعمت [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] بکشاید و سفر در پیش داری که از آن [illegible]

براحت

براحت و نعمت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و تمام [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] مصطفی [illegible]

تا سه روز [illegible] [illegible] [illegible] از روز [illegible]

و پنجشنبه بر تو مبارک باشد و از [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] و بمقصود برسی ان شاء الله تعالی

و زکریا ع قال الله تعالی اذ نادی ربه نداء خفیا

فال در کار [illegible] شتاب مکن که شتاب خوب نیست و عاقبت [illegible]

پشیمان شوی و [illegible] [illegible] ترا بدولت و نعمت [illegible]

و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] غم مخور که خدای تعالی

ترا [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

که عهد [illegible] [illegible] [illegible] مبارک باشد و با

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] چند روز [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] غایب [illegible]

[illegible] بتو رسد و [illegible] بر تو مبارک باشد و سفر [illegible]

پیش است اگر بروی بسیار خیر بتو برسد و بمقصود برسی بکو
انشاء الله تعالی یحیی ع قال الله تعالی یا یحیی خذ الکتاب
بقوة ای خداوند فال بشارت باد ترا که بر سر قومی قدم خواهی
نهاد چنانچه هر کس بفرمان تو باشد و از بزرگ چیزی بتو
خواهد رسید و کار بعضی تو گشاده گردد و نعمت بتو بسیار
روی نماید و هیچ غم مخور که اعتقاد تو پاک و درست است و خدای تعالی
ترا بنعمتها رسانیده است که در دل خلق شیرین باشی و همه
کس ترا دوست میدارند و ترا خدا یاری دهد و اگر کسی در
غربت داری بتو رسد و دل در چیزی بسته و اندیشه مکن
که بمراد برسی انشاء الله تعالی عیسی ع [illegible] ضحک
ومنا ضحک ای خداوند فال این نیت که کردی بسبب کفایت
نیکو است و از غم برستی و بمقصود رسیدی و غم تو دور شد
و کار تو بالا گیرد و دشمنان مقهور گردند و هر روز
عزت زیاده گردد و همتای خود برسی و سفر در پیش
داری برو که نیک خواهد بود و نعمت بسیار بتو رسد که حساب
در این نیست از برکت پدر و مادر خدای تعالی ترا نگاه
میدارد و اگر کسی در غربت داری بزودی بتو رسد و
مثال بر تو مبارک باشد و همه دشمنان خوار باشند
و هر نیت که کردی بمراد خود برسی انشاء الله تعالی

یونس ع قال الله تعالی فلولا انه کان من المسبحین
ای خداوند فال در تنگی و تاریکی گرفتاری از شکر خدای تا از هم
بلاها و غمها برهی اکنون از نیت خیر [illegible] خواهی یافت و ترا منفعت
خواهد رسید و خیر بسیار ببینی و بمراد برسی از مردمان بر حسد میبرند
ولیکن بمراد نرسند و تو بر ایشان ظفر یابی و شخصی در خویشی
اندیشه تو است و از این خبر [illegible] بعضی [illegible] و غم [illegible] روزی
[illegible] و خدای تعالی ترا فرزندان دهد و خدمت پدر و مادر
مبارک است [illegible]
و دل [illegible]
[illegible]
[illegible]
انشاء الله تعالی [illegible] قال الله تعالی جل جلاله [illegible]
ای خداوند فال [illegible] تعالی جل جلاله [illegible]
بمقصود [illegible] بسیار [illegible]
گردد [illegible]

[illegible]

یاشد و ... گشتی ... و ... باشد و ... زرد ... کرد ... اگر

خواهی ... رسید ... با ... میشود ... و ... اگر

... زن راحت بنویسد ... حاجت ... امید ... بر ...

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... و ... الا ... گردند و ... بانقو ...

و ... شود راحت بنور رسد انشاء الله تعالی والله

اعلم بالصواب تمام شد سنه ۱۳۳

[illegible] الکتاب بعون الملک الوهاب الحقیر الفقیر

... شریف ولد ... محمد ... بخارا ... التستدد

ولد امیر محمد ...

[illegible]

اگر خواهی که احوال بیمار را بدانی ماند یا فوت میشود

این اسمها را بر کف دست نوشته و دست خود را بر ببیند؟

او نهد اگر خندید خوب میشود و اگر گریست فوت میشود

كلا مها مصر و مصطا اگر خواهی ...

که احوال بیمار نیک میشود یا نه بگیر نام بیمار ...

و مادرش را نو به حساب ابجد صغیر حساب کنم انگاه هفت

طرح کن تا اگر یکی بماند بمیرد و اگر دو بماند به شود

و اگر سه بماند بیمار ... و ... بطول انجامد و اگر

چهار بماند تعویذ بنویسد و اگر پنج ماند البته بمیرد

و اگر شش ماند به شود و اگر هفت بماند بیمار ... بطول

انجامد هر آن زنی که بچه در شکم مرده باشد ...

... بچه ... زان جدا شود ... که ...

... با ... دود کنند

... اگر خواهی که ... کز زن حامله

[illegible] با ختر قعود ب [illegible] زن و رمان [illegible] بد شو

اگر [illegible] در ته [illegible] فرو رود و بیر باشد و اگر شیر و رد دو بیت

اب بماند نشان دختر وارد — از سر این ماهی اسب

[illegible] والاغ که کم شود بیاید که همین طلسم را نوشته

در جای بگذارد همان [illegible] بسته میشود این طلسم را نوشته

[illegible] بر سنگ بگذارد بفرمان خدای عز و جل [illegible]

[illegible] دور [illegible] بیند شود که بسیار تجربه رسیده

[illegible] همان جای طلسم که خالیس

[illegible] نوشته و رنگ [illegible] باشد سبز [illegible]

[illegible] ١٥١٣٣١٥١٥١٣١٢١٢٣١٢٧١ [illegible] الله

[illegible]	یا میکائیل	[illegible]
یا اسرافیل	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

در وی شیشه کنند [illegible] که باشد تجربه [illegible]

یا بر [illegible] ابن آب — اگر [illegible] که دختر [illegible] بادو [illegible]

[illegible] دعا [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم

یا کریم یا رحیم یا غفور یا شکور [illegible]

[illegible] نوشته بر گردن ببندد یا صانع الخلیقة

بقدرته ورازق الطفل فی بطن امه [illegible]

[illegible] و ح ق ا ص گ [illegible]

[illegible] و بنویسند اهلکت و ضا اهلکت

وضع حمل بنویسد بر کاغذ [illegible]

اگر [illegible] دعا [illegible]

[illegible] دارند [illegible]

الرحمن الرحیم یا ذا العرش الکریم والملک القدیم

[illegible] یا رحیم یا ستار یا غفار یا احد یا صمد

[illegible] ادم [illegible] بر گردن ببندد [illegible]

[illegible]

بجهت ... بر ۳ پاره کاغذ نوشته هر روز یکی را
حل کند ... زیر ... صاحب دور کنند دفع شود

طططمم ۱۱۱۱۱ طططمم ۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱

سعططا سعططا

طططمم ۱۱۱۱۱

سعططا الفا از برای تب البرز
... ناخن بزرگ دست پوست نوشته

... مرقوس در پایه پوست

... در پای جیب تنا میخواه ... هر مرض
... یا بر حیوانی دیگر عارض شود قطعه ...
... تنها بند و وقت کره بزنند و بر هر گره یک بار
... بخوانند و بر آن حیوان ببندند اگر بر جای
... ببندند بهتر است بسم الله الرحمن الرحيم
خرج عيسى ابن مريم عن حمار فحبس له
... ولد ... خل ولد ...
ان رايتک ... الله عز وجل يشفي الله

دفع بول الدم که گرفته باشد بنویسند این طلسم را
نوشته و آنرا ... در زیر خاک کنند و الدم
... بر کمر ... بکر داشته ... نوشته کرد ...
داحاحي طه دور ... ه ه ٤ ٤

از برای آسان زاییدن زنان این طلسم را بر ۳
پاره کاغذ نوشته یکی را بر دست ... و یکی را ...
ببندند و یکی را در زیر زبان کنند ... دفع ...
شود دعا اینست

ى	س	ع
ع	٤	و
	ه	عه
الرحيم	الرحمن	بسم الله

ط ... ط

دعا از درد دل
بر پاره کاغذ
نوشته در آب
اندازند تا بخورد
یا با ضعف ... دا
... یا سه مرتبه
بر ... که درد ... بخوانند الله شافی ...

بسم الله الرحمن الرحيم بحق اسمائك الباهرة
وبقدرتك القاهرة يا مالك الدنيا و
الآخرة اشفني من هذه المرض يا ذا الجلال
والاكرام يا الله يا الله يا الله تحويل حمل
عظيم بنوشته با خود نگاه دارد نفعهای عظیم
[illegible]

دو تحویل حمل نوشته با خود دارد منفعت
[illegible]

دعا درد سر نوشته دارد و یا بر سر خود بندد
[illegible]
[illegible] یا [illegible] کهیعص بحق محمد
وآل محمد صلعم والله یا بسم فلان ابن فلان

[illegible] که [illegible]
[illegible] قال تزرعون سبع سنین دأبا
[illegible]

فما حصدتم فذروه في سنبله الا قليلا
مما تأكلون فلنأتينهم بجنود لا قبل لهم
بها ولنخرجنهم منها اذلة وهم صاغرون

اگر کسی را فرزند نباشد این دعا را نوشته در وقت صحبت
کردن با خود دارد و بداند خدای که جان محمد صلعم
در قبضه قدرت اوست اگر پسر خواهد و یا دختر حق تعالی
بدهد و اگر آن مرد عنین و زن عقیم بود باشد به قدرت
خدا تعالی فرزند شود هر کسی شک آورد کافر گردد

بسم الله الرحمن الرحيم ذو العرش الكريم
والملك القديم والعطاء العظيم والصراط المستقيم
يا مرسل الرياح وخالق الاصباح يا باعث
الارواح يا ذا الجود والسماح يا الله يا رحمن
يا رحيم [illegible] دی و [illegible] یا حی یا قیوم
و یا ذو الجلال والاكرام [illegible] دی وفا [illegible]

وخشوعی

وانقطاع الذی وخضوعی بین یدیک واعتمادی

علیک ربی سهل علی کل عسیر واصنع

عنی شر کل طالب وحاسد وعاهة

وآفة ومرض وشدة وبلاء ووباء

وذلة وکل علة وبلیة یا سبوح یا قدوس

یا قدوس یا رب الملائکة والروح برحمتک یا ارحم

هرگاه کسی کار بسته باشد این چهار اسم را از چهار جانب

بگوید باواز بلند البته روشن شود از جانب جنوب یا

عبد الودود از جانب شمال یا عبد المجید

از جانب مشرق یا عبد العزیز از مغرب یا عبد الکریم

از برای ان دو رکعت نماز در شب جمعه بگذارد و بعد از نماز

صد مرتبه بگوید الله شدید ... هرگز ...

برای کسی ... دارد ... الا ...

باسم ... و ... مجرب است ... العجل

الساعة ۳ ۱ ۱ ۱ ۹ ۸ ۸ باسم فلان بنت فلان

علی ... فلان بنت فلان الب بغ

از کتاب ابو سهل ابن عبد الله هندی

نقلست که بنویس ... باسم ... و ...

... باسم طل و ... و مادرم طل ...

... و ... و کره مجرب است

ک ۱ ۱ ۱ و ط ا ح ... و ... ۸ ۱ ۱ ل ... ادو ... وما مجرب

از برای زن حامله نوشته بر سر کند ...

قوله الحق

ابطال سر بسته شدن بچه بنه اشکوک اللوک ولا حول ولا
قوة الا بالله العلی العظیم ایضا بر ران راست بنده
ایضا بر ران چپ اذا السماء انشقت
واذنت لربها وحقت واذا الارض
مدت والقت ما فیها وتخلت واذنت لربها و

دعای ریشه گوسفند ابر چوب گل بخواند بر بالای
بام اندازد هر وقت که او چوب خشک شود ریشه
خشک شود لا فتی الا علی لا سیف الا

ذو الفقار یا علی مدد دفع ابله گوسفندان
و شتران این دعا را نوشته حاجت بمالند و دختر
باکره بر میان یا الله دفع شود نمیته نمیته
نمیته واهیته واهیته واهیته
الحمة الحمة واحلة واحلة
واحلة رحمة رحمة مبارکة
سر...

طرح هفت جهت

برون شود ابله از میان گوسفندان و شتر فلان
ابن فلان دور شود یا دافع البلیات یا سامع
الدعوات برحمتک یا ارحم الراحمین جهت خاک
خوردن طفل بر زبان نویسند تا بخورد دفع شود
طلمنا فا طلمنا ص الحرج بو خادیثا
مارفقا فا الف فا ابرای کم کردن علت ... باشد
الم اعاد راو ... ابجد جمع کنند و هفت هفت طرح کنند
یکی ماند صفرا ۲ ماند باد ۳ ماند جادوی چهار خون
پنج دیو پری شش بلغم هفت عشقی
یکی گرمی ۲ باد ۳ سردی ایضا ۴ طرح
یکی علت جگر دو باد ۳ هوا از ده گی چهار درق باشد
جهت ... درد سر و درد دندان ... [illegible]
در غایت ... [illegible]
کو ... [illegible]

باب اگر خواهی که کسی او را زج شی قی ی فالود

کرد دان ی که اینها را بنویسد و بخورد

دی دهد که بسیار مجرب است ععععععع

٩٩ ف ٩٩٩ ط ١٩٩ V

املیخا الوحا الوصا ان ان

الساعة الساعة العجل العجل

العجل العجل العجل عععع٩ ٩

ف بالبح فلان ابن فلان ٩

جهت محبت بنویسد در روز چهارشنبه یا یکشنبه

بر چهار پاره کاغذ یکی در در سوخت اگر نزد

دیگری در مرخ ال کند و بجای مطلوب دیگری و

در کنار دانش نگاه دارد و یکی را بکن داب

در دان نگاه دارد و طلسم انیست

٣	م	ل	ح	عو	٢	٣
عر	عو	ه	٤	٩	١	٤
ملك یا ٩٧	املل عا ٩٧	١	١٣	فلان علی حب	ع٩	ک

باب المحبة بنویسد در طعام کند و بخورد

ان کس دهد که مجرب است

٩٣٢١١١١١ عمح ح ١/١ ١١ ٢

الا ١١١ العجل العجل العجل ال عا ال عا ا

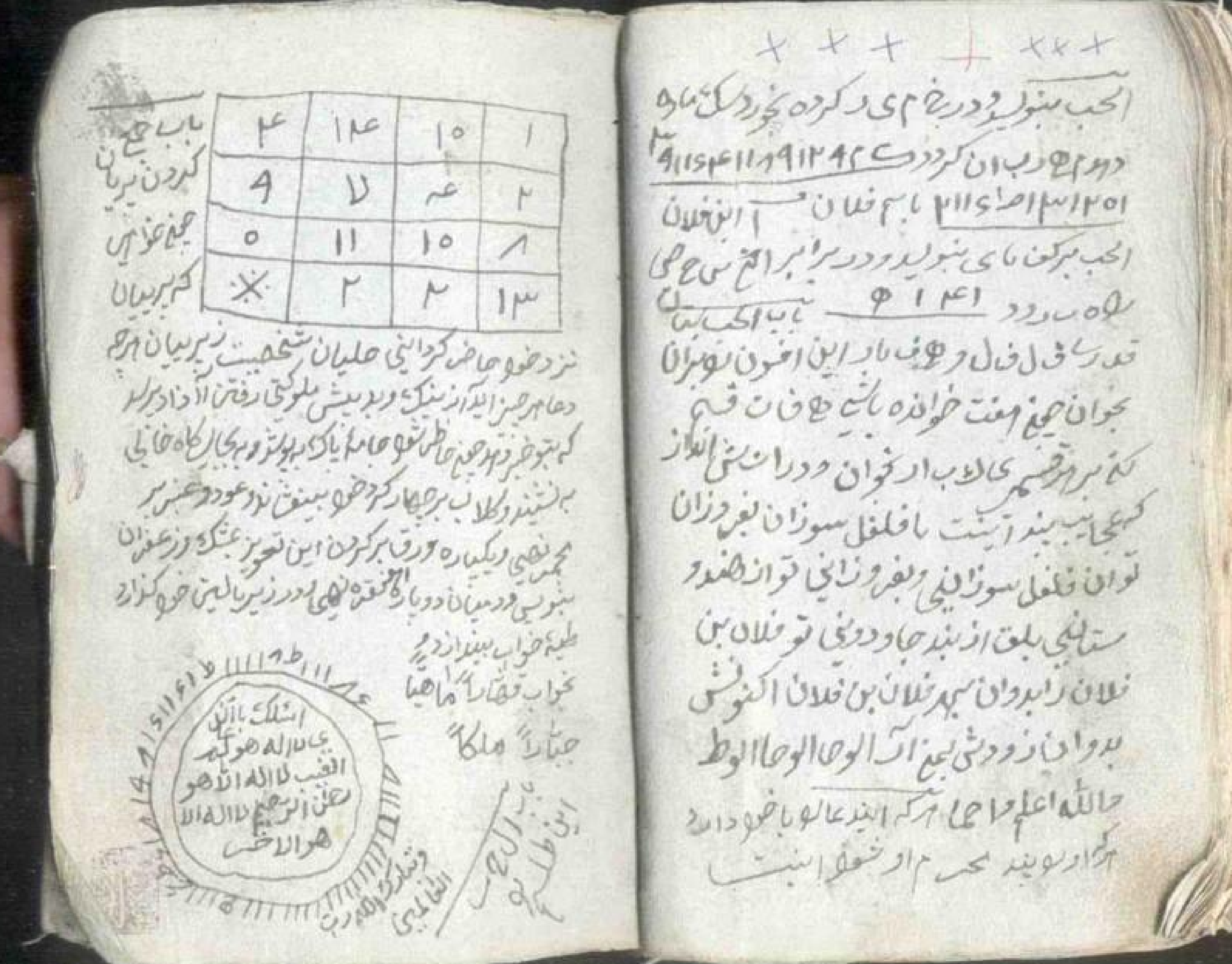
باب افسون عملی هر گاه خواهی که نوح اصلی

کنی یازده نوبت بر قرص نان خوانند

و در آتش انداز که ١٢ صی ذکر کرد قول الله

وَ رَأَیْتَ الَّذِینَ یَخُوضُونَ فِی آیَاتِنَا

فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى یَخُوضُوا



الحجب سنبولید و در رخم ی د کرده بخورد سگ ماده

دوم هیچ زبان گردد [illegible]

۱۳۵۱ [illegible] باسم فلان ۱ ابن فلان

الحجب مرکب ماه سنبولید و در برابر [illegible]

[illegible] ۱۴۱۹

باب الحجب

قعد [illegible] باد این اخوین توپران

بخوان جمع صفت خوانده باشی هیچ [illegible]

[illegible] بر [illegible] ای اب از خوان و درات [illegible]

[illegible] بند آینت با فلفل سوزان نغر زان

توان فلفل سوزانی و نغر زانی توان [illegible]

[illegible] بلع از بند جادو تو فلان بن

فلان را بدوان [illegible] فلان بن فلان [illegible]

بدوان [illegible] الوحا الوحا الوط

والله اعلم [illegible] هر که [illegible]

[illegible]

باب جمع کردن پریان جمع [illegible] کنم پریان

٤	١٤	١٥	١
٩	٧	١٦	٢
٥	١١	١٥	٨
[illegible]	٢	٣	١٣

نزد خود حاضر گردانی جلیان شخصیت زیر پریان هر چه

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] زیر بالین خود گذارد

[illegible] خواب ببیند [illegible]

[illegible]

اسئلک بالذی لا اله الا هو عالم الغیب لا اله الا هو رحمن الرحیم لا اله الا هو الاحد

در روز دوشنبه ن ب هـ بنویسید و در بازو
راست ببندد هر که او را ببیند عاشق و دوست
در شود مجرب است باب دیگر بنویسید و بشوید ب ح و ش ا ه
هر کس [illegible] از محبت او بی قرار گردد ۱۱۳۴۳۳۱۳۱۳۱۱۱ه

۱۲ ۵ ۴ ۲ ۵ ۱۳ ۱ ۵ ۱ ۱ م ۹ ره ع ه

۵ ۱ ۱ ۵ ۱ ۱ ۵ ۲ ۲ ۳ ۲

باب ایضاً اگر خواهی که مطلوب کسی دیگر را بغیر از او دوست
ندارد در این طلسم دوشنبه ب ح م ع ه در زیر ب هـ ل ری
او نهد که با و بخوابد که بغیر او کسی را دوست دیگر نباشد
از موده راست ۱۳ ۱ ۱ ۳ ۹ ۱ ۱ لا ۱ ۱ ۳ ۱ ۲ ۳ ۱ ۱ ۱

۴ ۳ ۴ ۹ ۱ ۱ ۳ ۱ ۳ ۱ ۱ محبت اطلاح ط ۱ ۹

ایضاً این طلسم را در روز جمعه ع ه بنویسید و بر
دست گیرد و بران کس سلام کنند و از جمله گردد
درج ال م ح ب ت بیدا شود ۱۱ ۹ ۱۱

ح
۱ ۸ سعد ۱۱ ع ۱ ۱ ی

هیج هو

تمام شد

بسم الله الرحمن الرحیم

این کتاب فال قرعه روایت از اول امام جعفر صادق
رضی الله عنه و دیگر از عبد الله عباس و دیگر از دانیال پیغمبر علیه
السلام بعد آنکس که فال خواهد گرفت باید که با طهارت باشد و
اندیشه هزل نکند و سوره فاتحة الکتاب بخواند و سه بار قل
هو الله احد بخواند و سه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و سه
آیت قل [illegible] بخواند آیت رحمت آید انکار نکند و اگر با آیة
آیت عذاب برآید انکار نکند چرا که امامان دین این فال را
تصنیف کرده اند و امامان دین آگاه شده اند ۱۱۱ قوله تعالی انا

۱۱۱

فتحنا لک فتحا مبینا لیغفر لک الله ما تقدم من ذ
نبک و ما تأخر امام صادق و عالم ناطق جعفر ابن
محمد الصادق علیه السلام میفرماید که ای [illegible] و
بشارت باد ترا که خدای تعالی در کار فتح و فرج بر روی تو گشاد
و دولت و اقبال روی بتو دارد اگر چیزی از تو فوت
شده باشد بدست آید و بهتر که دارد در طلب او باشی که بدست
آید عبد الله عباس گوید که ای صاحب فال فتح و نصرت

با سیری خصمان شوی و اگر در کار فرو مانده زود گشاده گردد و اگر
سؤال از عقد نکاح کرده مبارک است دانیال پیغمبر میفرماید
که صاحب فال اگر نیت معامله یا خرید و فروخت کرده
نیکوست و اگر نیت سفر کرده برو که با غنیمت و نعمت میباز
گردی شیخ نصر الدین طوسی میفرماید که طالع این فال برج
مشتری است و عاقبت همه خلاص دارد سه الف فرعیست
بسی که الیمن نصر الفتح گرچه از بخت مرتو
رستی الفتح الکنعم آن به از ادب ا ا ب قوله
تعالی و یعذب المنافقین والمنافقات والمشرکین
والمشرکات امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید
که ای صاحب فال چنان می نماید که در کاری فرو مانده و مدتی
شده است که کار تو بستگی دارد عاقبت گشاده گردد اگر سؤال
از سفر داری نیز وقتی او لایست اگر نیت از خرید و فرو
خت کرده نیکوست تر عقد بیوند هم نشاید و حاجتی که داری
توقف او لازم است اما دانسته در حب که بقول زنان کار مکن
تا ملال نیابی عبد الله عباس میفرماید که صاحب فال

این نیت

این نیت که تو کرده صبر باید که صفت نیکو نیست دانیال
پیغمبر میفرماید که ای صاحب فال صبر کن تا طالعت از برج بای
سیر رفع آید انگاه هر کاری که کنی خوب باشد و بمقصود خود
برسی خواجه نصیر الدین طوسی میفرماید که طالع این فال
برج جدی است و زحل الت صبر کن تا مراد یابی بکو
انشاء الله تعالی دو الف ب نه فتح الت به فال
کار تا نه به بعد امسال سالی دیگر مگر که به باشد
نیست هنگام این حدیث امسال ا ا ج قوله تعالی
ولله جنود السموات والارض وکان الله علیما ا ا ج
حکیما امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید که صاحب فال بشا
رت باد ترا که فال مبارک است این نیت که در پیش داری
بر تو سهل و آسان گردد و حاجتی که داری روا گردد عبد الله
عباس فرماید که صاحب فال اگر نیت از غایب داری بسلا
مت بتو رسد و اگر از عقد نکاح کرده بکن که مبارک است
و اگر چیزی از تو تلف شده باز آید و از قرض هم خلاص یابی
دانیال پیغمبر میفرماید که سؤال تو از این دو نیست از این

ضرم کردن و نفرد تیه نیست هست و بیمار بیت نیست خواجه نصیر الدین
طوسی میفرماید که طالع این برج السوالت روشنا ب یا سر
و به مقصود برسی ان شاء الله تعالی   د و الف جیم اگر زینت شاید
اندرین فال قصد عقد خوب آید   گرچه زینت پیشی تو بغم بعوب
بعد ازین غم زینت بیفزاید   اا د   قوله تعالی اعلموا ان الله
مولیکم نعم المولا و نعم النصیر   امام جعفر صادق علیه السلام
میفرماید که ای صاحب فال چنان مینماید که برلیت حالیی
حاضر الوقت خوشی باشی تا درین میان خصومتی بین اتفاق
و راز دل خود با کسی مگو و دریغ نیست شش روز دیگر صبر کنی
تا کار دنیا نیک شود   عبدالله عباس میفرماید که اگر نیت
سفر داری صبر کن و تعجیل مکن که هنوز وقت نیست   دانیال
پیغمبر میفرماید که ای صاحب فال طالعت حالیا ضعیف
مینماید تا دانی زنهار که دریغ نیست خدا او ید کو [illegible]
و حاصل ان باشد و دار و با اسم اعظم باشی تا از شر منافقان
دور شوی   خواجه نصیر الدین میفرماید که طالع این فال
برج عقرب است و ستاره مریخ است شتاب مکن که طالع
نیک خواهد

نیک خواهد شد   جه امد و الف باد ال ثابت
ببر افزون شود این جای مالت   سفر بیوند غایب خوب بنیو
کنعم کار تو صبر آمد حوالت   ا ب د   قوله تعالی یطوف   ا ب د
علیهم ولدان مخلدون   امام صادق و عالم ناطق
و جعفر ابن محمد صادق علیه السلام میفرماید که ای خداوند
و نند فال چنان مینماید که برلیث نیز و دل در بند منز
دل داری تا این زمان کار دنیا بسنگینی داشت النعم
نزدیکست که بکشاید و مراد دل به بینی   عبدالله عباس
میفرماید که ای صاحب فال حاجت داری از بزرگان غم
مخور که زود روا گردد درین نیت بیگمان باشی که تیز
دلتنگی و کل احوال تو نیک مینماید   دانیال پیغمبر
میفرماید که صاحب فال اگر سوال از غایب داری بتو
رسد و اگر بیمار داری صحت یابد اگر اندوه دیده د
وقت ملال دریافتنی است   خواجه نصیر الدین طوسی
میفرماید که طالع این فال برج السنبله است و خانه
عطارد [illegible]

عطارد است غم مخور که مراد یا بیر نیکو است ان شاء الله تعالی
الف ... ب دالیس ... ملامت دهد ایزد تعالی
سفر پیوند غایب خوب باشد چه در کار بیرون شدن ملالی

اجد قوله تعالی والله واسع علیم امام جعفر صادق ع
میفرماید که ای صاحب فال بدان و آگاه باشی چنان مینماید
که از برای کار دنیا رنج بسیار کشیدی و فایده ندیدی یا میخوا
هی که از کسی جدا شوی یا مقامی روی بپناه بنام الله کن
و برو که مبارک است عبدالله عباس میفرماید که ای صاحب
فال مدتی بیغم دوز است که جای و کارت پراکنده بود
النجوم طالع از برج و باب سرخه دو شنبه که در ایدولت
قرار گیرد اگر سوال از عقد نکاح است بکن که مبارک است
دانیال پیغمبر میفرماید که ای صاحب فال اگر نیت غایب
داری بسلامت برسد و اگر نیت دو شمع داری از شمع اله
از دو شمع برنج دنگ احتیاط کن خواجه نصیر الدین
میفرماید که طالع ایغ فال برج جوزا و خانه عطارد است

غم مخور

الف با جیم و دال فال زیباست الحمد صبر کن کارت مهیاست
غم اندیشه از خود دور گردانی که ابر و دنیا هم قبله الف عوفی است

ادا قوله تعالی ویقولون ائنا لمردودون فی الحافرة امام ادا
جعفر صادق علیه السلام میفرماید که ابتدا و نزد فال اگر سوال
تو از بهر سفر است مرو که سرگردان شوی و اگر شریک کنیز خواهی کرد
یا بنای کاری نباید کردن مرو اگر از بهر غایب کرده عاقبت الامر
باز بحضور رسد عبدالله عباس میفرماید که ای صاحب تو در
کاری در منزل مرباید که دایما با با معبود باشی تا کار در
گشاده گردد دانیال پیغمبر میفرماید که صاحب فال اگر از تو
چیزی فوت شده به تحمل باز بدست تو آید و اگر نیت عقد نکاح
کرده یا بنای کاری میکنی صبر کن خواجه نصیر الدین طوسی
میفرماید که طالع ایغ فال برج سنبله است عاقبت بمقصود
برسی نیکو است ان شاء الله تعالی الف دال الف تمت دا
بر تو بخشد نیک نامی داد تو ببند روا بود بهمت خف
که سعادت شوی تو روی بپناهی

ادج قوله تعالی واوفوا بالعهد ادج
کان مسئولا امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید که ای

صاحب فال چنان نماید که قوم عزیز تو بدی کرده اند تو فارغ
باشی که کار تو بالا گیرد و بلند شود و مراد برسی عبد الله عباسی
میفرماید که ای صاحب فال اگر نیت عقد نکاح داری
بکن که مبارکست اگر نقل و حرکت داری میانه حالست اما
بسنگینی مر انعکاس و اگر بنای کاری کرده ای بکن که فایده بینی
دانیال پیغمبر میفرماید که صاحب فال تن درستی و اسم صحت
بدن نیکست و اگر از خسته میپرسی صحت یابد و تا هفت روز
دیگر خلاصی یابد خواجه نصیر الدین طوسی میفرماید که طالع این
فال برج السعادت تعلق برون یکشنبه دارد غم مخور که مقصود
[illegible] تعالی اج ا قوله تعالی فان مع العسر یسرا
ان مع العسر یسرا امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید
که صاحب فال بدان و آگاه باشی که مینماید که از سبب دوستی
بیرون رفتن حالی غم مخور که بزودی خبر خیر و رستگاری یابی
عبد الله عباسی میفرماید که ایخداوند فال اگر کسی از تو جدا
شده ولست دیر زود باز آید مدت چهار ماهست که کار ه
نیک شده

رونق نداشت و هر کاری که کردی فایده ندیدی این زمان کار ت
رو به نیکی دارد دانیال پیغمبر میفرماید که ای صاحب فال اگر
رنجوری داری زود صحت یابد و اگر غایبی داری بی نو رسد
و قرض کردن و ضامن با تو نمیسازد ترک کن تا منفعت
یابی اما درخرید و فروخت ترا نیک نمیاید خواجه نصیر الدین
طوسی میفرماید که طالع این فال برج حوتست روشنایی یابی
الف جیم الغاء دعالت ابد [illegible] بر آید جمله کار تو نیکوست
سفر بیوند غایب خوب باشد بکام دل رسی از دشمن دوست
اج ب قوله تعالی وجعلنا علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه
وفی اذانهم وقرا امام جعفر صادق علیه السلام
میفرماید که ای صاحب فال چنان مینماید که مدتی نیست که ملال
داری [illegible] خاطر داری درین مقام که هستی مقصود
تو حاصل گردد انشاء الله در صحت گفتن که قران سنگینی در طالع
تو بوده گذشت عبد الله عباسی میفرماید که صاحب فال چه
مراد رنج داری سست وزنی که مرادت بر آید و اگر از
بیمار سؤال داری صدقه بده تا صحت یابد و اگر از
اج ب

غایب میسر بسلامت بتو رسد و اگر عزم سفر داری برو
که مبارک است و جمعیت شود و اگر سؤال دوستی داری امید است
بر آید و اگر از کم شده میپرسی زود در بدست تو آید خواجه نصیر
الدین طوسی میفرماید که طالع این فال برج عطارد است غم
مخور که بمقصود برسی   الف با جیم ب تا الف ربع با خوشی
ا ج ج بیرون جام منه دارد دوست در نوشی
ا ج ج قوله تعالی یا ایها الذین امنوا انما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلام رجس من عمل الشیطان   امام جعفر صادق
علیه السلام میفرماید که صاحب فال زن خواهد که درین کار کرد
حرام مکروه و باک نیست چند که نشست برخواست میکنی
بعمل نو زنده کافر کنی و از دشمنان و بدگویان در حفظ باشی
و از دوست و دشمن مترس که مراد بر سد   عبد الله عباس
میفرماید که ای صاحب فال درین نیت سفر کردن نشاید و
عقد و نکاح هم نشاید و صبر باید کردن تا این مقصود بر آید
و اگر از فوت شده سؤال داری از دست رفته است و غمی
آید و انداک بغم میفرماید که ای صاحب فال اگر نیت

ان غایب داری صبر کن که بتو رسد و از قرض نجات یابی
و مدت چهار ماه است که کار تو رونق ندارد این زمان
روان در نیکی خواهد شد   خواجه نصیر الدین طوسی میفرماید که
طالع این فال [illegible] است صبر کن تا مراد یابی انشاء الله
الف آمد الف الف با دو تا جیم   چنان دانم که داری انگبین هیچ
ا ب قوله تعالی و نجیناه من الغم و کذلک ننجی المحسنین ا ب ا
امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید که صاحب فال
در کار این سر کردان [illegible] کسی که بتحول دل بر او نخنه باشد
اما غم مخور که هر چه بد بود گذشت و طالعت روی بفتوحات است و
سعادت خواهی دیدن   عبد الله عباس میفرماید که ای صاحب
فال اگر سفر خواهی کردن یا نقل و حرکتی در خاطر داری
نیک است و منفعت حاصل شود و اگر از غایب میپرسی
بسلامت بتو رسد و اگر عقد نکاح میکنی بکن که مبارک است
و انداک بغم میفرماید که ای صاحب فال اگر نیت کار
خواهی کردن بکن که مبارک است و جمع منافق با تو دم
دوستی میزنند از و اما بر حذر باش که دشمن نتواند

وتو باید حقیقت باشی که از شر او ایمن گردی خواجه نصیر
الدین طوسی میفرماید که طالع این فال برج سرطانست
الف ب الف فالیست خرم شو که سنه رنج محنت غم
سفر پیوند غایب خوب باشد محو دعم زانکه کار تست مسلم

اب ب قوله تعالی واوفوا بالعهد ان العهد کان مسئولا
امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید که ای صاحب
فال البشارت باد ترا به توبه بفیروزی دولت وسعادت رهبر غیبی
که دارای بعود رسد درای زمان عبدالله عباسی میفرماید
که این قرعه مبارکست که بنام تو غلطیده است اگر نیت
سفر داری بمراد برسی واگر از غایب میپرسی بتو خواهد رسید
دانیال پیغمبر میفرماید که ای فال ظالم کس مشو تا خلاص گردی
وبا خلایق به ملایمت زنده گانی کنی واگر قرض داری خلاص
شوی زنهار خودرا محکم دار که درین نیت بمراد برسی خواجه
نصیر الدین طوسی میفرماید که طالع این فال برج اسد است
و خانه آفتابست دلیل میکند که تا روز یکشنبه از این

نیت واقف گردی و بمقصود که داری برآید ان شاء الله تعالی

اد ب قوله تعالی والنجم اذا هوی ما ضل صاحبکم
وما غوی امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید که ای
خداوند فال بس مبارکست اما قومی چند از سر تو اندوه
حدیث چند میکنند در فکر بد تو اند اما تو هیچ باک
مدار که حق تعالی مددکار تو اند تا از سخنان ایشان
اما از تو آنکه بالاسم اعظم باشی واگر نقل حرکت داری
نیکو باشد واگر از غایب سئوال داری نیکو باشد واگر سفر
میروی قدم بنه که مراد حاصل شود واگر نیت عقد نکاح
داری بکن که مبارکست و درین نیت یکجهت باشی که
از کم شده خبر یابی خواجه نصیر الدین طوسی میفرماید که
طالع این فال برج میزانست زنهار که براستی کوشی بمقصود
برسی بکلی ان شاء الله تعالی

اب ج قوله تعالی ان جهنم
کانت مرصادا للطاغین مآبا امام جعفر
صادق میفرماید که صاحب فال بدانی وآگاه باشی
که تو با جمعی حسود هستی میباید که در کار خود

با جفا ب باشی و بابای حقتعالی باشی تا آن شر دفع شود
عبد الله عباس میفرماید که صاحب فال اگر نیت سفر
دارد حالیا صبر کند تا سرگردان نشود اگر نیت عقد نکاح
دارد نیکوست دانیال پیغمبر میفرماید که صاحب فال اگر نیت
دوستی دارد این فال نشان کرده است اگر بیمار دارد صدقه بده
تا بسلامت برخیزد و اگر از غایب نیت دارد بحالا سو
فو فسق و لیجه شود سود نیست که بباید باسم اعظم
باشی تا بمراد دل برسی خواجه نصیر الدین طوسی میفرماید
که طالع این فال زحلست صبر کن تا بمراد برسی بکو انشاء الله تعالی
الف ب جیم این هجر نیست بهتر از این توبه باید نیست
صبر کن تا برآید امید که سعادت بکار تو نگریست
ادد
د د قوله تعالی للمصلین الذین هم عن صلوتهم
ساهون امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید
که صاحب فال مژده باد ترا بر جمیع خاطر و حضور دل
این فکر و اندیشه که تو کرده تدبیر نیکوست نصرت و فرح
و شادمانی مراد و کامرانی و دولت بتو می نماید
دشمن و نیکوست که مرادت حاصل شود عبد الله

عبد الله عباس میفرماید که ای صاحب فال خدا تعالی ترا
درستی و در نحوست بسیار خواهد داد و مدد تو بود و ما خواهش شود
غم مخور که بمقصود برسی دانیال پیغمبر میفرماید که ای
صاحب فال بلا که بسلامت خلاص و هم زن خدا و دو میر یاب
و دشمن که داشتی اکنون قطع شد این زمان هیچ اند
یشه مدار که بمراد برسی خواجه نصیر الدین طوسی میفرماید
که طالع این فال برج مشتریست و سعد بد نیست که کرده
شد و بایدی بکو انشاء الله تعالی خوب فرخنده آمد این حالت
به شود زود سر کمان حالت هر بدی که بد بدی از تو کن شد
بهتر از بار باشد امسالت ب ب ب قوله تعالی ب ب ب
الحمد لله الذی خلق السموات و الارض و
جعل الظلمات و النور امام جعفر صادق علیه
السلام میفرماید که ای صاحب فال کلید رنج
تو بود که [illegible] تو آمده است دلیل میکند بر مبارکی
و سعادت و جمعیت و نیک بختی و کشایش کار و ...

احوال در خلاص شدن از غم و آخر شدن قرض و دست از کار
کردار بر غم نخورد که زحمت باشد که از این نیت واقف کرد ما
اگر نیت بپیوندی در این کار مبارک است و اگر از غایب
طلب میکنی بتو رسد و میر نماید که دولت در دنبال [illegible]
دلبست و طلب میکنی غم نخورد که بزودی کار تو [illegible]
گیرد دانیال پیغمبر میفرماید که ای صاحب فال مرد این
که در دل داری برای [illegible] خیر گردد و در هر نیت بر
خوردار باشی بسیار بیند خواجه نصیر الدین میفرماید که
طالع این فال برج ثور است و خانه زهره است در این نیت
زود باشد که بمقصود برسی [illegible] در حالت [illegible]
سیر از غم شود دولت فراوان و دشمنت کم
هر آن نیت که داری خوب خوبست مراد تو حق
دهد والله اعلم باب ب قوله تعالی قل انما
انا بشر مثلکم یوحی الی انما الهکم اله واحد
امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید

[illegible]
فال تو نیت بسیار در این نیت که تو کرده دلیل میکند
بر دو نحو بشیر و صحت بدن و خلق خوب و فعل نیکو و عیش
عشرت اگر چه اندکی ملال دیدی اما کام دل خواهی دیدن
رنج های [illegible] در [illegible] اگر نیت بپیوندی در این
نیکوست و اگر [illegible] دارد صحبت باید و اگر چیزی از تو گم شده
باز بدست آید و اگر نیت سفر داری برو که منفعت حاصل گردد
و اگر نیت از غایب داری [illegible] رسید غم مخور که هر چه
در طلب کام مراد تو حاصل شود خواجه نصیر الدین طوسی
میفرماید که طالع این فال برج اسد است و خانه آفتاب است
روشنائی [illegible] الله تعالی [illegible] فال نیکو دار
با [illegible] دل [illegible] مکرر دار تو [illegible] کار
هر [illegible] کام تو از [illegible] باب اد قوله تعالی
[illegible] امام جعفر صادق علیه السلام
میفرماید که [illegible] چنان مینماید که [illegible]

کفتکو نشده و منافع طرف اعنده واده شیطانی دلش بود

که و غمی که نخیر است و بر پیشانی و تشویش از طالع تو

بیرون رفته عبد الله عباس میفرماید که ای صاحب فال

قوم [illegible] های تو اند و تو مردم فکر میکنی و درین نیت

[illegible] باشی که امر تو [illegible] وصال میرسد و مراد در [illegible] دست

حاصل میشود دانیال پیغمبر میفرماید که ای صاحب فال

اگر [illegible] داری صحت [illegible] و اگر نیت عقد [illegible] داری

[illegible] کرده شده بدست آید خواجه نصیر الدین

طوسی میفرماید که طالع این فال برج میزان [illegible]

[illegible] جمعه [illegible] ان شاء الله تعالی ج ب الف

[illegible] دال [illegible] یاسر [illegible]

[illegible] باشی [illegible] ز خالق [illegible] ملال

قوله تعالی وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها

الا هو امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید

که ای صاحب

ب ا ب

که ای صاحب فال [illegible] که نیت که کرده خدا

[illegible] لطف عنایت با تو دارد [illegible] ملال

از تو [illegible] و نوبت [illegible] وقت فتح و فرح

[illegible] و دشمنت عاجز شود عبد الله عباس میفرماید

که ای صاحب فال اگر نیت بیمار داری صحت یابد و اگر [illegible]

[illegible] داری نیکو شود و اگر کسی از تو غایب شده است

باز بتو رسد و اگر از بسیار [illegible] ملال [illegible] مبدل شود

دانیال پیغمبر علیه السلام میفرماید که ای صاحب فال اگر عزم سفر

[illegible] که مبارک گشت و اگر نیت [illegible] داری

نیکو [illegible] که ناامید مباش تا روزی دو [illegible] کار

[illegible] کرده در مراد حاصل شود خواجه نصیر الدین

میفرماید که طالع این فال برج سنبله است تا آخر [illegible]

ج ب [illegible] الف [illegible] دولت از ذوالجلال [illegible]

اگر چه [illegible] دیدی ز غم [illegible] دولت [illegible]

قوله تعالى فلما كشفنا عنهم العذاب

امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید که ای صاحب فال بدانکه کسیر از تو جدا شده است و میان شما فراق افتاده است ادم سبب برانگیختی و ملالت در این ملالت هفت ماه گذشت که طالع ضعیف بود و قوتی نداشت اکنون دور بقوت نهاده ناو از آن اندک عمرها بمجلس بکند که زبان سرخ سر سبز میدهد بر بهوش باش که سر سبز زبان نکند حضرت عبد الله عباس میفرماید که راز دل بهیچ کس مگوی و متحمل باش دانیال پیغمبر علیه السلام میفرماید که دریغ نیست چند روز از صبر کن تا بمراد برسی

خواجه نصیر الدین طوسی میفرماید که طالع این فال برج عقرب است و خانه مریخ است امید دارد که عقد مهر بر سر چه یک بر دو جسم در حالت آمد دو اثنی در هر حالت آمد سفر بود هر دو خوب نیک دیگر در کار خیل فی حالت آمد ۱۱ قوله تعالی

ب ۱۱

ان یوم

ان یوم الفصل کان میقاتا یوم ینفخ فی الصور

امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید که ای صاحب فال چنان مینماید که در کار خیر و مانده و دل تنگ گردیده ای تا غم نخورد که زود ختم شود و از این تنگ سر برآید و حضور دل حاصل شود اگر نیت سفر داری نیکو است اگر نیت بخود داری ختم دیک است که شفا یابد عبد الله عباس میفرماید که اگر غائب داری زود خواهد رسید غم مخور که حالت مبارک آمده است و بمراد دل برسی دانیال پیغمبر علیه السلام میفرماید که ای صاحب فال اگر نیت تو در معامله است با یار کار تب میکنی بکن که مبارک است و کل احوال تو در کار بار تو و شغل و عمل تو نیک مینماید خواجه نصیر الدین طوسی میفرماید که طالع این فال برج سرطان است و خانه ماه است تا روز دوشنبه ختم شود انشاء الله تعالی چون الف بفال آمد نعمت جمع کنی و شکر نکند این چنین فال خوب حال آمد به تقاضای نعمتی زوال آمد

ب د د قوله تعالی لا اله الا هو یحیی و یمیت ربکم
ورب آبائکم الاولین امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید
که این بخت و دولت مینماید که دولت در بند کاری و مشغلیت
امیدت برآید و حاصل شود اگر نیت منزل داری نیکو باشد
واگر نیت سفر دریا داری بانفعات عجایب میروی نیک
مینماید عبد الله عباس میفرماید که ای صاحب فال اگر غایبی
داری بزودی رسد واگر چیزی از دولت تو رفته است باز بدست
تو آید خاطر جمع باش که در دولت تا در غلط پیغمبر دانیال
پیغمبر علیه السلام میفرماید که ای صاحب فال اگر نیت رنجوری
داری صحت یابد و میفرماید که شش روز دیگر تحمل کن
که بعد از آن غم و اندوه نیست خواجه نصیر الدین طوسی
میفرماید که طالع این فال برج سنبله است و خانه عطارد
است از اهل قلم احتراض کن که بسیار دلیر و دولت یابی
جنب و دوام است در فال تو بسیار حق نعمت های تو

توبعیک

تو تعجیل بسیار است [illegible] که نیکو شود این زمان حالی تو
ب ج قوله تعالی انی لهم الذکری وقد جاءهم ب ج ا
رسول مبین امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید که ای
صاحب فال چنان مینماید که مدتیست که دولت در طلبی
الله هم وقت با او همراهی بیکس اینزمان اندیشه ملال و غم
نخور که حق تعالی از غیب فتح بتو خواهد رسانید و مراد تو
حاصل شود عبد الله عباس میفرماید که ای صاحب فال اگرچه
زحمتی و ملالی چند دیدی اما هیچ اندوه ملال مکن که بکام دل
بیابی اگر نیت پیوند داری بکن که مبارکست و دوستان مدد
حال تو اند اما تو با شراکت کردن و ضامن شدن تغیر باز در
دانیال پیغمبر علیه السلام میفرماید که اگر رنجوری داری شفا یابد و هم مسروری
که داری بزودی بیابی بزودی و اندیشه از دل بیرون کن که عمر در
برابر [illegible] الفال بخیار بیابی حق دولت بیشمار
ب د قوله تعالی بل هم فی شک یلعبون امام جعفر صادق
میفرماید که ای صاحب فال در این نیت مینماید که تو بسیر

باتو دوستی میکنند و دشمنانند غمی دارد که عمر بتنگی خوشی تو با
ایشان باز کنند تا چند روز دیگر صبر کنی که بعد از دو هفته کار
گشاده گردد و دولت و عزت پیوند گردد و اگر در سفر غایبی داری
ایشان بتو رسد عبدالله عباس میفرماید که ای صاحب
فال اگر وصلتی با کسی میکنی بکن که خوب است و اگر اسمی بی
بمقاصد خواهی رفت چند روز دیگر بیکست [illegible] روز
صبر کن تا ستاره طالعت قوت گیرد و منفعت بینی خواجه
نصیر الدین طوسی میفرماید که طالع تو برج میزان و
خانه زهره است و زهره [illegible] است [illegible] در بند [illegible]
که مراد یابی بکوا انشاء الله تعالی ب اج قوله تعالی
کانوا فیها فاکهین امام جعفر صادق علیه السلام
میفرماید که صاحب فال آیت نعمت بفال تو آمده است اگر
نیت سفر داری پس مبارک است اگر نیت پیوند داری
پس نیکوست و قدمش مبارک است عبدالله عباس
میفرماید که این فال اگر نیت کاری میکنی
نیکوست اگر غایبی در سفر داری مقصود خواهد رسید

وبعد [illegible]

ب اج

داری و خرم خوب و دانای بیجیدی میفرماید که ای صاحب
فال اگر چیزی از تو گمشده است باز بتو رسد و اگر بخود [illegible]
داری صحت یابد و در نیت که تو کرده دلیلی [illegible] تا پنج
روز دیگر مراد یابی خواجه نصیر الدین طوسی میفرماید
که طالع این فال برج سنبله است و خانه عطارد است از
اهل قلم احتراز کن تا مراد یابی انشاء الله تعالی
ج ب الف هست دفال جیم دلالت او تحقیق [illegible]
تو پیوسته باید مشغول باشی [illegible] کار جیم
ب ج د قوله تعالی کاشف العذاب قلیلا
انکم عایدون امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید
که ای صاحب فال چند نوبت عزم انکار کرده [illegible]
ندیدی اکنون وقت مراد یافتن و کامرانی است و از سبب
دوستی خبر بتو رسد و جمعیت بینی عبدالله عباس
میفرماید که صاحب فال اگر نیت سفر داری [illegible] که
نیکوست و غنیمت یابی و بمراد بازگردی و اگر غایبی
در سفر داری [illegible] باشد که دیدار [illegible] باز [illegible]

ب ج د

دانیال پیغمبر علیه السلام میفرماید که ای صاحب فال بهر نیتی که
کرده وقت آن نیست که بتو رسد اگر بجوی داری غیر ازین
او در دل نیست و کل احوال تو رو بنیکو دارد خواجه نصیرالدین
طوسی میفرماید که طالع این فال برج قوس است چنان
مینماید که از بزرگی منفعت یابی و بمقصود برسی
انشاء الله تعالی ب ج ب قوله تعالی لیس لک من
الامر شیء او یتوب امام جعفر صادق علیه السلام
میفرماید که ای صاحب فال اگر نیت وصلتی داری بکن
که نیکوست و اگر عزم سفر داری بسیار خوب و مبارک است
و تمام مهمات تو بر وفق [illegible] خیر گردد عبدالله
عباس میفرماید که ای صاحب فال چنان مینماید که تو را
نصیب از غیب خواهد رسید و اگر نیت دوستی داری
یکدل و یکجهت باش و او نیز چنین خواهد بود دانیال
پیغمبر علیه السلام میفرماید که ای صاحب فال شخصی تو را نصیحت
مینماید از سر گفت او دلتنگ مشو [illegible] نیکی است که طالع

تو گفته بود

تو را آشفته بود این زمان از غم بیرون آمده است که هر کس
از تو رنجیده بود دیگر میان آمد اگر چه این زمان بدبخت خود را جلوه میدهی
شخصی [illegible] عاقبت حق تو باطل کند خواجه نصیرالدین طوسی
میفرماید که طالع این فال برج زهره انشاء عاقبت مراد یابی
انشاء الله تعالی ب د ب قوله تعالی [illegible] تولوا و قالوا معلم
مجنون امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید که ای
صاحب فال چنان مینماید که تو با کسی جدال و مجادله کرده‌ای
که کسی [illegible] نیاورده چنان مینماید که در این نیت دو سه
روز صبر کن که بعد از این کار تو بمراد تو خواهد بود عبدالله
عباس میفرماید که ای صاحب فال اگر نیت غایبی داری
بسلامت بتو رسد و اگر نیت سفر داری مرادت حاصل
گردد اما محزون که دلیل شده یا فتنه است دانیال پیغمبر علیه السلام
میفرماید که نیت معامله یا خرید و فروختی داری
یا بنای کاری خواهی کرد بسیار نیکو باشد و تمام درست
است و بیماری نیست خواجه نصیرالدین طوسی
میفرماید که صاحب طالع تا سه روز دیگر صبر کن که

بهرچه بد بود کمی نحت مراد یابی بحکم الله تعالی

ب ج قوله تعالی ولقد لقینهم الوانا و سیرنا
علیها یتکلمون امام جعفر صادق علیه السلام
میفرماید که ای صاحب فال چند نوبت عزم این کار کردی
لاکن تفکر و ملال و پریشانی دیدی الحال وقت آمد که مراد تو
حاصل شود و به مقصود برسی اما از شکایت کردن احتراز باشد
کوتاه کن تشکر حق تعالی کن که ملال و پریشانی از طالعت
بیرون رفت ایمن باش بعنایت الله تعالی خوش که مراد یابی
عبد الله عباس میفرماید که ای صاحب فال در این نیت
جد و جهد کن که مراد یابی که حضرت محمد مصطفی صلعم
میفرماید که در کارها خیر سعی باید نمود خواجه نصیر الدین
طوسی میفرماید که طالع این فال برج مشتری است تا روز
پنجشنبه مراد یابی انشاء الله تعالی ج ب دال جیم آمد نعالت
دولت هم وصالت سفر بیوند غایب جلد خوب است
در هر کار خصوصا جمع حالت ب ب د قوله تعالی
والله واسع علیکم نعمة ظاهرة وباطنة

امام جعفر

امام جعفر صادق عم میفرماید که ای صاحب فال بدانکه آگاه
باش که خدای تعالی نعمت ظاهر و باطنی تو بتو داده است و تنها
ن و آشکار تو از آفت نگاه دارد این زمان شکر الله تعالی
بجا آر که از غم خلاص یافتی عبد الله عباس میفرماید
که ای صاحب فال در این نیت عیش و شادمانی و فرح و نصرت
یابی الله تعالی نعمت بکسی میدهد که از رد صحبت و عاقبت
بمقصود برسی دانیال پیغمبر عم میفرماید که ای صاحب فال
الله تعالی در کلام مجید میفرماید که ان الله لا یضیع اجر
المحسنین یعنی ضایع نمیکند شکر خدای تعالی بکن
که طالعت بلند شد و برخوردار باشی از امید بین قرعه تو دو
ب بکمال است از سر ابلق برو که خوش فال است نحس بد
بهار یا دیماه تو بهتر از پار باشد انشاء الله ب ب ص
قوله تعالی من عمل صالحا من ذکر او انثی وهو
مؤمن فاولئک یدخلون الجنة امام جعفر
صادق عم میفرماید که ای صاحب فال دلیل میکند

تو بود بر خوشی و مرتبه میان خلایق و مقصودی که بر دل
برآید دلخوش داد که روز به روز دولت تو میرسد عبد الله عباس
میفرماید که ای صاحب فال بدانکه ایزد تعالی کار تو را نیکو
گردانید و شره دولت نیک بختیت و طالع سعد اکبر است
و مراد دنیاوی دانیال پیغمبر ع میفرماید که صاحب فال بهر
نیتی که کرده مرادت حاصل شود اما در نماز کاهلی مکن و
دست از خیر کوتاه مکن که بمراد میرسی خواجه نصیر الدین طوسی
میفرماید که طالع این فال برج اسد است و خانه آفتاب است
روز شنبه بیاید و بمراد و مقصود خود برسی انشاء الله تعالی
چه دوست جمله اسم فال تو فرو نیز به نعمت های تو
ج خوش دل که کارت نیکو میرسد برود دل شو خوب احوال تو
ج قوله تعالی الحمد لله الذی انزل علی ع ج
ج عبده الکتاب ولم یجعل له عوجا امام جعفر
صادق ع میفرماید که ای صاحب فال بشارت باد
تو را بر دل خوشی و جمعیت و صحت بدن و کثرت [illegible]
کار و نظام

کار و نظام احوال و افزونی معیشت در بهشت و عبادت
زیاده شود و از کدورت و ملال بیرون آیی عبد الله
عباس میفرماید که ای صاحب فال که اگر سفر میروی
برو که نیکست و ابداً ت حاصل شود خواجه نصیر الدین
میفرماید که دل مشغول کاری داری دلیل بر نیکوی
میکند و الحق چونند میکنی مبارک است و اگر غایب داری
ام برسد و بحوادث تحت باید و از غیب خرم شود دانیال پیغمبر ع
میفرماید که طالع این فال برج جدی است روز جمعه از
واقف شوی مرادت برآید انشاء الله تعالی فرعه
تو را بسیج کنند [illegible] که نیکی [illegible]
دارد که [illegible] تو شند انکه [illegible] بود با تو [illegible]
ع ج قوله تعالی و زخرفا و ان کل ذلک ۱۴۷
لما متاع الحیوة الدنیا امام جعفر صادق ع
میفرماید که ای صاحب فال دل شاد دار [illegible] که جمله
[illegible] تو رفت و پریشانی [illegible] از [illegible] تو [illegible]
شد و [illegible] شد و [illegible] و مراد [illegible] دارد

نزدیکست که برآید عبد الله عباس میفرماید که اهل این
فال اگر نیت پیوند دارد نصیب حسنت و نیکو باشد و از
طرف غایب جمعیت یابد و اگر نیت از عقد نکاح دارد
بالغ میرود فی بست دانیال پیغمبر علیه السلام میفرماید که ای صاحب
فال از غم زندان و دولتمان و کار تو مراد حاصل شود
مراد تو برآید خواجه نصیر الدین طوسی میفرماید که طالع
این فال برج زهره است دلیل میکند که تا روی جمع
از نیت واقف شوی و مراد یابی دو جیم یک
الف [illegible] نیکو شد [illegible] خصم که [illegible] نیک شوند
بلکه پیوند اگر خواهی سفر روی دیگر دکان حالت نیکو شوند

ج ج ب قوله تعالی وانهم لیصدونهم عن السبیل
ویحسبون انهم مهتدون امام جعفر صادق ع
میفرماید که اختیار فال در این نیت چند کار نیکست
و چند کار بد است اول اگر بیع میرود نیکست
و اگر پیوند خواهی کردن مبارکست عبد الله عباس
میفرماید که ای صاحب فال در طالعت میآید و از کار [illegible]

سه حرف دارد

که حرف دارد
[illegible] شوی و از طرف مردان [illegible] بشود رسد دانیال پیغمبر علیه السلام
میفرماید که صاحب فال اگر نیت کاری خواهی کرد یا اصلاح
در خاطر داری بدانکه نیکست و اگر بیماری داری صحت یابد
اما اعتماد بهر کسی مکن و راز دل خود بهر کسی مگو که [illegible]
خواجه نصیر الدین طوسی میفرماید که طالع این فال تو بعافیت
نیکست و مراد یابی دو جیم ب بعافیت آمد این یاد
علامت [illegible] از غنا و رنج تیمار [illegible] سفر پیوند باشد خوب زیبا
[illegible] روز [illegible] صبر [illegible] مانند [illegible] کار

ج ج د قوله تعالی ان هذا فراق بینی و بینک امام جعفر صادق
علیه السلام میفرماید که ای صاحب فال چنانکه میفرماید که تو را
[illegible] حال [illegible] با کسی گفتگو واقع شد [illegible] بسبب این در ملک
[illegible] اما عاقبت کار تو خوب شود و از هم [illegible]
[illegible] فراق [illegible] صبر کن توکل بر
[illegible] که عاقبت [illegible] عبد الله عباس
میفرماید که ای صاحب فال که در نیت [illegible] شو
[illegible] برج [illegible] آید و مراد

دل برخی خواجه نصیر الدین طوسی میفرماید که طالع این
فال برج جدی هست و خانهٔ علمست خیر است نیکو بکنم که عمل و
بر سعی بکو الثالث الله تعالی دو جیم دال در فال ثواب باید
باید صبر کرد در همه کار که از تعجیل باشد محنت و رنج
بصبر همه خوب کرد و اخر کار ج ۱۱ قوله تعالی هی حتی
مطلع الفجر امام جعفر صادق عم میفرماید که ای
صاحب فال چنان مینماید که تو با کسی جدال و گفتگو واقع
شده است اما شادی بتو نزدیک شده خاطر و خصومت
دل صد و ثنا از و سعادتی در طالع تو پیدا است و دولت
همایست که حال همه کار تو خوش است و ملال اما در بیخ
نحول طالعت فتوح گیرد عبدالله عباس میفرماید که
ای صاحب فال اگر بیمار داری صحت یابد اما نهاد
ضامن کسی مشو که با تو غمبازد و از غایب خرم خوش
و اگر عقد نکاح میکنی بکن که مبارک نیست تا روز دوشنبه
اندیشه نیست واقف شوی و مراد یابی بکو الثالث الله تعالی
جیم دو الف بفال آمد انچنین فال خوب حال امید
نعمت حق کسی

نعمت حق کسی که شکر نکرد و بی‌بقی نعمتش زوال است
ج ۱۲ قوله تعالی لطیف بعباده یرزق من
یشاء و هو القوی العزیز امام جعفر صادق عم
عالم ناطق جعفر بن محمد صادق علیه السلام میفرماید که ای
صاحب فال نیتی که داری دلتو محکم باش که فرصت و
فتنت را مبدلست حال خوش اما هرگز دل خود با کسی
مگو و هیچ کس اعتماد مکن علی الخصوص با بیگانه عبدالله
عباس میفرماید که ای صاحب فال اگر نیت سفر کردی نیکو
میباشد و اما هرگز ضامن کسی مشو و قرض هم مکن که تو در
غم بسازد دانیال پیغمبر میفرماید که ای صاحب فال اگر
برای عقد و نکاح کرده نیکو می باشد و اگر معامله در
خاطر داری یار بخوری نیکست و تنقل رسید هست
و بیماریت نیست خواجه نصیر الدین طوسی میفرماید که
ای صاحب فال طالع این فال برج میزان نیست زاکسیر نیست
سازند بمقصود برسی بکو الفتح ۱۲ الله تعالی
جیم الف جیم بر تو خوب بود کتر بود این مسافر و سعی

ج ب ج

دولت آمد بنزد تو بسلام تا رسد بخت کام زود بسو

ج ب ج قوله تعالی یعلم ما بین ایدیهم وما خلفهم
ولا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء
امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید که ای صاحب فال خوفی
داری و دغدغه بخاطر خود راه میدهی که تا طالعت از
نحوست و ملال بیرون آید غم تتبع شو الامام جعفر صادق
علیه السلام میفرماید که درین نیت که تو کرده مهمی باید صدقه بدهی
مستحقان و بهمان وقت بگذارد که ازین نیت بگیری و ملال بیرون
آی خلاص فضل الله طوسی میفرماید که طالع این فال
بسیار جید الف و خانه [illegible] سیاه چهره با خود
باشی که دو دشمن با تو دارد اما بمقصود برسی ان شاء الله تعالی
جیم جیم الف باب جیم [illegible] تو صبر باید بکرد [illegible]
تو صبر باید بکردن عیان کم تا زود [illegible] شوی [illegible]

ج ب ب قوله تعالی فانما یسرناه بلسانک
لعلهم یتذکرون امام جعفر صادق علیه السلام [illegible]
علیه السلام میفرماید که ای صاحب فال بدان که
جماعتی دو دشمنان داری [illegible] قوی [illegible]

دو روز دیگر آمد و بیشتر وقت [illegible] دشمنان داری
[illegible] حکایت تو [illegible] طالع تو [illegible]
دارد و بر دو دشمنان مظفر شوی عبد الله عباس میفرماید که
ای صاحب فال درین نیت سفر کردن نشاید و پیوند نیکو نباشد
و ظفر که میگیری [illegible] کوشش کن که بمقصود برسی
دانیال پیغمبر علیه السلام میفرماید که ای صاحب فال [illegible] که با اسم اعظم
باشی [illegible] بمقصود
برسی [illegible] ان شاء الله تعالی [illegible]
[illegible] با همایون [illegible] دولت از خلاق [illegible]

ج ب ا قوله تعالی وانه لذکر لک ولقومک
وسوف تسئلون امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید
که ای صاحب فال اگر نیت تو از غایب است [illegible]
[illegible] از دو دشمن [illegible]
داری ظفر تو خواهد بود [illegible] اجازت
سفر کردن [illegible] شراکت کردن و ضامن شدن [illegible]
غم مخور که از غم [illegible] اگر نیت عقد نکاح داری یا
معامله میکنی بکن که مبارک گشت و برخوردار [illegible]

دانیال پیغمبر میفرماید که ای صاحب فال طالع این فال برج میزان است
و خانهٔ زهره است زنهار که بهوس در پی کسی که دروغ آمیز
همراه در پی مرو انشاء الله تعالی جیم ب الف بعد نیکو
گشته نیک حال نیک درو شکر خالق که رزق میبخشد
دولت بخت آمده از نو ج د ا قوله تعالی ان الجنة هی
هی بعذاب جهنم خالدون امام جعفر بن محمد
صادق علیه السلام میفرماید که ای صاحب فال اگر
نیت از غایب کرده حالا موقوف است وقت آمدن او نیست
و اگر کسی خوف داری و ازین جهت ملولی زنهار که از دو
شمنان خلل تحمل کنی تا بخیر مبدل شود درین نیت صابر باشی همیشه
کنی که به هیچ صفت خوب نیست عبد الله عباس میفرماید
که درین نیت خیر است کنی تا کارت بخیر و نیکویی بر آید و به مقصود
برسی دانیال پیغمبر علیه السلام میفرماید که صاحب فال ازین نیت
صبر باید کردن که آشفته است و طالعت ضعیف است
اما غم مخور که عاقبت مراد یابی خواجه نصیر الدین
طوسی میفرماید که طالع این فال برج عقرب است
و خانهٔ مریخ نحس است

و خانهٔ مریخ نحس است و خیال شیطانی از دل بیرون کن که به مقصود
برسی نیکو انشاء الله تعالی جیم دال الف تر صبر است
بهتر از این تو را نباید زیست صبر کن تا برآید امید
که سعادت بکار تو نگریسته ج ا ب قوله تعالی من کان
یرید حرث الآخرة امام جعفر صادق رض
میفرماید که ای صاحب فال این دست نیت تو را به ایمن خاطر
و حضور دل که این فال مبارک است که طالع تو آمده است جهد
املای که داری اگر تا اینزمان حاصل نشد اینزمان وقت
است که حاصل شود و از غم خلاص گردی عبد الله عباس
میفرماید که صاحب فال اینزمان برخیز و میان بر بند و
در کاری که نیت کرده سعی کن اگر نیت سفر داری برو که
نیکوست دانیال پیغمبر علیه السلام میفرماید که ای صاحب فال اگر
نیت غایب داری بتو رسد و بیماری که داری شفا یابد و از
حال حضرتش بتو رسد خواجه نصیر الدین طوسی میفرماید
که طالع این فال برج عطارد است تا روز چهارشنبه که درین
روز بمقصود برسی جیم جیم الف سفت به فال تو
فرزند شیرین نعمت های تو دفرزند و [illegible] غایب نیک است

ج ب د بود خوش و عشرت اقبال تو ج ب د قوله تعالى ان الله
لا يضيع اجر المحسنين امام جعفر صادق عليه السلام
میفرماید که ای صاحب فال مژده باد تو را که حضور دل
بیابی و مطلبی که میکنی بر آید بی حرج اگر سعادت میخواهی
اگر نیت کاری کرده بکن که نیکو باشد و اگر نیت از غایبی
داری میآید خواهد رسید عبد الله عباس میفرماید که ای
صاحب فال اگر نیت بیمار کرده شفا یابد اما صدقه باید
داد که قرینی در ره تو هست امام دانیال علیه السلام
میفرماید که صاحب فال تندرستی و کل احوال تو نیک میشود
هیچ اندیشه مکن که بمراد برسی خواجه نصیر الدین طوسی
میفرماید که ای صاحب طالع این فال برج مشتری است
بمراد برسی انشاء الله تعالی جه جیمست در فال تو بد دال
بیابی [illegible] حلال سفر میشود غایب خوب نیکو
این کار تو خوب [illegible] ملال ج د ج قوله تعالى
ج د ج
اخذوه فغلوه ثم الجحيم صلوه امام جعفر ع
میفرماید که ای صاحب فال [illegible] کم ملال داری
و [illegible]

داری [illegible] نیکش و چند از زحمت [illegible]
[illegible] مراد [illegible] از این نیت باز کرد و ترک این نیت
کنم که اگر [illegible] خواهد بکنی بهر عاقبت [illegible]
باطل کنند و قصد تو کنند صبر کن که پیغمبر صلعم میفرماید که
العجل من الشيطان والتأني من الرحمن يعني تعجيل
در کارها کردن شیطانیست و تأنی کار رحمانیست و ترک
این نتوانی کردن چند روز صبر کن و اگر نیت سفر کرده صبر
که نیک نیست خواجه نصیر الدین طوسی میفرماید که طالع این
فال برج زحل است صبر کن بمراد برسی بعون الله تعالی
جه جیمست باد دال [illegible] دیگر ترا صبر باید بهر کار در ره
که تعجیل بد باشد صبر خوب است بامر یکی خالق داد کس
قوله تعالى من كان يريد حرث الاخرة ج د ب
ج د ب
خرة نزد له في حرثه امام جعفر صادق عليه السلام
میفرماید که ای [illegible] فال [illegible] فال [illegible]
و [illegible] [illegible] و فرح و [illegible] دارد
[illegible] دارد [illegible] مدد اگر

د د د

قوله تعالی نصر من الله وفتح قریب وبشر المؤمنین امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید که ای صاحب فال این نیت تو برابر است خاطر جمع و حضور دل و روشنایی این قرعه مبارک گشت که بنام تو افتاده است دلیل میکند بر دل خوشی و صحت بدن بر گشاده کار و اقبال و دیگر بدانکه الله تعالی حق جلاله من حاجات تو میشنود و اگر بیمار داری صحت یابد و اگر نیت سفر داری نیکو میباید و اگر لشکر میروی مبارک گشت عبد الله عباس میفرماید که اگر چیزی از تو فوت شده باشد یا بسی و غایب نیز برسد و اسکندر زیب از عرض میاید و از غم خلاص یابی خواجه نصیر الدین طوسی میفرماید که طالع این فال برج حوت است و خانه مشتری است زهره باشد که بمقصود برسد انشاء الله تعالی دال آمده نیز جای تعالی است بکند دایم خدا تو عبادت هر آن نیت که داری شادی کردن و در این نیت شعر دولت زیاده است

د ج ب

قوله تعالی ولقد اخترناهم علی علم علی العالمین امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید که ای صاحب فال طالعت فرخ شد و از غم و بر نیت بیعی اسعد

بیرون از مغرب روز بروز دولت برآید و در سر بیوه تو و اگر بیمار داری صحت یابد و اگر نیت از غایب داری بسلامت بیرون رسد و بر دشمن مظفر شوی اما کار که میکنی جهد در پیش گیر که مدد یابی عبد الله عباس میفرماید که اگر نیت از عقد نکاح کرده و یا خریده فروختن مبارک گشت بهر نیت که داری وقت و قسمت دانیال پیغمبر علیه السلام میفرماید که اندک روز دیگر تحمل کن که بمراد برسی انشاء الله تعالی ج دال جیم ب آمده و فال نشان دولت بخت اقبال هر آن نیت که داری شادی مبارکی که در این نیت شعر افزون است

د ب ب

قوله تعالی فاصبر کما صبر اولوا العزم امام جعفر صادق علیه السلام میفرماید که ای صاحب فال در این نیت که تو کرده صبر باید که بزرگان گفته اند الصبر مفتاح الفرج صبر کن تا لشکر از کار تو برخیزد عبد الله عباس میفرماید اگر نیت سفر داری نباید رفت که ملال بینی و اگر از برای بیمار نشسته صدقه بده تا

مراد یابی دانیال پیغمبر عم میفرماید که ای صاحب فال
بهر کار که عزم کرده ترک کن که نیک نیست و لجه کردن
مراد یابی خواجه نصیر الدین طوسی میفرماید که طالع فال
برج عقرب است از دوشمنان تحمل کن تا مراد یابی ان شاء الله تعالی
چون فال تو با دال ب ب دیگر بیاید تو به صبر ان ناموس
بکن صبر تا کام [illegible] که تعجیل باشد عناد [illegible]
داب — ب قوله تعالی [illegible] جاءنا نذیر فکذبنا
و قلنا ما نزل الله من شیء امام جعفر صادق عم
میفرماید که ای صاحب فال در این نیت چند کار نیک
و چند کار بد است اول اگر نیت سفر کرده نیکوست
و اگر نیت پیوند کرده صبر باید کردن و اگر نیت بیمار کرده
صدقه بده تا صحت یابد عبد الله عباس میفرماید که ای
صاحب فال اگر چیزی از دست تو رفته باز بدست آید عاقبت
کارت نیکو کرده و اگر بنای کار را با معاملة داری چند
روز دیگر صبر کن دانیال پیغمبر عم میفرماید که تو در
سبب [illegible] و [illegible] نیست [illegible] که از ملال
و مشقت [illegible] خواجه نصیر الدین

طوسی میفرماید که طالع این برج قوس است ابلد قرار باش
که بمقصود برسی ان شاء الله تعالی د ا د قوله تعالی — داد
کلما القی فیها فوج سألهم خزنتها الم یأتکم
نذیر امام جعفر صادق عم میفرماید که این فال و نوفال
بدانکه چند نوبت عزم این کار کرده و نوبت [illegible]
اندک روز دیگر تحمل کن که اینک از بر [illegible] طالعت برج
اسد [illegible] بقوت [illegible] و جد و جهد در سر این مراد بکش
که از غم خلاص شوی عبد الله عباس میفرماید که اگر عزم
سفر داری بیرو که مبارکست و اگر بیمار داری صحت
و اگر عزم نکاح داری نیکوست دانیال پیغمبر عم
که ای صاحب فال زنهار که بطاعت مشغول شو
که کشاده کارت میشاید و به مقصود خویش برسی زنهار
که در این نیت که کرده دو دل مباش بمراد برسی
الف در میان دو دال آمده است تو سود دولت از ذو الجلال است
مرادت بر آید تو دل بد مکن که از این فال [illegible] آمده است

ددب قوله تعالى انهم يكيدون كيدا واكيد

كيدا امام جعفر صادق علیه السلام ميفرمايد كه اى صاحب فال

اين نيت كه تو در دل كرده اند كه ملالت دارد و آشفتگى

و پريشانى هست و تو بود دشمنان هستند و كمان در پى تو مى

اما انشاء الله عاجز شوند كه از كيد دو شمنان ايمن شوى و مراد تست برآيد

و طالع تو قوت كرد عبد الله عباس ميفرمايد كه درين [illegible]

چند روزى صبر كن اما نشد ريستى و كل احوال تو نيك الست

نمود كه دو دعا عت كه عيش تا شد و باسى دانيال پيغمبر عم

ميفرمايد كه اى صاحب فال عاقبت الامر مراد باشى از

غم و غصه بيرون آيى دودال ب بود آشفتگى كا

بكن صبر باشد اين نيت تو اى باد مكن تعجيل تا كرد و نيكو كار

ب دكه در تعجيل كرد و رنج تيمار ددبد قوله تعالى

بلا قد جاءنا نذير فكذبنا و قلنا ما نزل الله

من شىء امام جعفر صادق علیه السلام ميفرمايد كه

اى صاحب فال اين نيت كه تو دارى آشفتگى مينمايد

زنهار كه باك نه كفتگو مكن و از عين و

ودشمنان

دو شمنان پرهيز و خاطر جمع دار كه برزد نيكست كه طالعت

از و بلى و مشقت بيرون آيد از بركت اين آيه انوك تحمل كن

كه البته دو دولت برسى امام جعفر صادق علیه السلام مى

فرمايد كه درين نيت خبر از نيكو بكن تا ايمن و نفر قه از

بكنى در دو بهمه مقصود برسى خواجه نصير الدين طوسى

ميفرمايد كه طالع اين فال برج سنبله است تو ميبايد

كه بمقصود خود برسى بكو انشاء الله تعالى جه دال ب واست نو

بكن صبر تو انشاء الله [illegible] كه از تعجيل جز محنت نخيزد

حاصل است اين صحيح البتة از بهر ددج قوله تعالى دجج

فلله الحمد رب السموات و رب الارض رب

العالمين امام جعفر صادق علیه السلام اى صاحب فال

در اين تا برسى و اندوه مدار كه فال مبارك آمده

است و اگر نيت سيو [illegible] دارى بكن كه نيكست و اگر

شكستى دارى باشد كار ميكن نيكست عبد الله

عباس ميفرمايد اگر غايب دارى بتو رسد

و اگر میل سفر داری مرادت بر آید دانیال عم [illegible]
میفرماید که ای صاحب فال در این نیت انتظار بسیار کشیده
اینک ماه وقت مراد بر این نیت خواجه نصیر الدین طو
سی میفرماید که طالع این فال برج عطارد است
عاقبت الامر مراد یابی دال و دو جیم آمده است در فال
عاقبت خوب گردد احوال جمعه که ناگوشته حالت
جنگ کنی جمعه نیکو میشود احوال د ب ج قوله تعالی

د ب ج

وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم
سدا امام جعفر صادق عم میفرماید که ای
صاحب فال اگر چه سرگردان گشتی اما اینک ماه
طالعت از ملال و مشقت بیرون آمد و خرم شوی
و نیت غایب کرده بسلامت بتو رسد و کار تو بهتر
خواهد بود دانیال پیغمبر عم میفرماید که ای صاحب
فال عزت در پیش هر کار زیادت گردد و غمخور که به
مقصود برسی خواجه نصیر الدین طوسی میفرماید
که طالع این فال برج مشتری است و سعد [illegible]

غم مخور که

غم مخور که به مقصود برسی بفال [illegible] دال ب و جیم آمده
بیابی دولت از خلائق [illegible] سفر بنوید غایب خوب باشد
[illegible] دو [illegible] قوله تعالی د ا ا

د ا ا

وما تشاؤن الا ان یشاء الله رب العالمین
امام جعفر صادق عم میفرماید که ای صاحب فال
در این نیت شکر و حمد خدا تعالی بجا آر که کار تو بمراد میرسد
بشارت و مژده [illegible] خاطر خود را که روز غم از تو
گذشت و نوبت شادی رسید و هنگام عزت آمد حضرت
عباس میفرماید که ای صاحب از خوف و ملال و پریشانی
بیرون آمدی طالع تو دور بقوت نهاده و مراد یابی
و دانیال پیغمبر عم میفرماید که صاحب فال هرچه طلب
میکنی بیابی و سفر رفتن تو بسیار نیک مینماید و غایب نیز
بسلامت برسد و عقد نکاح کردن هم مبارک است
جمعه فال تو دو الف با دال آمده نشان دولت و اقبال آمده
سفر بنوید غایب خوب باشد و [illegible] باید

دجد   د ج د   قوله تعالی وان یکاد الذین کفروا لیز
لقونک بابصارهم لما سمعوا الذکر امام جعفر صادق ع
میفرماید که ای صاحب فال این آیه چشم زخم بلقای تو آمده است
اکنون چشم زخم با خود نگاه دار تا چشم بد بتو نرسد و دیگر
جفا نمی بینم که دولت در پیش تو شخصیست و لیکن بسیار غم و همت
کردی و فایده نکردی اما زنهار که هرگز از آسوده نبود دیگر
میان مال که در پیش زوال کار تو با مانعی و از ملال
بیرون آی دانیال پیغمبر ع میفرماید که اگر نیت سفر داری
صبر کن که هنوز وقت نیست مبادا ملول گردی و اگر نیت
و اگر نیت پیوند کرده میانه لست و اگر نیت بیماری
داری صدقه بده تا سلامت برخیزد خواجه نصیر الدین طو
سی میفرماید که طالع این فال برج زحلست عاقبت
الامر مراد یابی ان شاء الله تعالی

دب ا   د ب   قوله تعالی سبحان
ربک رب العزت عما یصفون امام جعفر
صادق ع میفرماید که اینجا دو فال تو راستی

تو را سر این خاطر

تو را سر این خاطر حضور دل و پیش در سفر و کل احوال
و فعل نیکو زنهار که دغدغه بسیار بخود راه مده که
محنت از تو رفت و از غم خلاص یافتی اگرچه محنت
بسیار کشیدی اما بزودی به مراد خود برسی عبدالله عباس
میفرماید که صاحب فال اگر عزم سفر داری قدم بنه
که مبارک است و اگر غایبی داری وقت آمدن اوست
و اگر عقد نکاح یا معامله در خاطر داری نیک میماند
خواجه نصیر الدین طوسی میفرماید که صاحب فال طالع
این فال برج میزانست و خانه مشتریست تا روز آدینه
بمطلب برسی ان شاء الله تعالی چه دالست ب الف فال تو
نیکو گشته الحال این زمان حال تو مخور غم که مقصود یابی از این
مرادت بیاید از این فال تو

دج ا   د ج   قوله تعالی الا حمیما
و غساقا جزاء وفاقا امام صادق و عالم ناطق
جعفر بن محمد صادق علیه السلام میفرماید ای صاحب
فال ترک این کار بکن و قبول و وفا با کسی مکن و چند روز
در این نیت صبر کن که اگر تعجیل کنی ملول گردی

انکه پشیمانی سود ندارد چرا که طالعت آتشفکن داری و مکر و صبر
کردی خلاص کردی و اگر نیت سفر کردی نیک نیست و اگر غایب
داری جای او بر خوش است در این نیت دست در طاعت زن و توکل
بر خدای تعالی کن که مرادت حاصل شود خواجه نصیر الدین طوسی
میفرماید که طالع این فال برج مریخ است صبر کن تا بمقصود برسی
بخواست الله تعالی چ د الف ج الف است فرمان
بکن صبر تا کام یابی عیان مکن هیچ تعجیل در صبر کوش
که از صبر گردد دولت شادمان د ذ ا قوله تعالی لقد
جاءکم رسول من انفسکم امام جعفر صادق علیه السلام
میفرماید که ای صاحب فال مژده باد ترا تو بخور دل و محبت
بدهند و دولت و سعادت و جهان بینی که از قدم بزرگی
صحبت نیز و طالعت دعا در نظر دارد اگر نیت پیوند
داری بکن که مبارک است و از هم کن و رستی و ملال این شوی
در شادی بسیار در این نیت سر نهاده است خواجه نصیر الدین
طوسی میفرماید که طالع این فال برج قوس است و خانه
سعادت محمود که تا روز پنجشنبه از این نیت واقف
کردی و مقصد

د ذ ا

کردی و مراد و مقصد حاصل گردد انشاء الله تعالی
د د ا ل یک الف فال شما است سعادت صاحب فال و بخت نیست
چرا نیست که دادرسی مباش که دوستت شادی دشمن بلا کامت نیست
د ا ج قوله تعالی وبرزت الجحیم لمن یری امام جعفر
صادق علیه السلام میفرماید که ای صاحب فال از این نیت بر
گرد پس معنی این مکر دکه تحمیل تا سرگشته نشوی
حضرت مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم میفرماید که
الصبر مفتاح الفرج و دیگر حکما گفته اند بیت
گر صبر کنی بکار انشابی که از صبر ز غوره حلوا یابی
دانیال پیغمبر علیه السلام میفرماید که ای صاحب فال این نیت خیر
که تو کرده به هیچ صفت نیک نیست ترک این نیت کن تا جبر آید
بر سر عبد الله عباس میفرماید که این نیت دست در زیر
سنگ و دشمن داری صبر کن تا به مقصود برسی بخواست الله تعالی
~~قل اعوذ برب الناس ملک الناس اله الناس~~
ج د ا ل الف جیم آمد بدان بکن صبر تا کام یابی عیان
مکن هیچ و تعجیل در صبر کوش که از صبر گردد دولت شادمان

د ا ج

ددج

ددج قوله تعالی قل اعوذ برب الناس

ملک الناس اله الناس امام جعفر صادق ع

میفرماید که ای صاحب فال در این نیت در پناه الله

تعالی دور وسواس شیطان از دل میرفته که تا مشردیاسی

و تشویش بسیار بخوابد بوده است تا کار تو بمراد گردد اگر

سفر کرده نیک نیست و اگر نیت از عقد و نکاح کرده

میانه حالست و اگر نیت رنجور صحت یابد اما صدقه

بده اگر چیزی از دست تو برفته رفته است باز بدست آید خواجه

نصیر الدین طوسی میفرماید که طالع این فال برج زحلست

اما غم مخور که کارت گشاده گردد بکوالت ان شاء الله تعالی

و دال جیم آمد فال بشنو بکن صبری که تا گردد فهم نو

مکن تعجیل تا گردد نکو کار پس انگه از سر این کار در رو

تمت الکتاب بعون الملک الوهاب تمام شد فال نامه

بدست سیادت و نجابت پناه کلب حسین سید احمد

ولد میر مهدی خوشنویس ساکن قلعه یوسف خان

در یوم شنبه

در یوم شنبه و در بیست هشتم ماه شعبان المکرم بتاریخ

۱۲۵۱ و هر کس بخواند حقیر الافقر کلب حسین را

بدعا یاد دارد و فراموش نکنند بعون الله تعالی

نوشتم بنده خاکسار رساله که ماند از من مسکین نشانه

خداوندا بسید که عنایت ببخشایش فسادا در قیامت

بحق احمد و اولاد حیدر که سید را ببخشی روز محشر

هر که خواند دعا طمع دارم زانکه من سید گنهکارم

والله اعلم بالصواب

والله اعلم بالصواب

و امام جعفر صادق علیه السلام فرموده است که اصدق الرویا

بالاسحار و فرموده که تا شش خواب روز ممکن نبود که هم در خواب

روز نبود تا شب خواب شب شاید که بعد از شش ماه یا بیشتر

باشد و گفته اند که آخر شب زود تر از خواب اول شب ظاهر

شود و خوابها که در فصل بهار بیند امین واد باید بعد

تاثیر در تاخیر باشد چه نبات میشوند و در تموز بود تا شب

خواب تابستان بیشتر باشد خواب خشک شرم و زمستان

کمتر راست باشد و خواب اضغاث احلام لوتیم اعتبار

نباید کرد و اضغاث احلام آنست که ببینند بکسی برجهت
لهو و لعب منزل شد یا آنکه انبیا بعمل فراغت مشغول بودند
یا آنکه مسلمانها بنجس و زناها فتوی دادند یا آنکه درختها از
آسمان رسته بود یا آنکه شیطانی ملکی شد یا ابلیس پیشه شد
و مثل آن و باید که خواب خود را به اقوام عقل نگویند و از
حاسد نیز محترز باشند و خواب خود با چهار کس نباید گفت
دشمن و کودک و منافق و جفت خواب بیننده باید کرد که
با طهارت باشد و سنت است که در وقت خواب این دعا را
بخوانند اللّٰهمّ انّی اعوذ بك من الاحلام و سوء
الاحلام و ان تلعب بی الشیطان فی الیقظة و
المنام و دیگر آنکه از امتلا محترز باشد چه معده ممتلی بخارات
فاسد انگیزد و معده نیز خالی نباید داشت که طبیعت از
ضعف در خواب رود و خوابهای پریشان بیند و نباید که
در بیداری فکر چیزی بر خاطر او استیلا یابد چنانچه
آنرا در خیال خواب بیند و دیگر آنکه از اخلاط اربعه
هیچکدام غالب بر طبیعت استیلا نیابد که بالجمله فی
مزاج کند

مزاج کند چه مولد اکثر چیزها از سرخ و چیزهای خوب و چیزهای صفرا و
و چیزهای زرد و چه سودا چیزهای سیاه و مهر و آفتاب و روشنی
و حمام و چیزهای گرم و سرد و چیزهای سرد و همچنین چیزهای
گمان و علی هذا القیاس و خواب اطفال بی دلیل بود و تمت
بعون الله تعالی و حسن توفیقه تعبیر خواب دیدن از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم روایت است که اول ماه تا آخر ماه چه
نتیجه بخشد هر که در اول ماه خواب بیند دروغ است دوم و سیوم
اگر چیزی بیند شر شود و اگر شر بیند خیر شود چهارم پنجم و ششم
بعد از چند روز یا بعد از یکسال یا بعد از یکماه انچه در خواب
دیده چنان شود هفتم هشتم هر چه بیند همان شود نهم و دهم
دروغ است یازدهم و دوازدهم تعبیر ندارد هر چه بیند چنان
شود سیزدهم چهاردهم محض دروغ است پانزدهم درست
و خلاف ندارد شانزدهم و هفدهم بعد از یکسال یا یکماه
تعبیر همانست که دیده است هجدهم و نوزدهم درست شود
همان خواب که دیده است بیستم و بیست و یکم دروغ است

بیت دوم هر خوابی که بینی تعبیرش فرح و نشاط باشد
بیت سیم و بیت چهارم اگر به بیند برعکس شود بیت پنجم
و بیت ششم تعبیرش چند روز یا کم یا بیشی چنان شود
که در خواب دیده الف بیت هفتم و بیت هشتم هر چه در خواب
بینی چنان شود بیت نهم البته دروغ است و آخر ماه صادق
دو قالب است و خلافی ندارد تمام شد بحول الله تعالی والله اعلم بالصواب

صحت لرزه یک بابکوزه یا آب خوردن که اصلاً آب
نکرده باشند آورده یک القاد نبات حبه سرخ و این شکل را
در سه حبه نبات من گوید نوشته نبات را با دوا الف در آب
و در آن بنهد از آن صبر کند که نبات آب شود و در هنگام لرزه
دفعتاً سر کشد اگر توفیر یافت فبها و الا مرتبه دوم
همین عمل بجا آورد و الا نیز مرتبه سیم همین عمل را بجا آورد
که بیمار را خلل لرزه یک برطرف شود این است
مخطوط الغربی محطوط الغرنوی مرحوط
لمغربی مرتبه دوم این بنویسد جلبند [illegible]
و اسکیا

و اسکیا نن دا مرتبه سیم این نو نویسد اسکن بقدرة
الله العزیز اسکن بعزت الله القدیم اسکن بعظمة
الله العظیم جهت درد سر یک سطر نوشته در پیشانی بچسپانند
بعد که تسکین یافت با آب روان اندازد مجرب است
اکح کح ع ح ح ع ح ح ع ح ع اح ع ح ح ع اع ام ع ح

دفع شمعون دزد و این عا نو نویسند بنام انکس که گمان
دارد و نام پدر انکس در خمیر گیرد و مثقال بیش نباشد
الغ خمیر نو گلوله کرده در آب اندازد هر کدام که بر آب
بر ایستد دزد انکس باشد والسارق والسارقة
فاقطعوا ایدیهما جزاء بما کسبا نکالا من الله
والله عزیز حکیم [illegible]
لا خوف [illegible] دزد و انغش بیمار تخم مرغ را
در ترازو کشد بعد از آن این شکل را بر آن تخم نوشته و آن تخم را
شب در زیر سر بیمار بگذارد فردا همان ترازو و سنگ بکشد
اگر تخم مرغ زیاده باشد زود صحت یابد و اگر مساوی باشد
بیمار روی بطول کشد اگر کم آید بیمار فوت شود مجرب است

حح لـه لوح ١٨ ٥٥ درد افتخ مریض در حالت

اثر مرض کفت حیات خواهی برد یا نه پس باید اسم مریض را با اسم

مادرش بحساب جمل جمع کنی و ایام مرض را اضافه کند

سی سی طرح بجه باقی هم باند نظر در این دو لوح کنند

اگر در لوح حیات باشد مانده نیست و اگر در لوح ممات باشد

رفته

لوح ممات نیست

٥	٤	٢
٩	٧	٦
١٨	٢١	١١
٢٤	٢١	٢٠
٢٥	٢٨	٣٠

لوح حیات

٨	٣	١
١٤	١٣	١٠
١٧	١٦	١٥
٢٣	٢٢	١٩
٢٦	٢٧	٢٩

دعای نزله و زکام بنویسند و بر سر بندد بسم الله اسرافیل بسم

الله المیکائیل بسم الله الارض بسم الله عظمة الله بسم الله

لا یرون فیها شمساً و لا زمهریرا اسکن نزله فلان ابن فلان

بحق لا اله الا الله محمد رسول الله صلعم علیا ولی الله

وننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و لا

یزید الظالمین الا خسارا ١١٢٥ محرم ١١١١

دعای شیر زنان در گردن ببندد بسم الله الرحمن الرحیم موسی

لقومه فقلنا اضرب بعصاک الحجر فانفجرت منه اثنتا

عشرة عینا قد علم کل اناس مشربهم کلوا واشربوا

من رزق الله و لا تعثوا فی الارض مفسدین اخرج

من بین فرث و دم لبنا خالصا سائغا للشاربین

دفع طاعون نوشته در در خانه چسباند بسم الله الرحمن الرحیم

خلاف علیم حی منبو صمص باق کیف واق مقلوس

زنی که بچه فرزند نگاه باید نوشت در گردن او بیندد مجرب است

بسم الله المقدس محیط بالارض والله محیط بالعباد و لبثوا

فی کهفهم سلطنا انه سحبی واذ دار روا سنعا و لو ان ما

فی الارض من شجرة اقلام والبحر یمده من بعده سبعة

البحر ما نفدت کلمات الله ان الله عزیز حکیم و نوحنا المثله

من وا زنی که شیرش کم باشد بر پارچه نان بنویسند بخورد شیرش

زیاده شود و له الجوار المنشئات فی البحر کالاعلام بکل

صبار شکور جهت شغال بیمار سرعت انزال نوشته بر

کاغذ در دو کرد تا سرعت نیاورد و انزال شود ١١٩ عم ط ٩٩

١١ ط ٩ ط ٩ ٩

درکشودن مرد بر دو پاره نان نوشته قتل الانسان ما اکفره
من ای شیء خلقه من نطفة خلقه فقدره ثم السبیل یسره
هر پاره نان دو دم ثم اماته فاقبره ثم اذا شاء انشره کلا
اول دو مرد دوم بخورد کشاده شوند ان شاء الله تعالی

جهت درد سر مجرب البتة بجهت عقرب گزیده مانند نمک
۱ ۳ ۱ ۵ را در آب کنند و بران موضع مالند
۴ ۲ ۴ ۴ و سورهٔ قل یا ایها الکافرون
۲ ۳ ۱ و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ
برب الناس بخوانند و بران موضع بدمند شفا یابد بر
در آب بنویسد بخورد شفا یابد بفضل الله تعالی جهت [illegible] این اشکال را
بر دو پاره کاغذ بنویسند یکی را بر گردن زن بندد و یکی را
در آب اندازند مالیده بدو خورانند مجرب است [illegible]
از سوده الله

ککهمکلمکملع
عسععحعلعصلع هلوح سلوح

بجهت شفای بیمار بنویسد با اعتقاد جازم بر کاغذ و در آب
شوید و بخورد بیمار دهد بیمار را شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم
یا الله

یا الله یا محمد یا علی یا فاطم یا حسن یا حسین یا قیوم فلا یفوت
شیء من علمه جهت جرب از کبیر کشیده این آیه بنویسند و نام
آنکس در عقب کاغذ بنویسند و در خمیر کرده و در ظرف پر آب
اندازد با اسم هرکس که در درون آب بایستد [illegible] آنکس دزد
این است انا عرضنا الامانة علی السموات والارض
والجبال فابین ان یحملنها واشفقن منها و
حملها الانسان انه کان ظلوما جهولا فاعل [illegible]
دو دو انگشت بیمار بر کاغذ بنویسند بر آب اندازند اگر
در زیر آب رود بیمار بر طرف شود و اگر در روی آب بایستد
بهتر شود بفرمان خدای تعالی بسم الله الرحمن الرحیم اللهم احفظ
یا جبرائیل یا میکائیل یا اسرافیل یا عزرائیل و رب
العرش و بحق کلام الله تعالی تورات موسی و عیسی و زبور
داود و فرقان محمد المصطفی صلی الله علیه وآله وسلم
جهت [illegible] دماغ [illegible] بنویسند [illegible] کرد طب
طب مطلب طلب طب مطلب هر کس [illegible] بخواند و بر
[illegible] بدمد [illegible] زخم شود و درد [illegible] نکند

دح او ف ك ع ل ن ك ى مل و دل وبى م ل
و دل بى م ل دم ص ع ن ادح اع ثا و ع لف

اگر خواهر كه چهل روز برپاى خود بر كار نكند بجهل ليل
عا و سه بار بخواند دهان وما دهان وما نكا سادما نا
نبكى نبكى نو نو نو نو ودا يا سن كاف دكا دا نا دجا نا

دعا چهار شنبه حورى بايد نوشت و در آب بايد انداخت
وان آب بخورند تا چهار شنبه ديگر از فقر و در پناه حق تعالى

الحزرت بوده باشد بسم الله الرحمن الرحيم آب آه آه اه
كجت طاه اع لا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم
وصلى الله على خير خلقه محمد وآله اجمعين جهت برطرف

شدن ما هر زخم و بيلى با شد دين آيه را بر هفت باره طوخ بخوانند و بر
هر باره هفت بار ومن كل شيء خلقنا زوجين و در آب روان اندازند بعون الله
تعالى بر طرف ميشود و مجرب است به رسيده قوله تعالى أيود أحدكم أن
تكون له جنة ... الآيات لعلكم تتفكرون اگر خواهر
كه طلب شرا شود بگير هفت دانه گندم و هفت بار بخواند و
... بر ... شد بسته گردد اگر خواهر كه يك سير بگير
هفت دانه جو و بر كدام هفت بار بخواند كه ... گردد

بسم الله ...

بسم الله الرحمن الرحيم وان من الحجارة لما يتفجر منها
الانهار وان منها لما يشقق فيخرج منه الماء وان
منها لما يهبط من خشية الله وما الله بغافل عما تعملون

جهت نزله اين طلسم را نوشته در ميان طلسم هفت دانه جو
... بيند و در چاه آب و باد در زمين نشما ... دفع گند كه اين جو
... سبيده شود نزله هم برطرف شود

٦	١	٣٤
و	و	٣
٢	١	۴

٦	١	٧
٨	٥	٩
٧	٦	٣

٨	١١	١۴	
١٣	٢	٧	١٢
٣	١٦	٩	٦
١٠	٥	۴	١٥

اگر كسى ديوانه
شود اين اسم را
بنويسند بر كاغذ و بنابت

ع	ا	ت	و
٦	٢١١	٩	٨
١٢	١٠٠	٦۴	٢
بل	۵۵	١١	١٠١

... بر ... شود مجرب است

بسم الله الرحمن الرحيم السما السما السما السما السما
السما السما السما و بر سر بيمار ... كه بيمار مجرب است
اگر زنى ... بچه ... باشند اين دعا
بنويسند و بر كوزه مقنعه او ... كه بخواهد

او بود در زیر سر خود نهد در حال خوش خوابی بیند

دعا اینست بعد از بسمله بسم الله وبالله ومن عند

الله وبه نرجو لیسکن الیها الا هو الذی

خلقکم من نفس واحدة وجعل منها زوجها

لیسکن الیها فلما تصلی من یل وطوال

باب نوع [illegible] که کسی را با خود [illegible] بنویسد [illegible]

بگیرند و در میان [illegible] اندازند بعد از بسمله اللهم یا

معطی یا من یصنع ویرفع انک علی کل شیء قدیر

سبحان ربی العظیم وبحمده اللهم ارزقنا مودتها

کثیرا [illegible] جمیعا [illegible] برحمتک یا ارحم الراحمین

اگر خواهد [illegible] بیمار [illegible] باید [illegible]

و در آب [illegible] سرخ شود [illegible] بیمار [illegible]

و اگر سبز شود امید [illegible] بیمار [illegible]

طول کشد و اگر سفید [illegible] یا واصل الباقی

اول کل شیء وآخره یا دائم الباقی سبحان الرؤف الرحیم

نوع دیگر اینچ اسم ها که بر جبه بنده کنند [illegible] کرده [illegible] اسر دیع

العجل ۱۱۱۱ ع ۱۱۱ ع ۱۱۱ بع ۱۱۱ بح ولا حول ولا قوة

الا بالله العلی العظیم نوع دیگر دعا عهدنامه اینست

جناب پیغمبر [illegible] اینچ عهدنامه بنویسد [illegible] و زعفران

در آب اندازد بخورد و بخوابد [illegible] در جواب [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم اللهم فاطر السموات والا

رض عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم

انی اعهد الیک فی هذه الحیوة الدنیا

بانی اشهد انک الله لا اله الا انت وحده

لا شریک لک وان محمدا عبدک ورسولک

وانک ان تکلنی الی نفسی تقربنی من

الشر وتباعدنی من الخیر وانی لا اثق الا

برحمتک فاجعلنی عندک عهدا توفیه الی یوم ا

لقیامة انک لا تخلف المیعاد وصلی الله علی محمد وآله

اجمعین

بچه او به میرد از وی نوزاد هفت خانه ...

از و بگیرد و در دامن خود خمیر کنند و سه نان از آن بپخته کنند

به سگ دهند تا بخورد و هر بچه که از آن سگ به میرد و

جدا از نی بشود به ما نگو این دعا را نوشته با خود دارد بسم الله الرحمن الرحیم

این سر لما سمعا و ... عود ... عون الطا...

ملطفنا المستخون ان علی کل شیء قدیر اشر ...

من الباء و من ال شری مکلم حرد ... کر ...

و و د ع ط مثل کا و و کو ... وغیره

و بچه خود بر بزرد و یا شیر ندهد این شکل به بنویسد بر گردن

مادرش به بندد بچه خود بگیرد

ه ه ه ه ه ه ه ه ه

این حرفها را نوشته به بازوش ببندد چند که او بشو

خدا بخشش نباید کبد طاع که مو ه ه ه هج جی من ارادان لا

یزال للهر صنه و ان صح حرة تکتب بعد الطلع

الاحد عند طلوع الشمس و شد علی و سط ... الا بزال

الحر

الر ۲۲ الا بعین حرة خویله و احر ... و ... لدة

۲۱۱ ۱۱ ص نو الا ۱۱۱ الا ۳ ۹ ۳ ۱۱ ۲ ۱۱ ص ر لا ط لا ۲۲۲

لشره اکبر ... یا منتشر

بحق هذه الاسماء و بحق الاسم اعلا

در بستر باشند مرد را بر هفت طعم بر عضا ... بنویسید

علا ... ما لاه

و بخورند فی الحال کشاده گردد حصل

جرب خالی کاها کلسا سجاه سسحد

خوردن طفل و در طعام آمیخته بخورانند ... در گردن

و ببندند و از خاک خوردن خلاص گردد ... مجرب و دار

سوره ... بسم الله الرحمن الرحیم خلقتنی من

خلق ... یا ... نث ...

دعا ... ... بنویسید

و جدا ... تب ...

فرعون بن ... بن عاد

الدعا ...

... بسم الله الرحمن الرحیم

... خدا ...

أَنَّ غَضَبَ اللهِ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ
وَلَوْلَا فَضْلُ اللهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللهَ
تَوَّابٌ حَكِيمٌ ‌ این دعا برای طلسم کردن [illegible] و این دعا [illegible] طلسم
بخواند و طلسم [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]
[illegible] يا [illegible] يا حيا [illegible] و [illegible] و جلال
و كمال [illegible] و [illegible] و [illegible] و [illegible]
[illegible] بحق سليمان ابن داود [illegible]
احفظ [illegible] ادحاجيا [illegible]
ملكت ملكوت يا سبحان يا غالب
[illegible] يا موسى ابن عمران [illegible] الطريق [illegible]
[illegible] فالقم بدو [illegible] بدو [illegible] بدو
و این شکل [illegible] برای [illegible] دختر نابالغ بنویسد
و در زیر چادر کنند تا بنکاح کنند و [illegible]
[illegible]

[illegible] ا ا لا ا ا لا ا ا لا [illegible] بنویسد [illegible]
[illegible] ا ا لا ا ا لا ا ا لا و این شکل [illegible] بنویسد
[illegible] ا ا لا [illegible] و [illegible]
[illegible] بنویسد در [illegible] چهار [illegible] در چهار طرف زراعت دفن کند
بسم الله ايتها الذباب والهوام والحيوانات اخرجوا من هذه الارض
الى الخراب كما خرج يونس من بطن الحوت وان لم
تخرجوا اخرجت ارسلت عليكم شواظ من نار ونحاس
فلا تنتصران الم تر الى الذين خرجوا من ديارهم وهم الوف
حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم احياهم [illegible] اخرجوا منها فانك
رجيم فخرج منها خائفا يترقب سبحان الذي اسرى
بعبده ليلا من المسجد الحرام الى المسجد الاقصى الذي
باركنا حوله كانهم يوم يرونها لم يلبثوا الا عشية
او ضحاها فاخرجناهم من جنات وعيون وزروع ومقام
كريم ونعمة كانوا فيها فاكهين فما بكت عليهم

السماء والارض وما كانوا منتصرين اخرج منها

فما يكون لك ان تتكبر فيها فاخرج انك من الصاغرين

اخرج منها مذءوما مدحورا فلنأتينهم بجنود

لا قبل لهم بها ولنخرجنهم منها أذلة وهم صاغرون

دعای [illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم البرهان

شديد السلطان كل يوم هو في شأن اللهم اني اعوذ

بك من الطعن والطاعون والوباء الحمد لله رب العالمين

[illegible] يا من لطيف لم يزل

الطف بنا فيما نزل انت القوي نجنا عن

قهرك اليوم الخلل لي خمسة اطفي بهم حر الوباء

الحاطمة المصطفى والمرتضى وابناهما والفاطمة

[illegible]

دعای طاعون [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

لا اله الا الله [illegible] محمد رسول الله

[illegible]

[illegible]

[illegible] بسم الله الرحمن الرحيم

حسبنا الواحد القيوم [illegible]

[illegible] حسبنا الله اللهم انا نعوذ من الطعن والطاعون

[illegible] والوباء والفجاءة [illegible]

ربنا اصرف عنا العذاب انا مؤمنون وصلى على محمد وآله حسبنا

الله ونعم الوكيل فالله خير حافظا وهو ارحم الراحمين

[illegible]

[illegible] بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بكلمات الله التامات من

شر ما خلق

جهر اگر سه شنبه باید اگر جمعه طول کشد اگر یکشنبه
روز شنبه اگر دوشنبه [illegible] اگر [illegible] طول کشد اگر [illegible]

هر کس [illegible] بازو بندد [illegible]
[illegible] ۱۳۲۹

کهیعص حمعسق ق

طه

الم

۱۳۳۹۳	[illegible]	۱۳۳۹
۱۳۳۹۴	۱۳۳۹۰	۳۶۳ ۱۲
۱۳۳۹۶	۱۳۳۹	۱۳۳۹

از [illegible] بسم الله [illegible]

مجرب است و [illegible] دعا [illegible]

شرح دعای [illegible]

رسول صلی الله علیه و آله [illegible]

بر بازو بندد [illegible]

الخ دعا [illegible] تعویذ [illegible]

[illegible]

[illegible]	۱	۶
۳	۵	۷
۴	[illegible]	۲

یا بدیع العجائب الحب [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

کی نی محبت جاری تو تک کا [illegible] شید

منکا وی خدا یا رسول یا عنا [illegible]

غایده ااا ب اا ت اا ث [illegible] ج [illegible] ح

[illegible] س [illegible] ش [illegible] ص

ض [illegible] ط [illegible] ظ [illegible] ع [illegible] غ [illegible] ف

ق [illegible] ک [illegible] ل [illegible] م [illegible] ن [illegible] و [illegible] ه

ی [illegible]

[illegible] صلوات بر محمد [illegible] سوره مبارک [illegible]

[illegible] بخواند و الخ دعا [illegible] بسم الله [illegible]

[illegible] الله برحمته خیر [illegible] عاقبة [illegible]

میکائیل
عزرائیل
لا اله الا الله
لا اله الا الله
محمد رسول الله
علی ولی الله

... حضرت محمد ...
شفیع ... حضرت
یوسف علیه السلام که
هر کس خواب بیند
و از آن متفکر باشد
در این تعبیر نامه مطالعه
کند و احوال
خود معلوم نماید

در دنیا بد و دانست که هر کس الله تعالی را در خواب بیند همیشه دل او
تازه و خاطر او خوش باشد و خرم و تا آن شخص زنده باشد
بدکردار مبتلا باشد و از یاد او [illegible] دل او پر نور
باشد و معرفت [illegible] باب اگر فرشتگان آسمان را در خواب
بیند دنیا و آخرت او بخیر بگذرد و در طاعت حق حریص گردد
و سعادتمند شود باب اگر پیغمبران را در خواب بیند تا در
دنیا باشد با عزت و جاه منزلت باشد و از آتش دوزخ رستگار شود
باب اگر اولیا را در خواب بیند از محبت حق بهره مند شود
رزق او افزون شود همیشه کار او نیک شود باب

اگر مرده

اگر مرده در خواب بیند کار وی جمله با صلاح آید باب
اگر مرده در خواب چیزی به وی دهد توانگر گردد اگر مرده
در خواب چیزی از وی بستاند نشانه بیماری بود اگر در خواب
بیند که مرده مرده میرد آن شخص بزودی بمیرد باب اگر
بخواب بیند که مرده [illegible] اگر بر وی اعتراض کند
[illegible] تا خیر بگذرد اگر بخواب بیند که [illegible]
[illegible] مالدار شود باب اگر در خواب بیند که کسی میگوید
خبر ناخوش بشنود و اندیشه ناک گردد باب اگر در خواب
که مرده سخن میگوید از روز خبر [illegible] باب اگر
خواب بیند که با اهل خانه طعام میخورد از خویش نیک باشد باب
اگر خواب بیند که با فرشته سخن میگوید کارش روز بروز ترقی
کند باب اگر جواهر بیند در خواب بلند همت شود باب
اگر گندم در خواب بیند غمگین شود اگر گندم دید در خواب
بیند دل او از غم خلاص شود اگر جو در خواب بیند
غمناک شود اگر رطب در خواب بیند همیشه [illegible]

خلایق عزیز باشد باب اگر انگور در خواب بیند غمناک شود باب

باب اگر انار هر نوع میوه در خواب بیند دلالت بر خوشی و آسایش

دارد باب اگر زر در خواب بیند در نظر پادشاهان بزرگ

شود اگر مس در خواب بیند جهتی بد کند اگر [illegible] در

خواب بیند بخیر [illegible] رسد اما با سهل گذرد اگر تیغ در خواب

بیند کار خوفناک از دست او برآید اگر در خواب بیند که در

سایه درخت میوه دار نشسته نعمت بدست او آید اگر آتش

که سر او افتاده

در خواب بیند ~~صاحب باغ~~ شکر خدا او بود از بلا نگاه

دارد اگر گیاه در خواب بیند صاحب باغ شود اگر

آنکه در خواب بیند سرانجام خانه او نیک شود اگر آب

تیره در خواب بیند ناخوشی باو رسد اگر آب صافی در

خواب بیند روزی حلال یابد اگر خواب بیند آب

میخورد بزرگی و شادی باو رسد اگر خواب بیند که آب

صافی از حلقش بیرون آید واعظ شود اگر خواب بیند

که با آب صافی غسل میکند از گناه پاک شود اگر خواب

بیند که با آب نجس

ببیند که با آب نجس غسل میکند عکس شود اگر خواب بیند

که خاک در دست دارد نعمت یابد اگر خواب بیند که خاک

خورد [illegible] خدا او بود از جور ظالم نگاه دارد اما توبه کند اگر

در خواب بیند که با آتش [illegible] از خشم و عذاب [illegible]

آلات آتش [illegible] در خواب بیند بیمار شود اگر در خواب بیند

که کسی [illegible] آتش خاسته با دوستان خاص خصومت کند

اگر خواب بیند آتش در وی افتاده از وی البته با کسی جنگ

کند و خشم بر وی افزاید اگر خواب بیند نان و طعام می

پزد دولت و غم برایشان برسد اگر بار صنعت در خواب بیند

دیوان لشکر بیگانه [illegible] ملک بیند شود اگر خواب

بیند که درختی را از بیخ میکند در آن شهر خراب بیند شود بادشاه

بکشد

او همالک بمیرد و قحطی پدید آید اگر خواب بیند که کسی

ظلم کرده از گناه توبه کند اگر خواب بیند که انگشتری

نقره در دست دارد خیر و برکت و نصرت یابد اگر انگشتری

طلا در دست دارد مال عظیم یابد در خواب بیند که

قرآن میخواند خرم شود و صاحب نعمت شود اگر خواب بیند
که انگشتر گم کرده بمصیبت رسد اگر خواب بیند که انگشتر
در دست او شکست از قبیله او کسی بمیرد اگر خواب بیند که جامه
نو پوشید بجد نیز نیک شود اگر خواب بیند که جامه سرخ پوشیده
اگر سرخ باشد خرم شود اگر سرد بود تنگ تر گردد اگر در خواب بیند
جامه زرد پوشیده است رنجور شود جامه کبود نشانه ماتم بود
اگر در خواب جامه سفید پوشیده آن شخص بمیرد اگر جامه سبز پوشیده
البته نعمت یابد اگر در خواب بیند که گوشت عند لشته و یا بریان
کرده یا خورده از خدا رزق حلال باو رسد اگر در خواب بیند
که بر شتر نشسته پادشاه وقت شود بمرتبه عالی رسد اگر در خواب
بیند که بر دنبال شتر برود سعادتمند گردد اگر در خواب
بیند که بر جنازه کسی او را در بند در میان قوم عزیز شود اگر خواب
بیند که سگ بجانب او فریاد میکند از ظالمی یا حرامزاده زحمتی
باو رسد اگر در خواب بیند که سگ همراه او میرود
خلاصی یابد اگر خواب بیند که سگ را کشته
اگر خواب بیند که مار را کشته از دشمن توانگر گردد

اگر خواب بیند که مار او را گزیده از دشمن آزار باو رسد اگر
خواب بیند که مار همراه دارد در موافق باشد که با کسی جنگ نکند اگر
در خواب بیند که گربه در دست دارد طمع زنگ زردی بوی رسد
اگر خواب بیند که با گربه طعام بخورد غم و الم بیند اگر خواب
بیند که گربه طعام میدهد مال از دشمنی بیرون رود اگر خواب بیند
گربه کشته است درویش شود اگر خواب بیند که گربه بیرون رفت و یا
بر آورده نعمت یابد اگر خواب بیند دست خود را بریده مادر و پدر
بمیرد اگر خواب بیند که پای خود را بریده در کار وی خلل پیدا شود
اگر خواب بیند که کور شده البته روشنایی در کار وی پیدا شود اگر شراب
در خواب بیند رسوا شود اگر سینه در خواب بیند و بر قلعه برود اگر خواب
بیند مثل جوز بویا و جوز نخجبیل و فرس و نقل و دارچینی انواع
دیگر بمراد رسیده شود اگر در خواب بیند که ترازو شکسته قاضی
در بازار بمیرد اگر مسجد در خواب بیند طالب علم شود اگر قیامت
در خواب بیند حریص شود بر طاعت اگر آفتاب در خواب
بیند از پادشاه نفع بوی رسد اگر عمارت در خواب بیند

زیاده شود عمر و دولت بود اگر گلاب در خواب [illegible] دولت یابد
اگر زعفران در خواب بیند رنجور بود اگر حجامت در خواب بیند غم
و الم بود اگر در خواب بیند که پیر بر تخت دولت بود اگر در خواب
حسن جمال مقبول بیند از دولت یابد اگر خواب بیند [illegible] شده فرو
خفته از غم خلاص شود اگر در خواب بیند که بنده [illegible] مار نعمت
بود اگر انگشتی در خواب بیند فتنه بود اگر در خواب [illegible] بیند با زن خود
مجامعت میکند از اولاد بد رلیش بمیرد اگر زن در خواب بیند با شوهر
خود مجامعت میکند از اولاد بد رلیش بمیرد اگر خواب که غسل میکند
از گناه پاک شود اگر در خواب که با آب عرق شده تصدق دهد اگر
خواب بیند که چراغ یا شمع در دست دارد او را فرزندی کرامت شود
اگر خواب بیند که با آب سیاه شده لشت نه مرگ بود اگر بیند که بکوه
از کوه بزیر آمده از غضب [illegible]
بالا میرود مرتبه او بالا رود صاحب منصب شود اگر در خواب جنگ
بیند ظفر ناخوش [illegible] رسد اگر خواب بیند که نماز میکند از آتش
دوزخ نجات یابد اگر بیند که جمله [illegible] میرود نیک بخت شود
تاریکیب
اگر در خواب بیند [illegible] معتدل شود اگر خواب بیند
که [illegible] نشانه غم و الم بود اگر خواب بیند که

اگر خواب بیند که با [illegible] میگوید دنیا تا سال [illegible] و کند درست
از خانه او کم نشود اگر در خواب بیند که عمامه کسی بر سر نهاده فرزند یابد
بمیرد و سیاه بخت بود اگر خواب بیند که خربزه میخورد رنجور بود اگر
خواب بیند که [illegible] در دست دارد دیوانه شود اگر خواب بیند که [illegible]
دانه در دست دارد بیمار شود اگر خواب بیند که کبوتر [illegible] بیند
[illegible] فرزند بود اگر خواب بیند که دندان او شکسته مصیبت بود
اگر در خواب بیند که مصحف میخواند حق تعالی [illegible] او را [illegible] اگر
خواب که کسی خود را بریده [illegible] عیبی که در رو ظاهر گردد اگر خواب
بیند که با آسمان رفته مرتبه او بلند گردد اگر خواب که با آفتاب
سخن میگوید رزق بر وی گشاده شود اگر خواب بیند که در ستاره
آویخته یا فرود آمده مرتبه پادشاهی رسد یا در اقلیم [illegible] گردد
اگر خواب مال [illegible] بیند ابدال شود و دنیا [illegible] بازده
اگر ظالم بود در خواب بیند کار آخر او نیک شود اگر آب [illegible] در خواب
بیند مراد و مقصود او حاصل شود اگر [illegible] بیند مالی در دست او بمیرد
اگر دوزخ بیند نشانه [illegible] از صراط [illegible] خواب بیند
عذاب [illegible] بود اگر [illegible] بیند نشانه [illegible] بود
[illegible] بیند [illegible] شفقا بود خواب

که بخورد دولت و نعمت بود اگر در خواب چیزی واردید بیند
نشانه که دکان بود اگر برنج خواب بیند نشانه رنج بود
اگر گوشت در خواب بیند نشانه میراث بود اگر دنبه خواب
بیند دماغ خشکی کند اگر ترب و سبزی بیند افزونی عمر بود
اگر آب سرخ بیند نشانه جنگ و جدال بود اگر نمک بیند سر
انجام خانه بود اگر صدای طبل شنود خبر ناخوش بود اگر
مهمانی در خواب بیند نشانه عمل صالح بود اگر ریسمان بیند
قدرت یابد اگر ریگ بیند زنده گی خوشی بود اگر زندان خواب
بیند از پادشاه بیم بود اگر دایره بیند عدل بود و خفته رو دهد اگر
جامه دوختن بیند نجات از دوزخ بود اگر زغل بیند نجات
از غم بود اگر تیر و تیغ بیند بیم از سلطان بود اگر در خواب با شخصی
معانقه کند کار بسازد آخرت بود اگر ماش بیند موجب
خوشدلی بود اگر حصیر در خواب بیند غم و اندوه بود اگر [illegible]
بیند عیش و نشاط بود اگر شیر در خواب بیند که بخورد نشانه
کسب حلال بود اگر حجامت بیند که میکند عیش و نشاط بود
بود نقش نگار زن در خواب بیند نشانه فرزند بود

اگر خرگوش بیند

اگر خرگوش بیند نشانه بی وفایی زن بود اگر روباه بیند نشانه مکر و
[illegible] بود اگر شغال بیند نشانه مفلسی بود اگر ماهی در خواب
بیند نشانه [illegible] کردن بود اگر اسپ نشستن اجل بود
سوار شدن اسپ خوشحالی بود تازیانه خوردن دولت و نعمت
بود باغ دیدن نشانه ملک و پادشاهی بود گوشت شتر در
خواب دیدن مال حلال بود اگر بیند پیر زن [illegible] غم و اندوه بود
اگر گوسفند بیند خیر و برکت بود کبوتر بیند نشانه زن بود اگر
باز بیند صدقه و دولت بود و انواع جانور دیدن فتوح بود
آفتاب بیند از پادشاه بود اگر بیند که زن و مرده نشستن بر دو [illegible]
ظفر یابد با جنازه رفتن بزرگی بود [illegible] رفتن سرفرازی
بود در خواب مومنان دیدن کار نیک بالا گیرد در آب غرق شدن
نعمت بود دکان دیدن عیش بود از کوه بزیر رفتن و رنج و محنت
[illegible] کردن طاعت بود جامه سبز نشانه [illegible]
[illegible] بسیار رنگ از علت پاک شود جامه کهنه دیدن
غم و اندوه بود گوسفند دیدن روزی حلال بود بز غاله دیدن
جنگ و غوغا بود هلال دیدن خبر ناخوش بود [illegible] بزیر

هدیه نشانه وصل بود باسمان بالا رفتن مرتبه اعلا بود
باسمان پرواز کردن سفر پیش آمدن [illegible] دیدن زوال بود
خویش دیدن اندوه بود مور جمع دیدن حرص دنیا بود [illegible] دیدن
اندوه لشکر بود مار خوردن مال حرام بود مرده در کنار گرفتن
دیدن نوحه کردن [illegible] بود اگر در خواب بیند که شیخ شده طلاق زن [illegible]
[illegible] زوال و ویرانی بود اگر خانه خود ویران افتادن در رخت [illegible]
افتادن [illegible] زنده گشتن غم اندوه بود خاک خوردن زوال مال
درخت شکستن خصومت و عداوت بود درخت نشاندن [illegible]
[illegible] بود استاره دیدن نفعی بود [illegible]
اندوه بود بادام نرم نشانه ظلم و ستم بود [illegible]
خیر و برکت بود خانه ساختن نشانه دولت بود
[illegible] در خواب دیدن [illegible] بود شمشیر دیدن نشانه
سلطنت بود مرده بر زنده سلام کردن بسیار خوب بود
رقص کردن اندوه بود [illegible] در خواب دیدن نشانه
دانشمند بود [illegible] دیدن [illegible]
زدن بسیار نیک بود [illegible] دیدن نشانه [illegible]